

بازنگاهی به پیش‌شرط‌های پیش‌رفت و برون‌رفت از مشکلات در بیانات امام خامنه‌ای در حرم مطهر امام(ره)

آمریکایی‌ها

نزدیک نشوند!

صفحه ۲

ویژه‌نگاشت سه دهه راهبری داهیانه امام خامنه‌ای



با آثار و گفتاری از:

مهدی چمران

رسول منتجب نیا

سعدالله زارعی

فرامرز عابدینی

ابوالفضل صدقی

و ...

چهره‌های سیاسی از نحوه مواجهه امام خامنه‌ای با جریان‌های سیاسی می‌گویند

اصولگرا و اصلاح‌طلب برای رهبری یکسان است

گفت‌وگوی اختصاصی

با یک تحلیلگر برجسته سیاسی - امنیتی

اشراف امام خامنه‌ای به مسائل کشور بی‌سابقه است

صفحات ۵ الی ۸

سرمقاله

ترامپ در بن‌بست!



دکتر بهداده جوانی
مدیر مسئول

دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه ۱۶ خرداد در شهر کان در شمال غربی فرانسه و در حضور میزبان خود امانوئل مکرون گفت: «ایران کشوری است که به بن‌بست می‌خورد؛ زیرا تحریم‌ها فوق‌العاده و مؤثر بوده‌اند. اما آمریکا می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد. من درک می‌کنم که آنها می‌خواهند مذاکره کنند. ما برای مذاکره با ایران آماده‌ایم.»

اکنون یک سؤال اساسی در محافل سیاسی جهان مطرح است و آن اینکه، ایران و آمریکا کدام یک در بن‌بست قرار دارند؟ پاسخ به این پرسش راهبردی، آینده و مختصات آن را ترسیم و توصیف می‌کند. واقعیت آن است که نبرد و جنگ هوشمند و ترکیبی بین ایالات متحده آمریکا و ایران در همه حوزه‌ها؛ به جز حوزه جنگ نظامی مستقیم در جریان است. آمریکایی‌ها با تمام قوای خود آمده‌اند و هدفی جز به تسلیم کشاندن ایران از طریق مذاکره ندارند. در این عرصه نبرد و رویارویی تمام‌عیار، جنگ اصلی، جنگ اراده‌ها است.

آقای ترامپ، رئیس‌جمهور— آمریکا با خصوصیت اصلی معامله‌گری و تاجرمسلكی، تردیدی نداشت که پس از ورود به کاخ سفید و با بهره‌گیری از هنر معامله‌گری خود، مقاومت چهل ساله ملت ایران را در هم شکسته، جمهوری اسلامی را به تسلیم شدن در برابر آمریکا وادار می‌کند؛ اما اکنون و با گذشت بیش از دو سال از این حضور در مسند سیاسی، واقعیات دیگری در برابر ترامپ و تیم او رخ می‌نمایند. مروری بر چند پرده از نمایش‌های ترامپ و تیمش بسا مهره‌های کلیدی، چون جان بولتون و پمپئو، روندهای شکل گرفته در گذشته و حال را مشخص و پیش‌بینی آینده را تا حدود زیادی می‌کند.

۱— پسرده اول این نمایش، به زمان ورود ترامپ به عرصه سیاست و رقابت‌های انتخاباتی برمی‌گردد. ترامپ در آن زمان، با اتخاذ مواضع بسیار تند علیه جمهوری اسلامی، دولت وقت آمریکا را به ساده‌لوحی در برابر ایران متهم و اعلام کرد در صورت حضور در کاخ سفید، برجام را پاره خواهد کرد و با ایران به شکل جدی مقابله می‌کند.

۲— ترامپ پس از ورود به کاخ سفید، با آن عملیات روانی در پرده اول از نمایش خود، خواهان مذاکره مجدد با ایران و اصلاح برجام یا شکل‌گیری برجام‌های جدید شدد. تصور ترامپ آن بود که با گرد و خاکی که او به راه انداخته، مقامات جمهوری اسلامی از ترس پاره شدن برجام با خروج آمریکا از این توافق، تسلیم زباده‌خواهی‌های او شده، به انجام اصلاحاتی در موادی از برجام تن خواهند داد؛ اما برخلاف این تصور و ارزیابی ترامپ که در هنر معامله‌گری او در اقتصاد و معاملات تجاری او ریشه داشت، ایران باب هرگونه مذاکره و تجدیدنظر در برجام را هفت قفله کرد.

۳— ترامپ ناگام در مرحله پیش‌گفته، مرحله سوم نمایش را با اعلام خروج آمریکا از برجام و اعمال شدیدترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی به اجرا گذاشت.

آمریکایی‌ها با انجام محاسبات اشتباه از شرایط داخلی ایران، براساس داده‌های خبری و اطلاعاتی منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و برخی دیگر از عناصر غرب‌گرای داخلی، ایران را در لبه پر تگاه و در آستانه فروپاشی ارزیابی کرده، بر شرط و شروطهای خود در یک مذاکره احتمالی بسی افزودند. سناریوی تابستان داغ و ناگامی جمهوری اسلامی در چهل ساله شدن، به گونه‌ای در رسانه‌های استخباری و شبکه ضد انقلاب برجسته شد که آمریکایی‌ها بیش از پیش متوهم شده و افرادی چون پمپئو، وزیر خارجه آمریکا را گرفتار خیال‌پردازی کرد.

آقای پمپئو دوازده شرط را برای مذاکره با ایران مطرح کرده. تصور وزیر خارجه آمریکا آن بود که آمریکا در اوج قدرت و ایران در نهایت ضعف



قرار دارد و چاره‌ای جز پذیرش این شروط ندارد! شروط دوازده‌گانه پمپئو، به گونه‌ای تنظیم شده بود که پذیرش آن، معنایی جز تسلیم شدن کامل ایران در برابر آمریکا را نداشت. گویا در یک جنگ نظامی بین دو کشور، آمریکا غالب و ایران مغلوب شده و چاره‌ای جز تن دادن به خواسته‌های طرف پیروز در جنگ ندارد!

۴— ترامپ برای پیروز شدن در نبرد اراده‌ها، از یک طرف هم‌زمان با

تشدید تحریم‌ها، شعار به صفر رساندن صادرات نفت ایران را مطرح کرد و از طرف دیگر، با قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی، از اراده خود مبنی بر استفاده از همه ظرفیت‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی خبر داد. دولت ترامپ برای واقعی کردن تهدیدات و معتبر کردن آن علیه جمهوری اسلامی، ناو هوایمابر آبراهام لینکلن را هم به سمت منطقه و خلیج فارس به حرکت درآورد؛ اما برخلاف آن همه هیاهو، سروصدا و تبلیغات تو دل خالی کن آمریکایی‌ها و متحدان‌شان و جریان ضد انقلاب، سال ۱۳۹۷ نه تنها بدون تابستان داغ، بلکه با نمایشی‌ترین حماسه‌های حضور مردم در جشن‌های چهل سالگی انقلاب به پایان رسید و در روز قدس سال ۱۳۹۸، مردم ایران و دیگر مسلمانان در صد کشور جهان، عیار مقاومت شکل گرفته بر مبنای اندیشه‌های راهبردی حضرت امام خمینی(قدس‌الله نفسه الکریمه) در برابر شیطان بزرگ را به نمایش گذاشتند.

سه‌قدرت‌نمایی مقاومت فلسطینی‌ها در غزه قهرمان در جنگ اخیر با پرتاب بیش از ۸۰۰ موشک و راکت و عبور نزدیک هفتاد درصد آنها از گنبد آهنین، اراده دولت، ارتش و مقاومت مردمی در سوریه بر آزادسازی ادلب به عنوان آخرین پایگاه تروریست‌های تحت حمایت آمریکا، ایستادگی عراقی‌ها بر سسر همکاری با ایران و نادیده انگاشتن تحریم‌ها، قدرت‌نمایی یمنی‌ها در برتری میدانی با به کارگیری یگان پیش‌رفته پهپادی خود و آشکار شدن نشانه‌هایی از موفقیت جمهوری اسلامی در مهار فشارها، دور زدن تحریم‌ها، تبدیل کردن تحریم‌ها و تهدیدها به فرصت برای کاهش وابستگی‌های اقتصادی به خارج و از جمله خام‌فروشی نفت و همچنین آشکار شدن اراده جمهوری اسلامی مبنی بر مقابله جدی با هر نوع تحرک نظامی آمریکایی‌ها در منطقه، غلط بودن محاسبات و ارزیابی‌های آمریکا و ترامپ و تیمش را نمایان کرد.

در چنین فضایی بود که آقای پمپئو با آن ششروط دوازده‌گانه‌اش، با صراحت و با یک سقوط ۱۲ پله‌ای، از مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران سخن گفت؛ در چنین فضایی بود که ترامپ در سفر به ژاپن، به طور رسمی اعلام کرد به دنبال براندازی جمهوری اسلامی و رهبران آن نیست و از ژاپنی‌ها، میانجیگری میان ایران و آمریکا را مطالبه کرد.

اکنون این پرده‌های نمایش از قبل از ورود آقای ترامپ به کاخ سفید تا به امروز، در پیش چشم و روی همه تحلیلگران و کارشناسان مسائل راهبردی قرار دارد. جمهوری اسلامی بر گزینه راهبردی مذاکره نکردن با آمریکای عهدشکن و غیر قابل اعتماد تأکید داشته، در حال عبور پرشتاب از موانع و مشکلات ناشی از فشارها و تحریم‌ها است. اما آمریکای مغرور و ترامپ خودشیفته به خاطر هنر معامله‌اش در حوزه اقتصاد، اکنون در عرصه سیاست برای مذاکره با جمهوری اسلامی به این و آن التماس کرده، در جست‌وجوی راهی برای عبور از این بن‌بست خودساخته است.

اکنون ترامپ متوجه شده، مشاورانی چون بولتون و وزیرانی چون پمپئو، او را در چه مخمصه‌ای قرار داده‌اند. اکنون او متوجه شده است عرصه سیاست با عرصه اقتصاد تفاوت دارد. اکنون او متوجه شده است ملت ایران و رهبر گرانسنگش، با دیگر ملت‌ها و رهبران دنیا، تفاوت از زمین تا آسمان دارند. آری او اکنون در حال دریافت این معنا است که مقاومت ملت ایران، پایان‌ناپذیر است و جمهوری اسلامی هرگز از تفکر و اندیشه مقاومت دست برنخواهد داشت. آری ملتی که براساس اعتقادات و باورهای دینی در برابر دشمنان خدا به مقاومت دست می‌زند، هرگز به بن‌بست نخواهد رسید؛ چون ایمان دارد به این سخن حضرت حق که فرمود: **«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»** (عنکبوت/ ۶۹).

یادداشت

انقلاب اسلامی در معیت الهی



فرهاد مهدوی
کارشناس رسانه

هنگام تأمل در آیات نورانی قرآن کریم با وعده‌های متعددی از لسان الهی مواجه می‌شویم که هم دارای ابعاد انذار و هم سرشار از تبشیر است؛ این انذار و تبشیرها در کنار هم سبب می‌شود مؤمن راه را گم نکنند؛ ترس داشته باشند، اما ترسو نشود؛ توکل داشته باشند، اما از مجاهدت و تلاش برای رسیدن به هدف باز نایستد. او همچنان مانند تشنه‌ای که به دنبال سیراب شدن است، فضل و رجای خود را در اعمالی می‌بیند که برای خدا انجام می‌گیرد؛ رهبران راستین الهی در یک جامعه دینی همچنان که خود را در مسیر الی‌الحق نگه داشته‌اند، در جست‌وجوی راهی بوده‌اند که مسیر من الخلق الی الحق را برای مؤمنان و مجاهدان بیابند، آنها را از میان کفار، منافقین و بی‌تفاوت‌ها مانند دانه‌های مروراید جدا کرده و در خزائن الهی برای سرنوشتی جاودان ذخیره کنند. انقلاب اسلامی که به تازگی گام دوم خود را برای تمدن نوین اسلامی آغاز کرده است، پدیده‌ای از جنس وعده‌های الهی و معیت خداوند را با خود دارد. این انقلاب بر خود می‌بالد که مدیون تلاش‌های انبیا از آدم تا خاتم و همچنین ائمه اطهار است؛ بر خود می‌بالد که وعده‌هایش از جنس قرآنی و مکتب وحی، دارای نورانیت و درخششی است که در مکان و زمان کهنه و حاشیه‌گرین نمی‌شود. معیت و همراهی خداوند با این انقلاب خود را در برهه‌های گوناگون نشان داده است؛ معیت از واژه‌های دیرین اولیاءالله هنگامی که خواسته‌اند نصرت و یاری خداوند را نشان بدهند و دیگران را از ترس برهانند، بوده است. خداوند در قرآن کریم همراهی خود را با موسی و هارون این‌گونه گوشزد کرده است: **«قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكَا أَسْمَعُ وَأُذِي»**؛ گفت ترسید من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم. موسی چون با ترس باران خود مواجه شد این‌گونه به آنها روحیه داد: **«إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**

دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸
۶ شوال ۱۴۴۰
سال نوزدهم شماره ۹۰۰
صفحه ۱۲

صادق

هفته‌نامه داخلی

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

ssweekly.ir



سَنِّهْدِينَ». در سوره محمد هم به پیامبراکرم(ص) وعده داد: **«وَاللَّهِ مَعَكُمْ»**؛ ایشان در غار ثور هنگامی که ترس همراهش را دید. به وی فرمود: **«لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»**. این فرازهای نورانی قرآن ما را هدایت می‌کند. همراهی الهی بلاواسطه و محقق شدنی است؛ هم خداوند وعده همراهی می‌دهد و هم رهبر دینی به استقامت، مقاومت و همراهی خدا تأکید می‌کند. اما در جبهه مؤمنان و مسلمانان اگرچه صدق وعده‌های الهی همواره عیان شده است؛ اما همه مسلمانان در یک خط واحد پدالله نشده‌اند؛ بلکه انسان‌های جبان و ترسویی در میان آنان وجود داشته است که نه تنها این وعده‌ها و معیت‌ها را باور نداشته؛ بلکه به دلیل مرعوب شدن و از کار افتادن عقل دچار خطای محاسباتی شده و تبلیغات و ارعاب دشمن را به عنوان واقعیت‌های مفروض پذیرفته‌اند و مسیر جبهه انقلابی را برای رسیدن به اهدافش طولانی کرده‌اند. در صدر اسلام آدم‌های ترسو نیز در جبهه مؤمنان یافت می‌شدند به همین دلیل پیامبراکرم(ص) به امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف فرمودند: **«ولاتشاورنْ جنانا. لانه یضیق علیک المخرج»**؛ با آدم جبان و ترسو در هیچ کاری مشورت نکن، زیرا گریزگاه و دریچه فرج را بر رویت می‌بندد. اما همین انسان‌های ترسو و جبان در وعده‌گاه الهی رسوا و پشیمان هستند و راهی برای بازگشت در جبهه مؤمنین خود برای نمی‌گذارند. در سالیان اخیر نمونه واضح شکست‌های این جبهه در قبال سکوت جبهه جبان و همراه با غرب را می‌توان مشاهده کرد؛ از یک‌سو خود را در پیروزی‌های مقاومت شریک می‌دانند و از سوی دیگر از هیچ تلاشی برای خاموش کردن جبهه مقاومت مضایقه نمی‌کنند. گفتمان مقاومت در سال‌های گذشته چه بسیار پیروزی‌هایی را در سایه مقاومت و شجاعت سربازان، بسیجیان و فرماندهان نصیب خود کرده است. در مسیر انقلاب اسلامی همواره معیت الهی به منزله یک پشتیبان در همه مراحل مورد نظر بوده است.

اینکه امروزه رهبر معظم انقلاب از منطق مقاومت در اندیشه امام سخن به میان می‌آورد، ناشی از جانمایه این کلام است که توکل و اعتماد به معیت و قدرت الهی به انسان نیروی رهایی‌بخش مقاومت عطا می‌کند.

صبح صادق در گفت‌وگو با نمایندگان ملت بررسی می‌کند

ناپیدهای استعفای وزیر آموزش و پرورش

کنار گذاشته‌ایم، پرداخت می‌شود، این موضوع برای لایحه دوم بودجه است و اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند که وعده می‌دهید.»

نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس خاطرنشان کرد: «آموزش و پرورش در بحث ردیف‌های استعدای دچار یک بحران شدید شده است. همه این موارد سبب شده در نهایت آقای بطحایی استعفا دهد که بعید می‌دانم برای بحث انتخابات، استعفا داده باشد.» سیدحمایت میرزاده، سخنگوی کمیسیون آموزش و پرورش هم در این باره به خبرنگار صبح صادق گفت: «به عنوان یک فرهنگی و کسی که در کمیسیون آموزش است، عرض می‌کنم برای آموزش و پرورش مهم این است که چه کار باید کنیم، نه اینکه چه کسی وزیر باشد یا چرا می‌خواهد استعفا دهد!» عضو فراکسیون امید مجلس با بیان اینکه وزیر نمی‌تواند مشکلات آموزش و پرورش را حل کند، تصریح کرد: «افرادی که آموزش و پرورش را در ایران می‌شناسند، می‌دانند که مشکلات این وزارتخانه به دست وزیر قابل حل نیست، حل این مشکلات عزم

بالاتری می‌خواهد که باید در کلان دولت تصمیم‌گیری شود و در اولویت دولت باشد تا بتوان آنها را حل‌وفصل کرد.»

ادامه در صفحه دوم

بحث رتبه‌بندی هم یکی از کارهای دیگری بود که

رئیس‌جمهورهای دو دوره قبل، قول عملیاتی شدن

آن را داده بودند.»

وی افزود: «آقای روحانی قول این کار را داده بود که متأسفانه عمل نکرد. ما در برنامه هم آوردیم که دولت دو سال اول برنامه، لایحه رتبه‌بندی را به مجلس تقدیم کند. چقدر آقای بطحایی در مجلس به دلیل اینکه چرا این کار را انجام نمی‌دهید، مورد سؤال قرار گرفت که توضیح داد من به دولت داده‌ام، دولت باید انجام دهد.»

این نماینده مجلس با اشاره به صحبت‌های سخنگوی دولت در صداوسیما، گفت: «سخنگوی دولت در گفت‌وگویی تلویزیونی می‌گوید ما سه هزار میلیارد تومان برای رتبه‌بندی فرهنگیان گذاشته‌ایم. بر اساس کدام قانون می‌خواهند این را اجرا کنند، چون قانون ندارند که می‌گوید ما دو ماه دیگر آن را اجرا می‌کنیم.»

وی با اشاره به عملی نشدن وعده‌ها، گفت: «دومین دوره ریاست‌جمهوری آقای روحانی به نیمه رسیده است، اما به وعده‌های داده شده به آموزش و پرورش عمل نشده است. شما که می‌گویید تا دو ماه دیگر چهار میلیارد تومان که برای مطالبات



یادداشت

مذاکره برای دستاوردسازی!

□ **سامان فکری /** اواخر هفته جاری آقای شینزوآبه، نخست‌وزیر ژاپن به تهران سفر می‌کند. هدف از سفر وی، مطابق با آنچه در موج تبلیغی آمریکاساخته در تحلیل‌های جهانی و منطقه‌ای واگومه می‌شود، میانجی‌گری سیاسی میان ایران و آمریکا از طریق مذاکره است. از زمان سفر ترامپ به توکیو و طرح موضوع مذاکره با ایران، همچنین تصریح رئیس‌جمهور آمریکا به اینکه واشنگتن دنبال براندازی نظام سیاسی ایران نیست و در صورت کنار گذاشتن آنچه آنها فعالیت هسته‌ای نظامی می‌نامند، حاضر است با مسئولان فعلی ایران مذاکره کند، به تحلیل موضوع مذاکره و توقعات انتظاری از سفر آبه در رسانه‌های جریان سیاسی خاص به شدت دامن زده می‌شود. این جریان سیاسی و رسانه‌ای که ابایی از آشکارسازی مکتوبات و مایلات قلبی خود به حل مشکل با غرب، به ویژه آمریکا و گسترش تعامل و همکاری با آنها برای حل مشکلات اقتصادی کشور ندارد، این سفر و موقعیت سیاسی ایجاد شده را فرصتی برای ایران و کنار رفتن ششمین تهدیدات بالای مسر تهران می‌داند؛ در حالی که تجربه و تحلیل مقابل آن که سخن بسیاری از مسئولان دلسوز و مردم عزیز کشورمان از جمله رهبر معظم انقلاب است، مشخص بوده است و همچنان نیز با دیده تردید به این طرح جدید آمریکا نگاه می‌کنند و پرسش‌های زیادی دارند که تأمل صورانه پیرامون آنها می‌تواند زوایای سیاه و خاکستری این طرح را روشن کند.

۱- کسانی که دم‌آدم مذاکره تازه می‌زنند و به نیابت از آمریکایی‌ها کارت دعوت به مذاکره می‌فرستند، به تجربه چندین ساله منتهی به برجام و مذاکرات هسته‌ای چگونه می‌نگرد؟ مگر خود دولت اوپاما که تضمین‌هایی مثل برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ و امضای جان کری(۹۴) داده بود، نگفت ما اساساً دنبال محروم‌سازی دائمی ایران از حق هسته‌ای این کشور هستیم، حال با برجام با غیر آن؟!

۲- فلسفه مذاکره از سوی آمریکایی‌ها چیست؟ تا زمانی که «فقس مذاکره» از «نتایج مذاکره» برای ترامپ مهم‌تر است و گویی هم به دلیل شاکله شخصیتی و هم به سبب «نیاز»ی که به مذاکره دارد، پیگیر این مقوله است، مذاکره نه تنها دستاوردی نخواهد داشت، بلکه به ضرر و زیان ما نیز تمام خواهد شد، همچنان که شش سال انرژی کشور معطل نتیجه برجامی شد که در عمل «هیچ» سوری برای ما نداشت!

۳- اینکه میانجی مذاکره چه کسی و چه کشوری باشد، کمترین نقش را دارد و اساساً هیچ فرقی بین میانجی عمانی و عراقی با ژاپنی نیست، جز اینکه فرصت تبلیغی و عملیات روانی جدیدی برای نمایش ششوم قهار آمریکایی در رسانه ایجاد می‌کند؛ زیرا ترامپ قبل از اینکه رئیس‌جمهور آمریکا باشد، دلال بی‌رحم تجارت و شومن برنامه‌های تلویزیونی است که مذاکره را ابزار نمایش‌گری خود و البته سوخته برای انتخابات ۲۰۲۰ که دستش از نتیجه و دستاورد ملی برای آمریکایی‌ها خالی است نگاه می‌کند. ترامپ به دنبال تعمیم و تسری نگاه خاص خود به مراودات و معادلات گذشته تجارت به عرصه سیاست و مذاکره با چالش تهدید و تطمیع است که طبق آنچه در کتاب‌های وی همانند «هنر معامله»، «مثل یک میلیاردر فکر کن » و… آورده بسیار از این روش منتفع شده و اکنون می‌خواهد آن را در زمین شرط‌طرح سیاست به آزمون بگذارد؛ غافل از اینکه این عرصه قواعد خاص خود را دارد.

افزون بر وجه نمایشی درخواست مذاکره از سوی ترامپ، از مقوله نیاز او به مذاکره نیز نباید غافل شد. نگاهی به عرصه فعالیت‌های نفس‌گیر انتخابات در دو سال انتهایی دور اول ریاست‌جمهوری برای دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ۲۰۲۰ نشان می‌دهد ترامپ به قول «هیو هوییت» تحلیلگر واشنگتن پست، با «چهار چالش جدی در آستانه انفجار» مواجه است. وی می‌خواهد این چالش‌ها را با ابزار مذاکره و دیپلماسی- حال از نوع تهدید یا ترغیب- حل کند. تقابل با چین که هر روز خبرهایی مبنی بر اعمال تعرفه‌های تجاری سنگین برای کالاهای صادراتی چین به آمریکا وارد فاز پیچیده‌ای می‌شود، یکی از آنهاست. چین مخاططانه به آمریکا هشدار داد: «اگر ایالات متحده به این جنگ تجاری ادامه دهد، یکن نیز تهدیداتی برای مقابله با واشنگتن خواهد اندیشید.» نوسان حملات لفظی و تهدیدهای متقابل ترامپ و دولتمردان تندروی وی با مقام‌های ایرانی نیز چالش دیگری است که اول آسان می‌نمود؛ اما در حال حاضر وارد وضعیت پیچیده‌ای شده است. تلاش‌های مزورانه مثلث غربی-عربی-عبری به رهبری آمریکا برای کشاندن پای ایران به حمله مشکوک به نفت‌کش‌های امارات در الفجیره و آسیب رساندن به خط لوله انتقال نفت عربستان که حتی تا طرح در شورای امنیت هم رفت؛ ولی طرفی برای کاخ سفید نیست، ترامپ را مرعوب این شکست‌های پی در پی در مقابل ایران کرده است. مسئله سوم، مداخله روسیه در انتخابات آمریکا به سود ترامپ است که هنوز به رغم گزارش جانبدارانه مولر، همچنان ترامپ نگران اقدام کنگره برای طرح استیضاح خود است. بحران فزاینده اقتصادی و بن‌بست سیاسی خودساخته در همسایگی آمریکا، یعنی کشور ونزوئلا چهارمین چالش ترامپ است که با حمایت بی‌تدبیرانه او از «خوان گویادو» سبب ورود قدرت‌های بین‌المللی از جمله روسیه به این بحران شده و وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. ترامپ برای عبور از همه اینها و با ازبایی از نتایج نظرسنجی‌ها و محبوبیت خود، به شدت نگران سرنوشت خویش در انتخابات ۲۰۲۰ است و به دنبال دستاوردسازی برای خود است، بدون اینکه کار در اثر اشتباه محاسباتی و اقدام نابخردانه جدیدی خراب‌تر شود؛ بنابراین ترامپ افسار امثال بولتن را به دست گرفته و می‌کوشد با کمترین هزینه، بخوایند مذاکره سیاسی- از موضع بالاتر- کارنامه‌ای ارائه شده به افکار عمومی و رأی‌دهندگان آمریکا بسازد. ترک میز مذاکره یا در خواست میز جدید، حملات توثیتری و موضع‌گیری‌های افراطی و گستاخانه از سوی ترامپ، ترجمان تلاش‌های وی برای رسیدن به این اهداف است که آینده‌ای مبهم دارد و تحلیلگران آمریکایی از آن به «بن‌بست سیاسی ترامپ» تعبیر می‌کنند.

گزارش

ناپیداهای استعفاى وزیر آموزش و پرورش

ادامه از صفحه اول / حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هم در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: «برخی شواهد نشان می‌دهد، آقای بطحایی مجبور به استعفا شده و به نظر می‌رسد اختیاری نبوده است. یکی از این شواهد این است که هیچ‌گاه یک وزیر به این دلیل که می‌خواهد نماینده مجلس شود، استعفا نداده که این بسیار عجیب است و ای کاش بهانه دیگری مطرح می‌شود.»

وی با اشاره به نکته دیگر اظهار داشت: «شکارا مشخص است که در هیئت دولت اختلافاتی وجود دارد، یک روز استعفاى قاضی‌زاده‌هاشمی، روز دیگر استعفاى دیگری و الان هم استعفاى بطحایی مطرح می‌شود. شاهد سوم این است که آقای بطحایی قول‌هایی داده بود که در دو یا سه سال دیگر به ۳۰۰ هزار معلم نیاز داریم.»

نماینده مردم محلات و ولیجان در مجلس افزود: «ایشان در بحث استخدام‌ها و جایگزینی معلم‌هایی که بازنشسته شده‌اند، موفق نبود. آموزش و پرورش با سرعت در سراسرینی قرار گرفته است که باید به داد آن رسید. بطحایی در بحث مطالبات، پاداش بازنشسته‌ها و رتبه‌بندی نیز موفق نبود.»
وی با اشاره به صحبت‌های سخنگوی دولت، گفت: «ربعی می‌گوید رتبه‌بندی معلمان را با ۲ هزار میلیارد تومان تا دو ماه دیگر اجرا می‌کنیم، اما جناب ربیعی، رتبه‌بندی ۱۵ هزار میلیارد تومان بوجه می‌خواهد.»

سلیمی تصریح کرد: «بطحایی که به عنوان فرمانده مجموعه آموزش و پرورش بوده، چرا الان میدان را ترک کرده و سربازان را تنها گذاشته؟ یا این از یک وزیر پذیرفته است؟ همه این شواهد نشان می‌دهد ایشان تحت فشار بوده و گفته‌اند که باید بروید و او هم مجبور شده برد.»



دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ / سال نوزدهم / شماره ۹۰۰

متأسفانه گوش شنوایی وجود نداشت

بازنگاهی به پیش‌شرط‌های پیشرفت و برون‌رفت از مشکلات در بیان‌ات امام خامنه‌ای در حرم مطهر امام(ره)

آمریکایی‌هانزدیک‌نشوند!

کشور چشم‌شان به ایران است تا ببینند در برابر تهدید و تطمیع دشمنان چه حرکتی را انجام خواهند داد.
اولین نکته تأیید بخش اول صحبت‌های ترامپ است، آنجایی که گفته است: «ایران با همین راه‌براز موقعیت تبدیل شدن به کشوری بزرگ را دارد. می‌خواهم به صراحت بگویم که ما به دنبال تغییر رژیم نیستیم. ما به دنبال جلوگیری از تسلیحات هسته‌ای هستیم.»
این صحبت‌ها در حالی گفته شد که ترامپ بارها و به صراحت از تصمیم دولت آمریکا برای تغییر حکومت در ایران سخن گفته بود و آمریکایی‌ها حتی برای این کار برنامه‌ریزی هم کرده بودند. برای نمونه، ترامپ تابستان گذشته را تابستان داغ برای جمهوری اسلامی نامگذاری کرده بود و سیاستمداران آمریکایی به صراحت گفته بودند جمهوری اسلامی چهل سالگی‌اش را نخواهد دید؛ اما حالا مدتی است ترامپ و دوستانش با یک تغییر لحن اعلام می‌کنند به دنبال تغییر رژیم در ایران نیستند و اتفاقاً حاضرند کاری کنند که ایران با همین وضعیت موجود و رهبران کنونی به کشوری بزرگ تبدیل شود. سخنان ترامپ در چند روز گذشته به یکی از سوزو‌های چالشی در فضای رسانه‌ای کشورهای مختلف تبدیل شد؛ اما یکی از مهم‌ترین واکنش‌ها به این سخنان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، موضع‌گیری رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌اش‌به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی(ره) بود.

شرط مهم رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب به سخنان ترامپ این‌گونه واکنش نشان دادند: «همین رندی اخیر این رئیس‌جمهور محترم آمریکا که اخیراً اظهار کرده «ایران با همین رهبران کنونی هم می‌تواند به پیشرفت‌های بزرگی برسد!» البته این حرف درست است؛ اگر رهبران کنونی ایران، مسئولان کنونی ایران، دامن همت به کمر بزنند، آستین‌ها را بالا بزنند، شب و روز نداشته باشند، مجاهدت کنند، هم‌دلی کنند، به نحو مناسب و شایسته‌ای از امکانات مردم استفاده کنند، قطعاً پیشرفت‌های بزرگی برسد!» البته این حرف درست است؛ اگر رهبران کنونی ایران، مسئولان کنونی ایران، دامن همت به کمر بزنند، آستین‌ها را بالا بزنند، شب و روز نداشته باشند، مجاهدت کنند، هم‌دلی کنند، به نحو مناسب و شایسته‌ای از امکانات مردم استفاده کنند، قطعاً پیشرفت‌های بیشتری نصیب خواهند شد؛ در این شکی نیست اما شرطش این است که آمریکایی‌ها نزدیک به آمریکا و نزدیک نشوند… هر جا آمریکایی‌ها با گذاشتند، یا جنگ شد، یا برادر کشی شد، یا فتنه شد، یا استثمار شد، یا استعمار شد، یا تحقیر شد؛ قدم آمریکایی‌ها قدم نامبارکی است.»

همین بخش کوتاه از صحبت‌های رهبر معظم انقلاب حاوی پیام‌های مهمی بود. چه برای آنان که در داخل مسئولیت‌های مختلفی برعهده دارند و چه برای آنها که در خارج از پیشین جمهوری اسلامی با تروئیکای اروپایی که همه می‌دانستند آمریکا پشت این مذاکرات حضور دارد، زمانی که ما تعلیق غنی‌سازی را پذیرفتیم و برای مدتی صنعت هسته‌ای را در کشور تعطیل کردیم، همین موضوع سبب شد کشور به مدت چند سال در این صنعت عقب بماند.

گاهی هم حضور آمریکایی‌ها در یک قضیه سبب می‌شود کسانی که اهداف شومی در سر دارند، در این باره گستاخ‌تر عمل کنند. نمونه

تحلیل

مصونیت از خطای محاسباتی

□ **مهدی سعیدی /** در جدال با استکبار، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجاهد فی سبیل‌الله تأثیر نپذیرفتن از دشمن است. دشمن همواره تلاش می‌کند تا محاسبات ما را بر هم بزند و دچار خطای محاسباتی کند و از این طریق بر رقیب فائق آید. این فرایند معمولاً از سه‌گانه تهدید و تطمیع و فریب حاصل می‌شود. حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در بیانات خود در سی‌امین سالگرد رحلت حضرت امام(ره) بر نکته مهمی در این زمینه تأکید کردند. معظمله ضمن بررسی شخصیت بنیانگذار انقلاب اسلامی یادآوری کردند: «تلاش دشمن و تهدید دشمن نمی‌توانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد.»

در این میان، این پرسش کلیدی مطرح است که حضرت امام(ره) چگونه توانستند خود را در برابر سنساریوی دشمن برای ایجاد خطای محاسباتی مصون بدارند! این مصونیت چگونه به دست می‌آید؟ حکیم انقلاب‌گریزی کوتاه به پاسخ این پرسش می‌زند و می‌فرماید: «دشمن نمی‌توانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بیانات دین مبین اسلام متکی بود، دچار اختلال بکند.»

برای تبیین بیانات اسلام باید به شاخص‌هایی اشاره کرد که مقوم این ثبات در اندیشه است:
۱- اعتقاد کامل به این حقیقت را که «نباید به دشمن اعتماد کرد» می‌توان مهم‌ترین شاخص دانست که حاصل آن گرفتار نشدن در سناریوی دشمن است. این اعتقاد هم حاصل اعتماد به آموزه‌های قرآنی و اسلامی است، که بارها و بارها مؤمنان و جامعه اسلامی را به عدم اعتماد و تبعیت از دشمن توصیه کرده است و همواره درباره عواقب اعتماد و پیروی از شیطان سخن گفته است و هم محصول درس‌آموزی و عبرت‌گیری از گذشته است؛ گذشته‌ای که شواهد متعددی برای خیانت دشمن به ملت ایران برای آن می‌توان یافت. بیش از ۲۰۰ سال فریب و نیرنگی که ملت ایران در مواجهه با اروپاییان تجربه و تکرار کرده است، پس از ورود آمریکایی‌ها به ایران نیز ادامه یافت و حاصل آن عقب‌ماندگی و غارت سرمایه‌های یک ملت بود! بنابراین شکل‌گیری «دیوار بلند بی‌اعتمادی» وضعیتیت طبیعی است که اثبات آن نیازمند اقامه دلیل نیست.

۲- بدون شک عامل مهم دیگری که مانع از افتادن در دام خطای محاسباتی است، داشتن

اخبارویژه

فضاسازی برای ضد انقلاب

خبرگزاری ایرنا در گزارشی قابل تأمل در صفحه نخست خود نوشت: «پس از وقایع سال ۱۳۸۸، تعدادی از سیاسیون که تا پیش از این در فضای سیاست رسمی ایران تنفس می‌کردند، به دلایل مختلف از ایران خارج شدند. با فروکش کردن حوادث این دوره و با عمده شدن تهدید نیروهای خارجی، عمده این نیروها به همراه طیفی از روشنفکران، نویسندگان و فعالان رسانه‌های خارجی، علی‌رغم انتشار دیدگاه‌های انتقادی خود، به تدریج در یک نقطه همگرا شده‌اند: ضدجنگ بودن و دفاع از ثبات ایران! «کاسبان جنگ» اگر نتوانستند از طریق واهمه جنگ به منافع خود برای تسلیم و مذاکره دست یابند، توهم این را دارند که شاید بتوان با همان حربه، حداقل دوستان وطن‌فروش و از کارافتاده غریب خود را با زست دلسوزی به کشور برگرداند.»

«صادق نوزده» با انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان در شورای شهر گفت: متأسفانه به توصیه‌های دلسوزان در ماجرای انتخاب شهردار تهران توجه نشد. زمانی که بحث انتخاب آقای نجفی برای شهرداری تهران مطرح بود، بسیاری توصیه و پیام دادند که به دلایل تکنیکی، مدیریتی و امنیتی زمان مدیریت آقای نجفی نیست؛ ولی متأسفانه گوش شنوایی وجود نداشت و گویی یک وزن‌کشی سیاسی صورت گرفت.

بازنگاهی به پیش‌شرط‌های پیشرفت و برون‌رفت از مشکلات در بیانات امام خامنه‌ای در حرم مطهر امام(ره)

آمریکایی‌هانزدیک‌نشوند!

آن را در فتنه ۸۸ می‌بینیم. شاید اگر آمریکا از فتنه‌گران آنچه‌ان حمایت نمی‌کرد، دنباله‌های داخلی او نیز نمی‌توانستند هشت ماه کشور را درگیر آشوب کنند. در واقع فتنه‌گران و آمریکایی‌ها هر دو دچار یک اشتباه محاسباتی درباره ایران شدند؛ ولی در خلال همین پیشرفت‌های بزرگی برسد.» اما رهبر معظم انقلاب آن بخش دیگر را که ترامپ می‌خواهد پیشرفت ایران را منوط به رابطه با حداقل مذاکره با آمریکا کند، تصحیح می‌کنند. معظم‌له در این باره همانند همیشه عقیده‌ای به جز کار، تلاش و اتکا به توان داخلی ندارند و معتقدند این پیشرفت در صورتی حاصل می‌شود که مسئولان کنونی کار و تلاش را آغاز کنند.

توصیه به کار و تلاش

با یک بررسی سر انگشتی می‌توان متوجه شد در طول ۳۰ ساله رهبری امام خامنه‌ای، سابقه نداشته است دولتی را تا این حد به کار و تلاش سفارش کنند. حالت عجیب این اتفاق آنجاست که این سفارش‌های پی در پی در حالی اتفاق می‌افتد که کار و تلاش و حل مشکلات مردم و توجه به معیشت مردم و کنترل اقتصاد و سامان دادن به آن از وظایف قانونی دولت‌هاست.

نکنته بعدی که در این جملات می‌توان دید، اخیر این رئیس‌جمهور محترم آمریکا که اخیراً اظهار کرده «ایران با همین رهبران کنونی هم می‌تواند به پیشرفت‌های بزرگی برسد!» البته این حرف درست است؛ اگر رهبران کنونی ایران، دامن همت به کمر بزنند، آستین‌ها را بالا بزنند، شب و روز نداشته باشند، مجاهدت کنند، هم‌زبانی کنند، به نحو مناسب و شایسته‌ای از امکانات مردم استفاده کنند، قطعاً پیشرفت‌های بیشتری نصیب خواهند شد؛ در این شکی نیست اما شرطش این است که آمریکایی‌ها نزدیک نیایند؛ شرط پیشرفت این است که آمریکایی‌ها نزدیک نشوند

پیشین جمهوری اسلامی با تروئیکای اروپایی که همه می‌دانستند آمریکا پشت این مذاکرات حضور دارد، زمانی که ما تعلیق غنی‌سازی را پذیرفتیم و برای مدتی صنعت هسته‌ای را در کشور تعطیل کردیم، همین موضوع سبب شد کشور به مدت چند سال در این صنعت عقب بماند.

گاهی هم حضور آمریکایی‌ها در یک قضیه سبب می‌شود کسانی که اهداف شومی در سر دارند، در این باره گستاخ‌تر عمل کنند. نمونه

«صادق نوزده» با انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان در ماجرای انتخاب شهردار تهران توجه نشد. زمانی که بحث انتخاب آقای نجفی برای شهرداری تهران مطرح بود، بسیاری توصیه و پیام دادند که به دلایل تکنیکی، مدیریتی و امنیتی زمان مدیریت آقای نجفی نیست؛ ولی متأسفانه گوش شنوایی وجود نداشت و گویی یک وزن‌کشی سیاسی صورت گرفت.

بازنگاهی به پیش‌شرط‌های پیشرفت و برون‌رفت از مشکلات در بیانات امام خامنه‌ای در حرم مطهر امام(ره)

آمریکایی‌هانزدیک‌نشوند!

از سوی دشمنان به خوبی جواب داده و ترامپ فهمیده است که هر چه فشارها بر این ملت بیشتر شود، نتیجه عکس خواهد داد. کسی که تا کنون جز به زبان تهدید سخن نمی‌گفت؛ حالا به یکباره در یک تغییر روش مشهود به تطمیع مردم و مسئولان ایرانی روی می‌آورد و این بار می‌خواهد تا از این راه به شکستن مقاومت مردم دست ببرد.

اما نکته اساسی آنجاست که قصد ترامپ از مذاکره تنها نمایش مذاکره است. نمایشی که یک بار در مقابل کره شمالی شاهد بودیم؛ اما ترامپ حتی به قولی که خود به کره‌ای‌ها داده بود، وفا نکرد؛ طوری که جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید مدتی پیش به شبکه «فاکس نیوز» گفته بود دولت ترامپ به وعده پرداخت ۲ میلیون دلار در ازای آزادی «اوتو وارمیر» دانشجوی زندانی آمریکایی از کره شمالی عمل نکرد.

تمرکز بر مسئله اقتصاد

اما نکته دیگری که رهبر حکیم انقلاب در کنار توصیه برای نزدیک نشدن آمریکایی‌ها به کشور ما، به مسئولان و مدیران اجرایی کشور گوشزد می‌کنند، آن است که روی مسئله اصلی کشور تمرکز کنند. ایشان می‌گویند: «یک توصیه هم به مسئولین محترم کشور می‌کنم: تمرکز بر مسئله اصلی. در هر برهه‌ای یک مسئله اصلی در کشور هست که باید بر آن تمرکز کرد… امروز مسئله اصلی و نقد، مسئله «اقتصاد» است.»

تمرکز همه دستگاه‌ها، دستگاه‌های دولتی گرفته تا مجلس و قوه قضائیه بر مسئله اقتصاد نه تنها مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور را حل می‌کند؛ بلکه باعث پیشرفت کشور نیز می‌شود. در واقع رهبر معظم انقلاب پس از آنکه اعلام می‌کنند برای پیشرفت کشور نباید به آمریکایی‌ها دل بسته و وابسته بود، راه‌حل خود را نیز برای وقوع پیشرفت واقعی ارائه می‌کنند. معنای تمرکز کردن بر مسائل اقتصادی این است که مسئولان کشور همه مسائل حاشیه‌ای را کنار گذاشته و تنها هم و غم‌شان را روی مسئله اقتصاد بگذارند. اینکه هر روز یک مدیری حرفی را در جایی بزند و حاشیه ایجاد کند تا در سر و صداهای ایجاد شده از زیر مسائل مهم کشور فرار کند، پرداختن به مسائل غیر ضروری است. همان‌گونه که مدیریت و اجرای صحیح سیاست‌های اقتصادی وظیفه اصلی دولت برای برون‌رفت مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور است، مطالبه صحیح و بجا نیز از وظایف مردم و رسانه‌هاست تا دولت را ترغیب کنند در مسیر درست حرکت کند.

روی خط خبر

۱۲ سال وزیر بودید!

«د کتر عبدالحسین

روح‌الامینی» رئیس خانه احزاب با بیان تاکتیک مظلوم‌نمایی برخی از افراد ناتوان گفت: «چند سال پیش در جلسه‌ای یک کسی آمد و گفت کشاورزی در هر دو رژیم مظلوم بوده و مشکل داشته است.

چنین تعبیری به‌کار برد و من خیلی ناراحت شدم. آدم زکی هم هستم، با هیچ کسی در هیچ سطحی در کشور جز یک نفر که مقلد ایشان هستم و رهبری هستند، شوخی و تعارف ندارم. این طول عمر سیاسی‌ام این چنین بوده است. من دست بلند کردم و گفتم این حرف‌ها چیست می‌گویید. شما ۱۲ سال وزیر کشاورزی بودید. در این دولت و آن دولت وزیر بودید. شش ماه اول نمی‌فهمیدید، یک سال اول نمی‌فهمیدید، چند سال اول نمی‌فهمیدید که می‌توان کاری کرد یا خیر، خودکفایی اشکال دارد یا خیر، ۱۲ سال مسئولیت داشتید، الان متوجه می‌شوید؟ به نظرم اینها قدری بی‌انصافی در پذیرش مسئولیت و اختیارات است.»

مذاکره بر سر فتوشاپ

ویژه‌آماریکا در امور ایران در تازه‌ترین ادعای خود، مقامات این کشور را به فریبکاری در راستای بزرگنمایی دستاوردهای (دفاعی) و پنهان‌کاری درباره نیت واقعی خود متهم کرده است. وی در پیامی ویدئویی مدعی شد، ایران صحنه‌های پرتاب موشک خود را با فتوشاپ خلق کرده تا به این ترتیب توانایی‌های موشکی خود را به رخ بکشد. هوک در ادامه ادعاهای مضحک خود می‌افزاید، ایرانی‌ها تصاویر هواپیمای قدیمی را هم دستکاری کرده‌اند تا آنها را جا بزنند! گفتنی است، در فوریه ۲۰۱۹، ایران آزمایش پرتاب یک موشک بالستیک را با موفقیت پشت سر گذاشت و ویدئوی آن را نیز منتشر کرد. پس از این ادعا باید به مسئولان آمریکایی بگوییم ایران را تحریم فتوشاپ کند یا مذاکره موشکی با ایران را قطع کرده و درباره نرم‌افزارهای گرافیکی مذاکره کند!

من دستور می‌دهم!

«سردار صفوی» مشاور عالی نظامی رهبر معظم انقلاب با ذکر خاطره‌ای از یک جلسه محرمانه گفت: «حضرت امام در شروع جنگ تحمیلی فرمودند دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته و رفته و جای نگرانی نیست، ما چنان به صدام و حزب بعث عراق سیلی بزنیم که دیگر نتواند از جا بلند شود. آقای شمخانی که در آن زمان فرماندهی نیروی دریایی ارتش و سپاه را بر عهده داشت، در جلسه‌ای از حضرت آقا پرسید که اگر جنگی در خلیج‌فارس رخ دهد، من نمی‌دانم چه کسی به من دستور می‌دهد! رهبر معظم انقلاب در جواب این جمله آقای شمخانی فرمودند «خود من به شما دستور می‌دهم و بر شما فرماندهی خواهم کرد.» روحیه حضرت آقا روحیه‌ای جهادی است که در صحنه نبرد حاضر می‌شود و حتی ایشان دستور دادند در برخی از مناطق قرارگاه فرماندهی ایشان را آماده کنند.»

قدم بعدی برجام!

«جان کری» در مصاحبه‌ای عجیب از نقشه مناسب خروج از برجام سخن گفت و ترامپ را به دلیل خروج ناشیانه از این توافق محکوم کرد! جان کری تأکید کرد، باید به ترامپ مشاوره می‌دادند که چگونه از برجام خارج شود. بهتر بود ترامپ پس از برجام، به ایرانی‌ها پیشنهاد مذاکرات موشکی و منطقه‌ای می‌داد و اگر رد می‌کردند، از برجام خارج می‌شد. اشتباه ترامپ این بود که اول خارج شد و بعد تقاضای مذاکره کرد. این موضوع جان کری شاهد مثالی است بر اینکه سیاست‌های کلان آمریکا علیه ایران خصمانه است و فرقی نمی‌کند جمهوری خواه باشند یا دموکرات!

^[1] «سردار صفوی» مشاور عالی نظامی رهبر معظم انقلاب با ذکر خاطره‌ای از یک جلسه محرمانه گفت: «حضرت امام در شروع جنگ تحمیلی فرمودند دیوانه‌ای آمده و سنگی انداخته و رفته و جای نگرانی نیست، ما چنان به صدام و حزب بعث عراق سیلی بزنیم که دیگر نتواند از جا بلند شود



روی خط خبر

این همه اختیارات
علی صوفی، فعال سیاسی اصلاح طلب و از مشاوران خاتمی گفته است: «مشکل آقای روحانی این است که از اختیارات موجود به شکل کامل و مؤثر استفاده نکرده و دولت را در زمینه‌هایی فشل نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که دولت یا از اختیارات خود استفاده نمی‌کند یا اختیاراتش به هدر ریخته است؛ در این شرایط که همه معتقدند دولت فشل است و از اختیارات خود استفاده بهینه نمی‌کند. از طرف دیگر مدت‌هاست شاهد تشکیل نهاد جدیدی تحت عنوان شورای عالی هماهنگی اقتصادی متشکل از سران قوا و به ریاست رئیس‌جمهور با اختیارات بسیار بالا و فراقانونی هستیم. بدین نحو که اگر چیزی را مصلحت دیدند که در قانون وجود نداشته، می‌توانند اجرا کنند و بعداً به مجلس مراجعه کرده و آن را قانون کنند. آقای رئیس‌جمهور در این حد اختیارات دارد؛ اما اتفاق خاصی نیفتاده است.»

زرادخانه اقتصادی آمریکا

نشریه «اکنومیست» در سرمقاله این هفته خود به بررسی تسلیح ابزار اقتصادی آمریکا به عنوان روشی برای توسعه قدرت خود پرداخته است. بر این اساس، اعمال ناگهانی تعرفه‌ها، تحریم شرکت‌های فناوری، تهدید به خارج کردن برخی کشورها از سیستم تبادل دلار و تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها علیه چند کشور دیگر، نشان‌دهنده قدرت عجیب یک ابرقدرت در زمان نبود محدودیت‌های بین‌المللی است. ممکن است دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا شاید از چنین وضعیتی بسیار راضی نباشد؛ اما تاکنون او می‌تواند بجزن فراگیر اقتصادی را در جهان کلید بزند و در عین حال مشروعیت آمریکا را به عنوان با ارزش‌ترین ابزار این کشور خدشه‌دار کند. جایگاه مرکزی آمریکا در تجارت جهانی قدرت بی‌پایانی را در اختیار مقامات آن قرار می‌دهد؛ اما ترامپ باید بداند در صورت سوءاستفاده از این قدرت آن را از دست خواهد داد.

دشمنی آمریکا با مقاومت

«سوام جامسکی» نظریه‌پرداز و اندیشمند مطرح آمریکایی طی یادداشتی در نشریه آمریکایی «INthesetimes» تصریح کرد که از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون، جرم ایران «مقاومت موفقیت‌آمیز» در مقابل آمریکا بوده است. جامسکی با بیان اینکه نمی‌توان نقش خلیج فارس را در اداره کنونی جهان نادیده گرفت، ادامه داد که هم‌اکنون قابل فهم می‌شود به چه دلیل آمریکا تاب مقاومت موفقیت‌آمیز کشورها را در منطقه ندارد. وی سپس ادامه داد که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ اعتراف کردند ایران در حال حاضر برنامه تسلیحاتی هسته‌ای ندارد؛ بنابراین برای آنهایی که می‌خواهند آزادانه در منطقه وحشیگری و اعمال خشونت کنند، «بازدارندگی» تهدیدی غیرقابل تحمل و حتی بدتر از «مقاومت موفقیت‌آمیز» است.

رهبری و پاسخ به انتقادات

پس از دیدار رضانی اسما را رهبر معظم انقلاب با دانشجویان، بی‌بی‌سی فارسی گزارشی با عنوان «جلسه پرحاشیه؛ انتقاد از «بیت رهبری» در حضور آیت‌الله خامنه‌ای» را منتشر کرد و اعتقاد داشت که افراد بیت رهبری اجازه آزادی بیان و اظهار نظر در مورد شخص رهبری را به فعالان نمی‌دهند؛ در حالی که سالیان سال شاهد برگزاری افطاری دانشجویان و جوانان با رهبری هستیم؛ مراسمی که در آن دانشجویان دغدغه‌ها و مسائل خود را بدون هیچ واسطه‌ای به گوش رهبر فرزانه جمهوری اسلامی می‌رسانند و در این جلسات بارها شاهد بودیم که نخبگان و دانشجویان از مسئولان دولتی، سیاست‌های کلی نظام و حتی سیاست‌های رهبری صریحاً انتقاد کرده‌اند.

نمایندگان خاطی

حجت‌الاسلام احمد سالک گفت: «در مجلس شاهد حضور افرادی هستیم که از سران فتنه حمایت می‌کنند. هر جای دنیا در مجلس کشور در حمایت از براندازان حرف زده شود برخورد جدی صورت می‌گیرد.» عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اظهار داشت: «لایحه بنده از خانم سلحشوری و آقای حیدری نمایندگان تهران، که در دفاع از سران فتنه در تریبون رسمی مجلس صحبت کردند، به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان شکایت کردم.»

دلیلی برای دشمنی با ایران نداریم

«محمدبن جاسم» نخست‌وزیر سابق قطر در بیان علت دوستی با ایران به روزنامه تلگراف گفت: چگونه بگوییم که ایران دشمن ماست، در حالی که تنها گذرگاه هوایی، دریایی و زمینی ایران است. آیا باید با همکاری نکردن با ایران دست به خودکشی بزنیم؟ چون سعودی‌ها می‌گویند با ایران همکاری نکنیم؟ نظر ما این است که ایران هیچ ضرری به قطر نزده است.

پایش

نگاهی به تلاش رسانه‌های اصلاح طلب برای زنده نگه داشتن مسئله مذاکره

حیات سیاسی با سم مضاعف!



سید فخرالدین موسوی /

رهبر معظم انقلاب به صراحت اعلام کردند مذاکره با آمریکا سم مضاعف است. رئیس‌جمهور نیز قاطعانه گفت تنها راه، مقاومت است و وزیر خارجه هرگونه مذاکره با ایالات متحده را پیش از بازگشت کاخ سفید به برجام و اجرای مو به مو تعهداتش بی‌معنی و بی‌فایده دانست. منطقی این بود که پس از این موضع صریح در شرایطی که نیاز به شنیده شدن صدای واحد و رسا در داخل کشور برای تقابل با اقدامات آمریکا ضروری است، همه جریان‌های سیاسی به گفت‌وگو سازی مقاومت پرداخته و روند عقب‌نشینی کاخ سفید را که پس از این مواضع آغاز شده است تسریع کنند؛ اگرچه از تیتروا و یادداشت‌های رسانه‌های اصلاح طلب در ضرورت و لزوم مذاکره کاسته شد، همچنان شاهد هستیم این رسانه‌ها به دنبال زنده نگه داشتن موضوع مذاکره، البته با سر و شکلی متفاوت و در پس بازی با کلمات هستند!

روزنامه سازندگی در یادداشتی با عنوان «خبری در راه است؟» به قلم «احمد نقی‌زاده» می‌نویسد: «در حال حاضر مهم‌ترین تلاش‌هایی که ایران برای شکستن تحریم‌ها انجام داده است همین رایزنی‌ها و البته سفر نخست‌وزیر زاین به ایران است. در روابط خارجی نباید فرصت‌ها را از دست داد. نباید گذاشت روزها بی‌جهت بگذرند. وقتی زمان طولانی می‌شود، ممکن

دیدگاه

حسین عبداللہی /

از نزاع طیف‌های گوناگون یک جریان سیاسی بر سر مشارکت یا تحریم انتخابات، سعید جریانی از طیف اصلاح طلبان بیرون قدرت، راهکاری با عنوان «مشارکت مشروط» ارائه کرد که مفهوم آن نه مشارکت بدون پیش شرط و نه تحریم انتخابات بود. مقصود وی از این راهبرد شرکت نکردن به هر قیمت بوده و می‌گوید اصلاح طلبان مجبور نیستند با جنس بنجل در این رقابت‌ها شرکت کنند.

این پیشنهاد از همان ابتدا با سه واکنش مواجه شد. عده‌ای با بی‌تفاوتی از کنار آن گذشتند و مشی سکوت در پیش گرفتند. عده‌ای نیز به مخالفت با آن برخاسته و این گونه سخنان را حرف‌هایی برای حرف زدن و بدون ضمانت اجرایی دانستند؛ چرا که اساساً جریانات سیاسی در موقعیت ناز و قهر نیستند و شرکت در انتخابات برای آن حکم حیات و ممت را دارد و تحریم انتخابات تاکنون مرگ سیاسی تحریم‌کنندگان را در پی داشته است.

عکس خبر

است متغیرهای دیگری نیز وارد شده؛ بنابراین باید از فرصت‌ها برای شکستن تحریم‌ها استفاده کنیم. شاید این بار نخست‌وزیر زاین حامل پیامی به نفع ایران باشد.

روزنامه جهان صنعت در مطلبی نوشت: «به دلیل اینکه در صورت وقوع جنگ، ایران بیشترین خسارت را خواهد دید و دوستان منطقه‌ای و جهانی‌اش همچون دوران جنگ عراق و ایران بسیار اندک خواهند بود، بهترین راهبرد استفاده از دیپلماسی برای اجتناب از وقوع جنگ و حل بحران کنونی به ویژه بحران اقتصادی خواهد بود.»

روزنامه آرمان در یادداشتی با عنوان «رئیس‌جمهور به جای مذاکره، مناظره کنه» به قلم «حسن غروبان» نوشت: «مسئله تحریم‌ها، می‌توان به دو نکته اشاره کرد:

بحران و فشار اقتصادی فزاینده روی مردم واقعیت‌هایی است که مردم خود آن را لمس می‌کنند. افزایش قیمت‌ها، نرخ تورم و... نشان‌دهنده یک سری از واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی در کشورمان و جهان امروز است. اینکه دلوایسان این مسائل را به گردن دولت می‌اندازند برخلاف واقعیت‌هاست.»

عباس عبیدی در پیشنهادی مشابه گفته بود: «برای خلع سلاح ترامپ، ایران پیشنهاد کند که نیازی به گفت‌وگو رو در رو در اتاق‌های بسته نیست، تویتر بهترین وسیله است. پایه گفت‌وگو را همین آخرین جمله ترامپ قرار دهند. طرف ایرانی می‌تواند رئیس‌جمهور باشد.»

درباره علت این اصرار مضاعف می‌توان به دو نکته اشاره کرد: اول اینکه می‌توان تأکید مضاعف و ادامه‌دار رسانه‌های جریان اصلاحات بر مذاکره با این نقطه کانونی را که «باید برای حل مشکلات با آمریکا مذاکره کنیم» نوعی ارسال پیام غیر مستقیم به جامعه درباره ریشه مشکلات موجود دانست. جریان سیاسی اصلاحات که دولت یازدهم را در اختیار داشته و نمایندگان بسیاری نیز در مجلس شورای اسلامی دارد و در انتخابات شورای عمومی کشورمان به مذاکره با غرب و همچنین مواضع محکم نظام اسلامی در مورد مذاکره با آمریکا، سعی می‌کنند موضوع مذاکره را در لافچه بیان و در پس عباراتی چون مناظره، رویارویی تویتری و... پنهان کنند، در کنه مطلب همچنان به مذاکره و پذیرش قواعد و شروط طرف مقابل معتقدند.

رونمایی تدریجی از مشارکت مشروط

اگر نظارت استصوابی حذف شود و تفکر بسته راست سنتی سایه‌اش را از سر انتخابات بردارد، انتخاباتی پر شور خواهیم داشت.» رونمایی تدریجی از مقاصد و کارکردهای راهبرد «مشارکت مشروط» در حالی صورت می‌گیرد که: اولاً، زمانی که مردم از جریان‌های سیاسی می‌خواهند تا کارنامه خود را در پایان یک دوره حضور در مجلس ارائه کنند، هرگونه بهانه‌تراشی را عذر بدتر از گناه دانسته و آن را نشانه بی‌صدقتی آنها می‌دانند؛ بنابراین اصلاح طلبان برای بازگشت به مردم به جای شرط‌گذاری برای نظام و بهانه‌تراشی باید اشتباهات خود را در رویکردهای سیاسی به جای اقتصادی، بی‌توجهی به مطالبات واقعی مردم، نخبه‌گرایی بیش از حد بجای مردم‌گرایی، سوءاستفاده از جوانان بدون اعتنائی واقعی به آنها و از این دست خطاهای راهبردی بپذیرند. ثانیاً مردم دوره حضور اصلاح طلبان با چهره‌های اصلی‌شان را هم در مجلس ششم و هم هشت ساله اصلاحات دیده‌اند. بزرگ‌ترین تفاوت حضور آنها با اقلیت آنان در آرامش بیشتر و کاهش افراط‌گری آنهاست.

پرسشی که پاسخش را می‌توان در نگاهی به مشکلات موجود دریافت. در این شرایط این جریان به جای پاسخگویی، تصمیم گرفته است که با بزرگنمایی فشارهای خارجی و طرح لزوم مذاکرات این ذهنیت را برای مخاطب به وجود بیاورد که مشکلات مربوط به عملکرد دولت، نمایندگان و شوراها مورد حمایت اصلاح طلبان نیستند، بلکه این عمل ترامپ و بی‌عملی اروپاست که مشکلات را به وجود آورده است.

نکته دوم نقش خاستگاه و زمینه فکری جریان اصلاحات و رسانه‌هایی است که نام‌شان در بالا آمده است؛ جریانی که در سپهر سیاسی ایران به جریان غرب‌گرا نیز معروف شده است و در مقابل جریان درون‌گرا و متکی به قدرت درونی ایران تعریف می‌شود. به معنای دقیق‌تر؛ همان جریانی که غرب را مرکز دنیا و ایالات متحده را ابرقدرت و کدخدای جهان می‌داند و بر این اساس هرگونه پیشرفت و برطرف کردن مشکلات را در گروی اتصال به غرب به‌بنداردا! اکنون اگر چه با توجه به تجربه برجام و عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی جامعه و افکار عمومی کشورمان به مذاکره با غرب و همچنین مواضع محکم نظام اسلامی در مورد مذاکره با آمریکا،

در لافچه بیان و در پس عباراتی چون مناظره، رویارویی تویتری و... پنهان کنند، در کنه مطلب همچنان به مذاکره و پذیرش قواعد و شروط طرف مقابل معتقدند.

ثالثاً، وقتی اصلاح طلبان موضوع انتخابات آزاد را مطرح می‌کنند و همه مشکلات خود را ناشی از نظارت استصوابی می‌دانند؛ تنها چیزی که برای افکار عمومی تداعی می‌شود، این است که در روی همان پاشنه می‌چرخد و آنها نه تنها برای کارآمدی خود و حل مشکلات مردم برنامه‌ای ندارند، بلکه همچنان از پذیرش واقعیت‌ها سرباز می‌زنند و دنبال بهانه می‌گردند. رابعاً، اصلاح طلبان در طرح مشارکت مشروط و فشار به نظام برای تأیید صلاحیت افراطیون این جریان، به ویژه چهره‌هایی که سابقه فتنه‌گری در کارنامه خویش دارند، با تناقضاتی مواجه هستند که از جمله آنها عملکرد ضعیف‌شان در شوراها، اسلامی شهر و روستاست؛ جایی که هیچ نظارت استصوابی صورت نمی‌گیرد. از این رو، وقتی اصلاح طلبان می‌توانند فقدان نیروهای اصلی خود در مجلس را توجیه کنند که توانایی و کارایی خود را در شوراها و شهرداری‌ها به نمایش بگذارند؛ در حالی که این جریان در حوزه شهری که میدان فعالیت‌های عملیاتی است از سایر حوزه‌های بوروکراتیک و تقنینی کارنامه ضعیف‌تری دارد.

تبیین رویش‌ها و ریزش‌ها در گام دوم

حسن خدای / همه نظام‌های سیاسی برآمده از انقلاب‌های سیاسی در ادامه مسیر و راه خود با پدیده‌ای به نام ریزش‌ها و رویش‌ها مواجه می‌شوند. پیری، انحراف یا تجدیدنظرطلبی نسل اول انقلابیون موجب نگرانی هر نظام سیاسی است. جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر، با موجی از تبلیغات دشمنان و رسانه‌های بیگانه مواجه شده و آن القای ناامیدی از نسل جدید و ریزش‌های انقلابیونی است که در آینده نظام موجود را از وجود افراد کارآمد و متعهد تهی می‌کند. یافتن ملاک برای سنجش این ریزش‌ها و رویش‌ها بسیار مهم است. با کدام معیار و سنجش باید نیروهایی را که حذف شده یا بازتولید شده‌اند ارزیابی کرد؟ بدون شک «هویت انقلاب اسلامی» معیار بسیار جدید از نظر ماهیتی شباهت بیشتری دارد. نیروهای اصلی موجد انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، توده مردم مسلمان به رهبری امام خمینی (ره) بودند و همان‌ها با اکثریت ۹۸ درصدی نظام جمهوری اسلامی را جایگزین رژیم سلطنتی کردند؛ پس انقلاب اسلامی بر پایه‌های «اسلام» و «مردم» به رهبری امام خمینی (ره) شکل گرفت و هویت یافت و پس از رحلت حضرت امام (ره)، به رهبری رهبر معظم انقلاب تثبیت شد و تداوم یافت؛ بنابراین، این هویت، معیار سنجش ریزش و رویش نیروها انقلاب و جریان‌های سیاسی خواهد بود. آنهاایی که ریزش کرده‌اند، به درجات مختلف از این معیارها و ستون‌ها دور شده یا حتی به تخریب آنها پرداخته‌اند و آنها که پایدار مانده و بازتولید شده‌اند، به این معیارها و ستون‌های مستحکم تکیه زده و آنها را تقویت کرده‌اند.

این تبلیغات و تلاش‌های آنها برای ترویج این مهم در افکار عمومی، از سوی رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پاسخ داده شده است. با توجه به دیدگاه معظم‌له، در این یادداشت دو پرسش اصلی مدنظر نگارنده در مورد ریزش‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد. پرسش اول علت و چگونگی ریزش‌های انقلاب اسلامی و پرسش دوم وضعیت رویش‌های انقلاب اسلامی در چند دهه اخیر و آینده است.

واقعیت این است که ریزش‌های انقلاب اسلامی که رسانه‌های بیگانه از آن یاد می‌کنند، بیش از آنکه ریزش انقلابیون اصیل و پاک‌دست باشد، ریزش افراد و جریان‌های سیاسی است که با ظاهری نفاق‌گونه و بدلی غیرواقعی خود را در چهره اصلی انقلابیون بزرگ کرده‌اند. از همان اوایل انقلاب اسلامی جریان‌هایی مانند منافقین و ملی‌گرایان غرب‌گرا که خود را همراه انقلاب اسلامی و عامل پیروزی‌بخش انقلاب اسلامی می‌دانستند، به تدریج و در اولین دوره‌های انتخابات و بروز بحران‌هایی مانند جنگ تحمیلی سریع‌تر از دیگر افراد و گروه‌های دیگر، چهره خود را نمایان کردند و از ساختار نظام سیاسی حذف شدند. بعد از دهه شصت و در وقایعی مثل فتنه‌های سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ عده‌ای دیگر از انقلابی‌نماها از ساختار سیاسی کشور حذف شدند. مسئله مهم این است که اولاً این افراد و جریان‌های سیاسی به شکلی کاملاً قانون‌مند و با فشار مردم حذف شدند و ثانیاً ماهیت اصلی آنها انقلابی نبوده است که جمهوری اسلامی نگران ریزش‌های نسل اول باشد. تنها اتفاق مهم این است که حوادث و بحران‌هایی مثل جنگ، کودتا، فتنه‌ها، تحریم و... مانند بارانی عمل کرده‌اند که چهره آرایش شده و بزک شده این افراد و جریان‌های سیاسی را برملا ساخته و مردم را نسبت به حذف آنها ترغیب کرده است. بنابراین ریزش چنین افراد و گروه‌هایی نه به معنی تهی شدن نظام جمهوری اسلامی از افسران متعهد و انقلابی، بلکه به معنی پاک شدن از کسبانی است که چهره دروغین خود را آراسته‌اند و با نفوذ در دستگاه‌های مختلف حکومتی به عنوان ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند؛ از این رو اهمیت رویش‌های بعد از انقلاب اسلامی دوچندان می‌شود. ریزش این افراد از یک‌سو ناشی از افزایش درک و شعور اجتماعی و سیاسی مردم است. از سوی دیگر پیامد چنین ریزش‌هایی، رویش جوانان انقلابی است که هم سو با امر ولایت به یاری جمهوری اسلامی ایران می‌شایند. اتفاقاً در عرصه‌های مختلف ورزشی، نظامی، فرهنگی، علمی و پزشکی جایگاه و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با گذشته نشان از رویش‌های گسترده جوانانی دارند که حاصل عملکرد چهل ساله انقلاب اسلامی هستند و تنها عرصه‌ای که جوانان و رویش‌های جدید جمهوری اسلامی ایران کمتر به آن ورود کرده یا کمتر به کار گرفته شده‌اند همان عرصه سیاسی است؛ عرصه‌ای که همان جریان‌هایی که به سرعت در حال ریزش هستند تسخیر کرده بودند و با نام تجربه و تعهد مانع از ورود رویش‌های جدید انقلاب اسلامی می‌شدند.

عملکرد رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) هم در مقام گفتار و هم در عمل به آنها نشان داده است یک‌هتاز توجه به رویش‌های جدید انقلاب اسلامی در عرصه سیاست است و اگر دیگر نهادها و دستگاه‌ها، به ویژه سازمان‌هایی اجرایی در این زمینه پیرو فرمایش‌های ایشان باشند، نشان داده خواهد شد در عرصه سیاسی نیز رویش‌های انقلاب اسلامی بسی بیشتر از ریزش‌هایی است که با چهره‌ای فریبنده همواره کارشکنی می‌کردند. در نهایت به نظر می‌رسد می‌توان هر دو پدیده ریزش‌ها و رویش‌ها در جمهوری اسلامی را به فسال نیک گرفت. ریزش افراد ناکارآمد، نفوذی، تجدیدنظرطلب و... و رویش افراد و جریان‌های جوان و حزب‌اللهی که می‌توانند چهل سال دوم انقلاب اسلامی را تضمین کنند.

اگر نظارت استصوابی حذف شود و تفکر بسته راست سنتی سایه‌اش را از سر انتخابات بردارد، انتخاباتی پر شور خواهیم داشت.» رونمایی تدریجی از مقاصد و کارکردهای راهبرد «مشارکت مشروط» در حالی صورت می‌گیرد که: اولاً، زمانی که مردم از جریان‌های سیاسی می‌خواهند تا کارنامه خود را در پایان یک دوره حضور در مجلس ارائه کنند، هرگونه بهانه‌تراشی را عذر بدتر از گناه دانسته و آن را نشانه بی‌صدقتی آنها می‌دانند؛ بنابراین اصلاح طلبان برای بازگشت به مردم به جای شرط‌گذاری برای نظام و بهانه‌تراشی باید اشتباهات خود را در رویکردهای سیاسی به جای اقتصادی، بی‌توجهی به مطالبات واقعی مردم، نخبه‌گرایی بیش از حد بجای مردم‌گرایی، سوءاستفاده از جوانان بدون اعتنائی واقعی به آنها و از این دست خطاهای راهبردی بپذیرند. ثانیاً مردم دوره حضور اصلاح طلبان با چهره‌های اصلی‌شان را هم در مجلس ششم و هم هشت ساله اصلاحات دیده‌اند. بزرگ‌ترین تفاوت حضور آنها با اقلیت آنان در آرامش بیشتر و کاهش افراط‌گری آنهاست.



بخشی از مناطق جنوبی آمریکا به دلیل شدت بارندگی و جاری شدن سیل، کاملاً زیر آب رفت؛ اما کسی نگفت سدسازی بیش از حد یا بارورسازی ابرها سیل راه انداخته است!



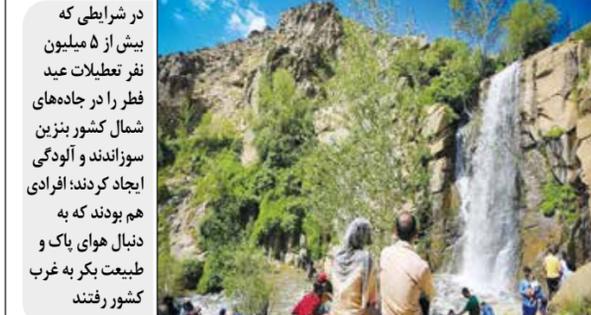
نخست‌وزیر مردم لبنان باشی و نماز عید فطر را به امامت آدمکش‌های سعودی بخوانی! سعد حریری و اقامه نماز عید در عربستان



سرنگونی پهباد ۶۰ میلیون دلاری ساخت آمریکا با تلاش نیروهای یمنی؛ این ۶۰ میلیون دلار می‌توانست مشکل سوءتغذیه مردم یمن را حل کند؛ اما افسوس که سران سعودی به دنبال مسلمان کشی هستند!



انداختن پارچه سفید بر روی ناو برای پوشاندن نام «مک‌کین» از چشمان ترامپ در جریان بازدیدش از ژاپن! «جان مک‌کین» مرده، اما ترامپ کماکان حتی نمی‌خواهد اسمش را ببیند!



در شرایطی که بیش از ۵ میلیون نفر تعطیلات عید فطر را در جاده‌های شمال کشور بنزین سوزاندند و آلودگی ایجاد کردند؛ افرادی هم بودند که به دنبال هوای پاک و طبیعت بکر به غرب کشور رفتند



میوه‌فروشی که میوه‌های نوبرانه را برای کودکان گذاشته است. و در ازایش یک صلوات می‌خواهد در وضعیت سخت اقتصادی پدرانی هستند که توان خرید میوه‌های گران قیمت را ندارند



یادداشت

چرخه باز تولید حاکمان وابسته

□ **فرزان شهیدی** /

تردید ی برای ناظران نمی‌گذارد که شکست‌های ابوظبلی و ریاض و حامیان فرامنطقه‌ای آنها در منطقه، به تغییر نگرش آنها منجر شده است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی با همکاری مصر، که این روزها در میان اعراب به «اتلاف ضد انقلاب» معروف شده‌اند، تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند تا با دستکاری و مدیریت تحولات کشورهایی از جمله مغرب عربی و دیگر کشورهای جهان اسلام و روی کار آوردن عناصر وابسته، تا حدودی شکست‌های خود را جبران کنند.

اما در سودان چه می‌گذرد؟ با تغییر ناگهانی بن عوف و ریاست عبدالفتاح البرهان بر شورای انتقالی این کشور، جای تردیدی نیست که تحولات این کشور ساختگی است و با حمایت برخی کشورهای منطقه مانند امارات و سعودی در حال رخ دادن است. در مورد البرهان باید متذکر شد که او از افراد نزدیک به حاکمان ریاض و ابوظبلی است و از دست‌اندر کاران اصلی اعزام نیروهای سودانی به یمن به شمار می‌آید. ارتباط مستمر میان البرهان با ریاض، ابوظبی و قاهره در کنار کشتار معترضان از سوی شورای نظامی در خارطوم در شرایطی رخ می‌دهد که تحولات مصر و روی کار آمدن مجدد حکومت قیل از انقلاب در قالب السیسی را به یاد می‌آورد. در لیبی نیز چشم‌های امید به نشست غدامس و شکل‌گیری توافق میان طرف‌های درگیر دوخته شده بود تا پس از آن برای برگزاری انتخابات و تدوین قانون اساسی اقدامی مشترک صورت بگیرد. از سوی دیگر نشانه‌های نسبی فروکش کردن جنگ‌های داخلی و تثبیت اوضاع نمایان شده بود؛ اما بار دیگر با جنگ‌افروزی برخی طرف‌ها، امیدها نیز از بین رفت و سهه روز مانده به برگزاری این نشست، جنگ طرابلس بار دیگر شروع شده رویدادی که دخالت برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دوباره آشکار کرد. ژنرال خلیفه حفتر، عامل اصلی این اتفاق و مشاوران از سوی شورای نظامی در خارطوم در شرایطی که قدرت‌های غربی حمایت نشده است. حفتر در شرایطی برای تصرف لیبی و طرابلس تلاش می‌کند که گروه‌های اسلام‌گرا و وابسته به اخوان‌المسلمین در لیبی مورد اقبال عمومی قرار گرفته بودند و قدرت را در بخش‌هایی از لیبی از جمله طرابلس در دست داشتند. در این میان ممکن بود این کشور قدمی اساسی به سوی استقلال بردارد که بی‌شک اسلام‌گرایان نقشی تأثیرگذار در آن داشتند؛ رویدادی که به کلام برخی دولت‌های فرامنطقه‌ای و دست‌نشان‌دانگان منطقه‌ای آنها یعنی عربستان و امارات خوش نیامد.

الجزایر نیز از دیگر کشورهای است که عربستان و به ویژه امارات این روزها برای حفظ نفوذ خود در آن مشغول برنامه‌ریزی هستند. هرچند مردم این کشور از این موضوع آگاه شده‌اند و ضمن اعتراض به منظور پایان دوران بوتفلیقه برای برکناری «عبدالقادر بن صالح» رئیس‌جمهور موقت و «نورالدین بدوی» نخست‌وزیر به عنوان عناصر وابسته به حکومت سابق، تلاش می‌کنند، در مقابل بن‌صالح نیز با سفرهایی که به ابوظبلی کرده و با تلاش برای جلب نظر آمریکا در نظر دارد همچنان در رأس قدرت باقی بماند. از سوی دیگر، شاهد لغو انتخابات در این کشور نیز هستیم؛ زیرا ۷۷ نفری که برای این موضوع اعلام آمادگی کرده بودند، از تصمیم خود منصرف شدند. از دلایل اصلی این رویداد وجود عناصر وابسته به دولت قبل در تمام ارکان اداره کشور الجزایر است؛ چرا که خواست عمومی و همه فعالان سیاسی الجزائر کناره‌گیری این افراد است.

نگاه کلان به سیر تحولات اخیر در جهان عرب به ویژه سودان، لیبی و الجزائر نشان می‌دهد این اتفاقات با برنامه‌ریزی غرب و آمریکا برای اثرگذاری بر آنها همراه بوده است؛ از این رو بازیگران فرامنطقه‌ای مذکور با استفاده از سعودی و امارات و ضمن کسب تجربه از تحولات ۲۰۱۱ و سال‌های بعد از آن، به دنبال دستکاری تحولات مغرب عربی بر آمده‌اند که نتیجه آن بی‌شک روی کار آمدن حکومت‌های دست‌نشانده خواهد بود.

رصد

و**ا**یا**ب**یش **ا**خر**ین** **ا**خبار **م**نطقه و **ج**هان

بلومبرگ: ارتش ای آمریکا برای مطالعه شیوه‌های تغییر و نحوه شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان، بالغ بر ۳۵۰ میلیارد مطلب منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی را آنالیز می‌کند. این پروژه با هدف تحلیل مطالب منتشر شده از سوی ۲۰۰ میلیون کاربر به بیش از ۶۰ زبان در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، به دانشکده علوم دریایی کالیفرنیا واگذار شده است. پیام‌رسان‌های فیسبوک و توییتر در اولویت این پروژه مطالعاتی قرار دارند.

ایران اینترنشنال: در تحلیل اظهارات ترامپ درباره مذاکره با ایران، سه فرضیه مطرح است: ۱- میان سیاست‌های ترامپ با آنچه پمپئو و بولتون در سر دارند، تفاوت اساسی وجود دارد و چه‌بسا همین اختلاف، به شایعه برکناری احتمالی بولتون دامن زده است. ۲- ترامپ موضع تند خود را نرم کرده است؛ چون در یافته که افکار عمومی آمریکا سیاست خروج از برجام و تحریم‌های شدید ضد ایرانی را عامل افزایش تنش‌های منطقه‌ای می‌دانند. ۳- سخنان ترامپ در توکیو، ادامه همان مواضع تند قبلی علیه ایران است؛ اما با زبان دیپلماتیک و در راستای سیاست جماعت و هویج تا جمهوری اسلامی را به مذاکره ترغیب کند؛ حتی اگر شده «پنهانی» و از مسیر لابی با سیاستمداران!

واشنگتن اگزمنیز: ترامپ خواستار مذاکره با ایران نیست، بلکه به دنبال تسلیم شدن این کشور است. در واقع هدف از تحریم‌های سخت علیه ایران این است که این کشور را به زانو در آورد تا خواسته‌های آمریکا تن دهد؛ اما ایران هیچ نشانه‌ای از زانو زدن از خود نشان نداده و سیاست ترامپ در عمل با شکست مواجه شده است.

بی‌بی‌سی: عربستان مدت‌هاست تلاش می‌کند ائتلافی از کشورهای عربی علیه ایران تشکیل دهد؛ اما تاکنون موفق نشده است. امروز امارات، هم‌پیمان راهبردی عربستان نیز این کشور به ویژه بر سر بس که اختلاف رسیده است، امروز اصلاً چیزی به اسم جهان عرب وجود ندارد.

القدس العربی: عبدالباری عطوان نوشت: «سیدحسین نصرالله در سخنرانی آخرش قاطعانه گفت که جنگ علیه ایران محدود به مرزهای جغرافیایی آن کشور نمی‌شود و همه منافع آمریکا، اسرائیل و سعودی را در تمام منطقه به آتش خواهد کشید. این مرد اهل عمل است و هنگامی که تهدید می‌کند، می‌داند چه می‌گوید. موشک‌های مقاومت فلسطین، معامله قرن را ساقط کردند. همین موشک‌ها در کنار موشک‌های سوریه، لبنان، عراق و ایران، جولان و قدس و سایر اراضی اشغالی را آزاد خواهند کرد.»

نیویورک تایمز: به گفته دو فرد مطلع، بن زاید پیش از روی کار آمدن دولت ترامپ با مشاوران رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در تماس بوده و تلاش می‌کرده به آنها درباره «خطرات ایران» هشدار دهد. «ریچارد گرسون» که مشاور بن زاید و دوست «جرد کوشنر» داماد ترامپ است، پس از گفت‌وگوهایش با دستیاران دولت ترامپ، در پیامی به ولی‌عهد ابوظبلی نوشته بود: «آنها عمیقاً تحت تأثیر شما قرار گرفته‌اند و همین الان هم متقاعد شده‌اند که شما دوست واقعی و نزدیک‌ترین متحد آنها هستید.»

رأی الیوم: واضح بود که شورای نظامی انتقالی سوودان به رهبری ژنرال عبدالفتاح البرهان و معاون وی محمد حمدان دقلو (حمیدتی) از همان روز اول قدرت از طریق کودتایی نظامی، هیچ احساس دوستی و مدوتی به جنبش مردمی سوودان نداشت و منتظر فرصتی برای برهم زدن تحصن‌ها بود تا تجربه همتای نظامی خود در مصر را به نحوی تکرار کند.

فارین بابیسی: ائتلاف به فرماندهی عربستان در منطقه، با اختلافات داخلی رویه‌وروست. مصر و عربستان با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند؛ زیرا قاهره به شیوه تعامل ریاض و ابوظبلی با خود به عنوان شریک «کوچک و وابسته» اعتراض می‌کنند.



غرق شدن سعودی‌ها

□ **یاسر سعیدنژاد** /

سعودی طی هفته گذشته میزبان سه نشست اضطراری اتحادیه عرب، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و سازمان همکاری اسلامی، با هدف ایران‌هراسی بود. انفجار چند کشتی در بندر «فجیره» امارات و اقدامات تلافی‌جویانه نیروهای یمنی علیه عربستان، با هدف قرار دادن مراکز حساس و امنیتی در واکنش به جنایات جنگی ائتلاف سعودی به سرکردگی عربستان علیه یمن سبب شد تا آژانس همکاری عربی با محوریت (SPA) در ۱۹ مه (۲۹ ددپهشت) از سوی «عادل الجبیر» به نقل از «سلمان بن عبدالعزیز» اعلام کند کشورهای منطقه را برای شرکت در سه نشست اضطراری در ۳۰ مه (۹ خرداد) در مکه دعوت خواهد کرد. این نشست مانند گذشته با سخنرانی پادشاه عربستان آغاز شد و راستاستی ناوای عربی با محوریت آمریکا قرار داده‌اند. اکنون ائتلاف سیاسی و همراهی برخی کشورها با عربستان سعودی می‌تواند هم‌سویی تهدید واهی نظامی را با ائتلاف سیاسی در جهت موج جدید ایران‌هراسی هموار کند.

۳- عربستان سعودی تاکنون در این نشست برخی کشورهای عربی مانند عراق، سوریه و قطر با بیانیه پایانی مخالفت کردند و خواستار توافق کشورهای عربی در موضوعات مهم دیگر شدند. اکنون به منظور تبیین وضع موجود و چرایی برگزاری این نشست در ایسن مقطع زمانی و اهداف و چرایی موضوع ذکر چند نکته اهمیت دارد.

۱- این نشست با محوریت عربستان سعودی در جهت موج جدید ایران‌هراسی در منطقه برگزار شده که با همراهی برخی کشورهای عربی دیگر راه‌اندازی شده است. این کشورها به گونه‌ای القا می‌کنند که ایران با اقدامات خود به عنوان موجودیتی، کشورهای خلیج‌فارس و موجودیت و امنیت آنها را تهدید می‌کند. از این منظر عربستان با سیاست یک تیر و دو نشان، هم این را متهم به انجام اقدامات تروریستی کرد و هم گروه‌های مقاومت در منطقه را.

۲- در گام دوم، عربستان به دنبال تشکیل ائتلافی سیاسی علیه ایران در منطقه است.

سعودی‌ها در مرحله ائتلاف‌سازی به خوبی به این امر پی برده‌اند که از بُعد

فراسو

□ **محمدحسین هیکل،** متفکر مصری ۴۰ سال قبل گفت: سعودی با یمن جنگ خواهد کرد و در یمن غرق خواهد شد و شکست خواهد خورد و اگر چنین نشد تا جسم را از خاک بیرون بیاورید و همراه تمام مؤلفاتم بسوزانید!

بررسی اهداف و چرایی نشست‌های ضد ایرانی اخیر مکه



مکه نیز با اعلام بیانیه پایانی به دنبال تلاش هی‌دقمند در جهت عملیات تبلیغاتی و روانی علیه ایران بودند.

۵- برگزاری این نشست با دو هدف مهم همراه بود: اول، اعلام اجرای توافق مهم عربستان سعودی می‌تواند هم‌سویی تهدید واهی نظامی را با ائتلاف سیاسی در جهت موج جدید ایران‌هراسی هموار کند.

۳- عربستان سعودی تاکنون در اجماع کشورهای عربی علیه ایران موفق نبوده است. هدف برگزاری چنین نشست‌هایی نیز ایجاد اجماع علیه ایران و وحدت و یکپارچگی در میان کشورهای عربی است. در این باره فاطمه امان، تحلیلگر ارشد مرکز جنوب آسیا در شورای اتلانتیک اعلام کرد: «عربستان به دلیل اختلافات گسترده در اتحادیه عرب عملاً نمی‌تواند جبهه منسجمی علیه

ایران را ایجاد کند.» نمود این شکست را باید در مواضع برخی کشورهای عربی از جمله عراق و قطر مشاهده کرد که بغداد مواضع عربستان و بیانیه پایانی را به رسمیت نشناخت و هیئت قطری علی‌رغم دعوت شاه سعودی از امیر قطر بدون حضور وی و حتی مقام بلندپایه‌ای در این اجلاس شرکت کرد.

۴- تشکیل چنین جلساتی سابقه دارد و هر زمان که عربستان سعودی در ایجاد راهبردهای خود با شکست مواجه شده، با دعوت از چند کشور عربی کوچک و وابسته به پول سعودی‌ها درصدد نشان دادن توان خود در اجماع علیه ایران بوده است. در پایان نشست

خارجی، رقابت در خریدهای کلان نظامی و حتی اختلافات تاریخی تبلیغاتی و روانی علیه ایران بودند. ۵- برگزاری این نشست با دو هدف مهم همراه بود: اول، اعلام اجرای توافق مهم عربستان سعودی می‌تواند هم‌سویی تهدید واهی نظامی را با ائتلاف سیاسی در جهت موج جدید ایران‌هراسی هموار کند.

۳- عربستان سعودی تاکنون در اجماع کشورهای عربی علیه ایران موفق نبوده است. هدف برگزاری چنین نشست‌هایی نیز ایجاد اجماع علیه ایران و وحدت و یکپارچگی در میان کشورهای عربی است. در این باره فاطمه امان، تحلیلگر ارشد مرکز جنوب آسیا در شورای اتلانتیک اعلام کرد: «عربستان به دلیل اختلافات گسترده در اتحادیه عرب عملاً نمی‌تواند جبهه منسجمی علیه

ایران را ایجاد کند.» نمود این شکست را باید در مواضع برخی کشورهای عربی از جمله عراق و قطر مشاهده کرد که بغداد مواضع عربستان و بیانیه پایانی را به رسمیت نشناخت و هیئت قطری علی‌رغم دعوت شاه سعودی از امیر قطر بدون حضور وی و حتی مقام بلندپایه‌ای در این اجلاس شرکت کرد.

۴- تشکیل چنین جلساتی سابقه دارد و هر زمان که عربستان سعودی در ایجاد راهبردهای خود با شکست مواجه شده، با دعوت از چند کشور عربی کوچک و وابسته به پول سعودی‌ها درصدد نشان دادن توان خود در اجماع علیه ایران بوده است. در پایان نشست

محمدحسین هیکل، متفکر مصری ۴۰ سال قبل گفت: سعودی با یمن جنگ خواهد کرد و در یمن غرق خواهد شد و شکست خواهد خورد و اگر چنین نشد تا جسم را از خاک بیرون بیاورید و همراه تمام مؤلفاتم بسوزانید!

بررسی اهداف و چرایی نشست‌های ضد ایرانی اخیر مکه

□ **یاسر کریمیان** /

سیاست خارجی ترکیه در سوریه بر سیاست مداخله‌گرا یا سیاست فعال مبتنی است که حضور آنکارا را در مناطق شمالی به صورت فعال در هم آمیخته است. سیاست ترکیه در شمال سوریه از ابتدای بحران براساس چند اصل جدایی‌ناپذیر است که مهم‌ترین آنها استقلال نداشتن کردها، ایجاد منطقه حائل و حضور نظامی فعال در قالب حمایت از گروه‌های وابسته محسوب می‌شود که سیاست عملی ترکیه را هویدا کرده است.

در وضعیت فعلی، آنکارا در شمال سوریه با برخی موانع و مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند که می‌توان آنها را بن‌بستی برای تصمیم‌های آتی ترکیه دانست. این موانع عبارتند از:

۱- وجود بازیگران متعدد در سوریه و منافع گوناگون در چارچوب هزینه‌فایده بازیگردانی، هر بازیگر را با چالش مواجه کرده است. در این میان، ترکیه با تضاد منافع روسیه، کردها و سوریه مواجه است که همین امر عاملی برای تصمیم‌گیری‌های خارج از چارچوب منافع بازیگران دان

شمار می‌آید. مسکو به دنبال کاهش تنش و صلح در مناطق شمالی برای حفظ منافع بلندمدت خود مانند حضور نظامی در این منطقه است. کردها همچنان داعیه استقلال و خودمختاری را در سر می‌پروراند که همین عامل سبب تصمیم‌گیری‌های غیر برای آنها درباره ترکیه شده است. سوریه نیز به عنوان بازیگر اصلی در صحنه بنا بر حفظ تمامیت ارضی، خواهان حضور نداشتن و حتی مداخله نکردن بازیگران موجود است.

بازیگران متعدد با اهداف و انگیزه‌های متنوع رسیدن به نتیجه دلخواه سیاسی ترکیه را با چالش جدی و پیچیدگی مواجه کرده است. ۲- مناطق شمالی سوریه از حیث تجمع گروه‌های تروریستی، قربانی سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه دارد. حضور این گروه‌ها حضور ترکیه را در شمال سوریه بنا بر اصل تهدید امنیت ملی توجیه می‌کند. ترکیه از یک‌سو از گروه‌های موجود حمایت می‌کند و از سوی دیگر آنها را تهدید اصلی برای امنیت ملی خود می‌داند.

۳- مناطق مورد اشاره در شمال سوریه در راستای توافق آستانه‌ه ۴ به عنوان مناطق کاهش تنش مورد توافق است. روسیه و ایران قرار گرفته است. در نتیجه هرگونه عملیات با موافقت سایر بازیگران ممکن خواهد بود و توافق نداشتن بازیگران راهبردهای پیش رو را از بین خواهد برد. اکنون حضور ترکیه در شمال سوریه مورد پذیرش سایر بازیگران نیست؛ زیرا برخلاف معاهدات چندجانبه گذشته از جمله توافق‌های آستانه است. همین عامل سبب ایجاد بن‌بست در تصمیم‌های آتی آنکارا خواهد شد.

۴- ترکیه در مناطقی از شمال سوریه خواستار ایجاد منطقه نفوذ است که مورد مناقشه سایر بازیگران است؛ برای نمونه آمریکا اکنون در مناطق کرندشین حضور فعال و مستمری دارد و همین عامل سبب اصطکاک بین طرفین شده است؛ هر چند در برخی موارد آنکارا و واشنگتن هم سویی چشمگیری در شمال سوریه دارند.

به عنوان چندی مسائل موجود باید به این مورد اشاره کرد که در پیش گرفتن راهبرد مداخله فعال ترکیه در شمال سوریه اکنون به راهبرد بازیگر مداخله‌گر تبدیل شده که هر کنششی از سوی آن با واکنش صحنه موجود را برای آنکارا تشدید تنش و اصطکاک بین طرفین کرده است. آنکارا باید به این نکته راهبردی توجه کند که امنیت ملی ترکیه از رهگذر توجه به امنیت جمعی منطقه و پایبندی به توافقات گذشته حاصل می‌شود.

۱- بازیگران متعدد در سوریه و منافع گوناگون در چارچوب هزینه‌فایده بازیگردانی، هر بازیگر را با چالش مواجه کرده است. در این میان، ترکیه با تضاد منافع روسیه، کردها و سوریه مواجه است که همین امر عاملی برای تصمیم‌گیری‌های خارج از چارچوب منافع بازیگران دان

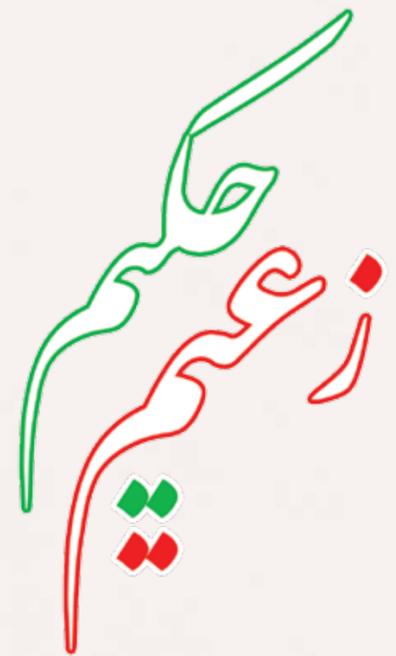
شمار می‌آید. مسکو به دنبال کاهش تنش و صلح در مناطق شمالی برای حفظ منافع بلندمدت خود مانند حضور نظامی در این منطقه است. کردها همچنان داعیه استقلال و خودمختاری را در سر می‌پروراند که همین عامل سبب تصمیم‌گیری‌های غیر برای آنها درباره ترکیه شده است. سوریه نیز به عنوان بازیگر اصلی در صحنه بنا بر حفظ تمامیت ارضی، خواهان حضور نداشتن و حتی مداخله نکردن بازیگران موجود است.

بازیگران متعدد با اهداف و انگیزه‌های متنوع رسیدن به نتیجه دلخواه سیاسی ترکیه را با چالش جدی و پیچیدگی مواجه کرده است. ۲- مناطق شمالی سوریه از حیث تجمع گروه‌های تروریستی، قربانی سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه دارد. حضور این گروه‌ها حضور ترکیه را در شمال سوریه بنا بر اصل تهدید امنیت ملی توجیه می‌کند. ترکیه از یک‌سو از گروه‌های موجود حمایت می‌کند و از سوی دیگر آنها را تهدید اصلی برای امنیت ملی خود می‌داند.

۳- مناطق مورد اشاره در شمال سوریه در راستای توافق آستانه‌ها ۴ به عنوان مناطق کاهش تنش مورد توافق است. روسیه و ایران قرار گرفته است. در نتیجه هرگونه عملیات با موافقت سایر بازیگران ممکن خواهد بود و توافق نداشتن بازیگران راهبردهای پیش رو را از بین خواهد برد. اکنون حضور ترکیه در شمال سوریه مورد پذیرش سایر بازیگران نیست؛ زیرا برخلاف معاهدات چندجانبه گذشته از جمله توافق‌های آستانه است. همین عامل سبب ایجاد بن‌بست در تصمیم‌های آتی آنکارا خواهد شد.

۴- ترکیه در مناطقی از شمال سوریه خواستار ایجاد منطقه نفوذ است که مورد مناقشه سایر بازیگران است؛ برای نمونه آمریکا اکنون در مناطق کرندشین حضور فعال و مستمری دارد و همین عامل سبب اصطکاک بین طرفین شده است؛ هر چند در برخی موارد آنکارا و واشنگتن هم سویی چشمگیری در شمال سوریه دارند.

به عنوان چندی مسائل موجود باید به این مورد اشاره کرد که در پیش گرفتن راهبرد مداخله فعال ترکیه در شمال سوریه اکنون به راهبرد بازیگر مداخله‌گر تبدیل شده که هر کنششی از سوی آن با واکنش صحنه موجود را برای آنکارا تشدید تنش و اصطکاک بین طرفین کرده است. آنکارا باید به این نکته راهبردی توجه کند که امنیت ملی ترکیه از رهگذر توجه به امنیت جمعی منطقه و پایبندی به توافقات گذشته حاصل می‌شود.



ویژه‌نگاشت سه دهه راهبری داهیانته
امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

۳۰ سال زعامت نافذ و بصیرانه



فرامرز عابدینی
رئیس مرکز مطالعات راهبردی قوه قضائیه

جوهره انقلاب اسلامی ایران یک حرکت مستمر، پویا و تکاملی است که جهت‌گیری انقلابی سکانداران و درجه تبعیت و اطاعت امت از رهبری رمز پایایی و مانایی آن است. بر این مبنا، یکی از سنت‌های الهی هم برای خزلان و نقیمت هر امت و ملتی ناسپاسی در برابر نعمت زعامت رهبری صالح است. امروز ائتلاف معاندان، منافقان و مداهنان با هجمه وسیع رسانه‌ای به تکاپو افتاده‌اند تا زعامت ۳۰ ساله رهبر معظم انقلاب، این آفتاب روشنی‌بخش در عصر جاهلیت مدرن را کم‌فروغ نشان دهند. سالگرد ارتحال امام راحل عظیم‌الشأن در طلیعه گام دوم انقلاب فرصت مغتنمی است تا ویژگی‌های این نعمت را در ابعاد مختلف تبیین کنیم.

۱- جامعیت علمی، فقهی و ادبی؛ تأیید مرتبت علمی و فقهی رهبر معظم انقلاب از سوی امام عظیم‌الشأن، شهادت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و احمد آقا بر تأکید مکرر امام بر صلاحیت رهبری حضرت آقا، همچنین اظهار صلاحیت علمی و اجتهاد معظم‌له از سوی بسیاری از مراجع و بزرگان و جامعه مدرسین از جمله مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل‌لنکرانی که فرمودند در مقام شامخ علمی و اجتهاد و فقاقت معظم‌له جای هیچ‌گونه تردید نیست و سوابق درس خارج رهبری که از سال ۶۹ شروع شده و ایشان بیش از ۲۵ سال است به صورت منظم مباحث فقهی، اصولی و رجال ارائه می‌دهند، نشان‌دهنده جامعیت امام خامنه‌ای، مانند سلف خود امام راحل است و به تعبیر اعضای شورای خبرگان

رهبری وقت، ایشان همچنان برای جایگاه رهبری نظام اسلامی «خیر الموجودین» هستند.

۲- برخوردار از نظام معرفتی و تفکر منظومه‌ای با تأسی بر مبانی اندیشه‌ای امام راحل؛ تفکر جامع‌نگر، سیستمی و شبکه‌ای معظم‌له به حوزه‌های متکثر، با ماهیت تخصصی متفاوت اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، نظامی، بین‌الملل و... از خصوصیات بارز و بی‌بدیل ایشان است که پیکره مجموعه بیانات و تصمیمات ایشان عاری از تضاد، تداخل و تعارض بوده و بالعکس قرین انسجام، درهم تنیدگی و روح واحد است. همه این خصایص با تأسی و در پرتو راه و تفکر امام(ره) سامان یافته است؛ به طوری که فرمودند: «ما با خدا پیمان بسته‌ایم راه امام خمینی(ره) را دنبال کنیم و از هیچ یک از آرمان‌هایی که به وسیله امام ترسیم شده، چشم‌پوشی نخواهیم کرد.»

۳- اخلاص و تقوای عملی؛ اخلاص و تقوای ناب ایشان در مشی رهبری، جهت‌گیری‌های مدیریتی و مواجهه حکیمانه با دوست و دشمن که ملهم از توحیدباوری، مرگ‌آگاهی و عدالت‌محوری است، آن چنان مشهود است که برخی از بزرگان فرمودند: «گوش فقط به دهان رهبری بدوزید که او گوش به دهان امام زمان(عج) دارد.» بر همین مبنا، زهد و پارسایی ایشان در زندگی شخصی و مراقبت ویژه از زندگی فرزندان برای نیالوده شدن به بازار مکاره دنیاگرایی به قدری برجسته است که بحمدالله تاکنون دشمنان هر چه در این ۳۰ سال رهبری کوشیدند تا چیزی را به ایشان نسبت دهند، نتوانستند.

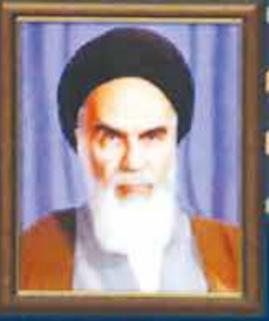
۴- بصیرت نافذ و هوشمندی سیاسی؛ زمان‌شناسی، درک مقتضیات زمانه و رصد و پیش‌بینی تحولات، توأم با درک اغراض و مقاصد پیدای پنهان و شیوه‌های دشمنی، عرصه را چنان بر طراحان مکر و فتنه تنگ کرده که برخی از آنان به صراحت ابراز داشتند آنچه ما در اتاق‌های فکر پس از ماه‌ها کار مطالعاتی و اطلاعاتی طراحی می‌کنیم، او با یک سخنرانی ناپود می‌کند.

۵- مجاهدت انقلابی و شجاعانه در افزایش قدرت و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی

ایران؛ نگاه اعتقادی و قرآنی معظم‌له به مقاومت، کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، سازش نکردن با نظام سلطه و استکبارستیزی سبب شد تا ادبیات پایداری و گنجینه گرانبهای دفاع مقدس به تصویر کشیده شود. اقدامات و تحرکات شومی که از سال ۱۳۷۰ برخی جریان‌های سیاسی برای سازش با آمریکا شروع کردند، ناکام بماند و معادله قدرت در منطقه به نفع جبهه مقاومت تغییر یابد و مبارزه سنگ فلسطینیان به «موشک جواب موشک» تبدیل شود و ارتقا یابد. حاصل همه اینها، رخ عیان کردن عمق استراتژیک قدرت و ضریب نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، افغانستان، یمن و... بوده است.

۶- مدیریت حکیمانه و طیبانه در عبور از بحران‌ها؛ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبر معظم انقلاب به اعتراف دوست و دشمن، مدیریت عالی و خلاقانه ایشان در اوضاع حساس و بحرانی است. مشکلات و معضلاتی همچون فتنه طالبان و القاعده در افغانستان، کاهش قیمت نفت به زیر ۱۰ دلار، پرونده انفجار آمیا، تحریک قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی، گشایش سفره بحران و ناامنی در کشور، تحریم‌های شدید اقتصادی، قطعنامه‌های شورای امنیت، دادگاه میکونوس، کنفرانس برلین، اصلاح قانون مطبوعات، تحسن نمایندگان مجلس ششم، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و سلسله جنگ‌های مقاومت فلسطین(۲۲ روزه، ۸ روزه و ۲ روزه) با رژیم صهیونیستی، صدور حکم حکومتی در تأیید صلاحیت مصطفی معین، فتنه ۸۸ و... نشان می‌دهد، انقلاب چه نگیان ارزشمندی را بر رکاب خود نشانده است. خطبه‌ها و بیانات هنرمندانه و روشنگرانه ایشان درباره عبرت‌های عاشورا در ۱۸ اردیبهشت ۷۷ و خطبه ایشان در برهه قتل‌های زنجیره‌ای در ۱۸ دی ماه ۷۷ و همچنین خطبه معروف‌شان در حوادث کوی دانشگاه در ۸ مرداد ۷۸ و در نهایت خطبه طوفانی ایشان در ۲۹ خرداد ۸۸ را می‌توان جزء خطبه‌های تاریخ‌ساز ایشان در مدیریت بحران‌ها به شمار آورد. امید که رابطه عاطفی، التزام فکری و تبعیت عملی امت با امام‌شان تا ظهور بقیه‌الله اعظم(عج) مستدام و تابناک باقی بماند.

یک نفر را مثل آقای خامنه‌ای پیدا بکنید که متعهد به اسلام باشد و خدمتگزار، و بنای قلبی‌اش بر این باشد که به این ملت خدمت کند، پیدا نمی‌کنید، ایشان را من سال‌های طولانی می‌شناسم.



سید حسن نصرالله: ما در برابر امامی هستیم در رهبری و حسن حکومت، در تقوا و زهد، در فقه و اجتهاد، در تفکر و تفکیک ساحات و نوآوری، عظیم‌الشان. ما در برابر امامی هستیم که نگاهی همه‌جانبه، عمیق، مستحکم و استوار دارد.... حقیقت آن است که ما در برابر شخصیتی عظیم و استثنائی هستیم.



ولادیمیر پوتین: با عنایت به مطالعاتی که من در باره مسیح داشته‌ام، در ملاقات با رهبر انقلاب ایران تمام ویژگی‌های حضرت مسیح را در آیت الله خامنه ای دیده و برابرم متجلی شد. حکیم بزرگی در ایران نشسته است که به ذهن من خطور نمی کرد او تا به این حد همه جانبه نگراشد. او حکیم و دانشمندی است که تصمیم گیری و تنظیم همه سیاست های ایران توسط اوست.



عماءالله مهاجرانی: من آیت‌الله خامنه‌ای را خوب می‌شناسم و می‌دانم که در تمام کارنامه اقتصادی خود و اقوامش، نقطه سیاه که هیچ، حتی یک نقطه خاکستری هم نمی‌توان یافت.



کاندولیزا رایس: رهبر ایران می‌تواند نقشه‌هایی را که بهترین ذهن‌ها، با صرف بیشترین بودجه‌ها، در زمانی بسیار طولانی کشیده و مجریانی ماهر اجرای آن را به عهده گرفته‌اند، با یک سخنرانی یک ساعته خنثی کند.



چند سال پیش که آیت الله خامنه‌ای یک هفته‌ای تشریف آوردند قم، جمعیت زیادی برای استقبال آمده بودند در خیابان‌ها؛ آیت الله بهجت هم آمدند جزء جمعیت استقبال کنندگان، از ایشان سؤال شد که حاج آقا شما با این سن و سال آمدید وسط این جمعیت استقبال کنندگان؟ آیت الله بهجت فرمودند: «اگر مردم می‌دانستند که استقبال این سید چقدر ثواب دارد هیچ کس در خانه نمی‌نشست.»



کوفی عنان: در ملاقات با آیت‌الله خامنه‌ای احساس کردم که کسی را مثل او ندیده‌ام. شخصیت معنوی ایشان چنان مرا گرفت که از خود پرسیدم چرا شخصیتی مثل من دبیرکل سازمان ملل باشد و از معنویات چیزی نداشته باشد. بعید می‌دانم به سازمان ملل هم که بروم شخصیت ایشان از ذهن من پاک شود.



ابوالحسن بنی صدر: اگر امام خمینی(ره) زنده بود، صدها بار به آقای خامنه‌ای احسنت می‌گفت. دلیل این تحسین آن است که آقای خامنه‌ای به خوبی توانسته نظامی را که آقای خمینی ایجاد کرد حفظ کند.



بنیامین نتانیاهو: آقای خامنه‌ای از تنگه خیبر در عربستان تا تنگه جبل الطارق در مراکش را به لرزه انداخته و ملت‌ها را به سوی خود جلب کرده است. دوستان هوشیار ما می‌دانند که خیلی وقت است رهبر ایران رهبر، منطقه و مسلمین جهان است.

گفت‌وگوی ویژه صبح صادق با یک تحلیلگر برجسته سیاسی-امنیتی

اشراف امام خامنه‌ای به مسائل کشور بی‌سابقه است

□ احسان امیری / امنیت جمهوری اسلامی به منزله جزیره امن در ناامن‌ترین منطقه جهان در یکی دو دهه گذشته، موضوع با اهمیتی است و به طور حتم در ایجاد و بنای این امنیت شخص رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان مرجع اصلی مباحث نظامی و امنیتی در کشور نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. برای بررسی ابعاد این موضوع بر آن شدیم تا پای سخنان یکی از کارشناسان حوزه اطلاعات و امنیت کشور بنشینیم که از درج نامش معذور هستیم. در ادامه گفت‌وگوی ما با این تحلیلگر برجسته سیاسی و امنیتی را می‌خوانید.

*** به عنوان سؤال ابتدایی بفرمایید توانمندی‌های اطلاعاتی و امنیتی رهبر معظم انقلاب چگونه است؟**

باید در نظر داشت که حضرت آقا اشراف‌شان در نوزده‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی از همه مسئولان کشور و حتی رؤسای جمهور سابق و فعلی و حتی حضرت امام راحل(ره) هم بیشتر است. در دوره امام راحل(ره) نظام امنیتی کشور اطلاعات کلی را به چند نفر محدود می‌دادند؛ خود امام(ره)، حضرت آقا آقای هاشمی و مهندس موسوی. پس از پیروزی انقلاب با وجود جریان‌های مختلف، سیستم‌های امنیتی کشور خودشان را پیدا کرده و بعد شروع به تولید برآوردها و اطلاعات کردند. حضرت آقا جزء گیرندگان اصلی این اخبار و برآوردها بودند. حضرت امام(ره) که خودشان همه چیزها را بررسی نمی‌کردند؛ کار دست احمد آقا بود و آقای هاشمی که در نهایت تا دوران ریاست‌جمهوری این اطلاعات را داشتند و امروز هم احمد آقا و آقای هاشمی مرحوم شده‌اند. آقای موسوی هم در نهایت تا پایان نخست‌وزیری این اطلاعات را داشت. رؤسای‌جمهور بعدی هم در حد همان هشت سال بوده است. پس باید دانست تا الآن مطلع‌ترین فرد کشور از وضعیت و برآوردهای اطلاعاتی شخص حضرت آقا هستند. حتی بعضاً خبرنامه‌های به طور کلی سری که تک نسخه است، فقط به دست ایشان می‌رسد. از طرفی ایشان مشرف‌ترین فرد جمهوری اسلامی نسبت به مباحث اطلاعاتی نیست. شاید حضرت آقا در تنظیم خاطرات‌شان که ممکن است سال‌ها بعد منتشر شود، به بخشی از این اطلاعات و مباحث اشاره کنند. حال درباره پاسخ به پرسش شما باید بگویم که اشراف ایشان بر اخبار، تاریخ، سنت و سیره ائمه معصوم(ع) و مبارزات آنها علیه رژیم‌های اموی و عباسی به نوعی توانایی ویژه‌ای در حضرت آقا به وجود آورده است. این توانایی‌ها در ایشان با کارهای پژوهشی که شاید از ۱۰ سال پیش از پیروزی انقلاب شروع کرده‌اند، ایجاد شده است. بر اساس این، توانایی اینکه چه باید کرد و چه نباید کرد و تشخیص این مسئله در ایشان بسیار قوی و بی‌نظیر است. تا این حد بگویم که موردهایی داشتیم که نهادهای

اطلاعاتی می‌خواستند برخی اخبار را به دلایل و مصلحت اندیشی‌های خاص مکتوم نگه دارند، آقا اشاره می‌کردند که از فلان مسئله چه خبر و آنها هم تعجب می‌کردند که ایشان چطور از این مطلب مطلع شده‌اند؛ یعنی توانایی ایشان بسیار بالاتر از تصورات است.

حضرت آقا یافته‌های اطلاعاتی و خبری خود را به یک نهاد و یک مرکز محدود نکرده‌اند، بلکه تکثر نهادهای اطلاعاتی در کشور یک اصل پذیرفته شده از نظر ایشان است و همه ساختارهای سیاسی دنیا هم این را پذیرفته‌اند. در مقطعی برخی سیاسیون در مجلس پنجم به دنبال تجمیع توان اطلاعاتی کشور در یک سازمان آن هم ذیل نظر رهبری بودند که حضرت آقا بنا به دلایلی از جمله اتفاقات سیاسی آن دوران گفتند این طرح مسکوت بماند.

به عبارت دیگر، حضرت آقا یافته‌های اطلاعاتی‌شان منحصر در یک یا دو مرکز نیست و از چند مرکز این اطلاعات را جمع می‌کنند. ایشان اطلاعاتی را که در اختیار دارند می‌توانند به خوبی آنالیز کنند و در موقعیت‌های مختلف تصمیم لازم را بگیرند. این موضوع در سی سال گذشته به خوبی مشهود بوده است.

*** در موضوع انتصاب مسئولان در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی و در مجموعه جامعه اطلاعاتی با توجه به حساسیت این موضوع، حضرت آقا چگونه عمل می‌کنند؟**

مسئولان جامعه اطلاعاتی کشور فصلی و سالی نیستند و برخی چهل سال سابقه کار اطلاعاتی بدون وابستگی به مباحث جناحی خاص و در جهت مصالح نظام اسلامی را دارند. چطور الآن بازنشسته‌های نیروهای مسلح در سطح فرماندهان هنوز فعالیت و انتقال تجربه دارند و دنیایی از تجربه هستند، در حوزه اطلاعاتی هم افرادی هستند که یک عمر کار اطلاعاتی کرده‌اند و از جنبه‌های مختلف وفاداری آنها برای مجموعه نظام مسلح شده است. آقا هم تیم‌های مورد اعتماد در مجموعه دستگاه رهبری دارند؛ یعنی دست ایشان از داشتن کارشناسان خبره پر است و با استفاده از

نظرات کارشناسی عمل می‌کنند.

در زمینه نصب مسئولان این نهادها هم بالاخره ایشان که همه نیروهای مجموعه‌های امنیتی را نمی‌شناسند؛ اما مثلاً دستگاه‌های نظامی به ایشان نفراتی را معرفی می‌کنند و ایشان با بررسی آن فرد اقدام به انتصاب به مسئولیت می‌کنند. برای نمونه، در نیروهای مسلح بیشتر احکام با پیشنهاد فرماندهان صادر می‌شود و این یعنی اعتماد حداکثری و نه صد درصد. از طرفی هم سازوکار نظارت بر این دستگاه‌ها و سازمان‌ها هم مشخص است که در هر مجموعه حفاظت اطلاعات ایجاد شده، هم در نیروهای مسلح و هم در وزارت اطلاعات و قوه قضائیه و... همگی در کنار دستگاه اطلاعاتی، حفاظت اطلاعات هم دارند. همگی هم در حوزه جامعه اطلاعاتی قرار دارند و خود مجموعه رهبری هم دفاتری برای مدیریت این مجموعه‌ها دارند.

*** رهبر معظم انقلاب درباره اطمینان از وثاقت منابع و درست بودن اطلاعاتی که به ایشان می‌رسد، به ویژه اطلاعاتی که نهادهای امنیتی در اختیار ایشان قرار می‌دهند، چگونه عمل می‌کنند؟**

خود آقا از چندین تیم کارشناسی برای تصمیم‌گیری و کسب اطلاعات استفاده می‌کنند. تجربه هم نشان داده است اگر یک یا دو گزارش درباره مسئله‌ای به حضرت آقا بدهند، ایشان صرفاً بر اساس همان اطلاعات تصمیم نمی‌گیرند.

مثلاً قتل‌های زنجیره‌ای یک موضوع مورد توجه بود. در آن دوره خاص نظام دچار چالشی جدی در حوزه امنیتی شد و بخشی از افراد امنیتی و با تحلیل‌های خاص رفتند و یکسری قتل‌هایی را مرتکب شدند، مثلاً به ذهن‌شان رسیده بود که برخی از عناصر نهضت آزادی و ملی-مذهبی‌ها مثل کنه چسبیده‌اند به تن نظام و تن دوم خردادی‌ها و باید اینها را از بین برد تا جناح دوم خرداد خالص و بی‌پیرایش شود و ناخالصی‌هایش پاک شود که این تصمیم خیلی نابخردانه، غیر مسئولانه و خودسرانه بود. اخبار این اقدام علنی شد و آقا آمدند در نماز جمعه صحبت کردند و دستور اکید برای پیگیری دادند که ما حتماً این را حل می‌کنیم. تیم بازجویی رفتند و فعال شدند و پس از یک مدت گزارشی به آقا دادند و آقا این گزارش را قبول نکردند. نه اینکه بگویند این را قبول

ندارند، سکوت کردند و بعد گفتند تیم دیگری دوباره پرونده را پیگیری کند. این تیم دوم هم نتیجه بازجویی‌هایش را تقدیم آقا کردند، بازم از نظر آقا قانع‌کننده نبود و نتوانستند آقا را مجاب کنند. تیم سوم مسئول این کار شد که با توجه به بررسی‌های جدید و جمع‌بندی بررسی‌های تیم اول و دوم گزارش خود را کامل‌تر و جامع‌تری را تنظیم کردند و خدمت آقا ارائه دادند. آقا بعد از این گزارش نظر قطعی خود را دادند و صحبت قطعی خود را کردند. آن موقع رئیس دولت آمد و برخورد کرد. آقا در مباحث مختلف و در مقاطع گوناگون به یک گزارش اتکا نمی‌کنند؛ بلکه بنا دارند گزارش‌ها را از جوانب و مراکز مختلف بگیرند تا به جمع‌بندی کامل‌تر و دقیق‌تری برسند.

*** با این اوصاف منابع اطلاعاتی ایشان چگونه است؟**

منابع اطلاعاتی ایشان هم همان تیم‌های قابل اعتماد ایشان هستند که این البته به جز منابع اطلاعاتی رسمی است. افراد شاخص در دفتر ایشان دارای اشراف اطلاعاتی و تحلیل در مسائل امنیتی هستند.

افزون بر اینکه، با بسیاری از کارشناسان امنیتی و اطلاعاتی ارتباط دارند و هماهنگ هستند. این ارتباطات هم تشکیلاتی است و هم غیر تشکیلاتی و حضرت آقا هم به تشکیلات خود اعتماد دارند. در کنار آن خود حضرت آقا هم گاهی بدون اتکا به منصوبان خود با توجه به شناختی که دارند یک تیم را مأمور می‌کنند در یک ماجرابی، مثلاً در ماجرای نماینده و بررسی‌کننده می‌گمارند. در حصر آقای منتظری، آن موقع آقا فردی را از درون سیستم امنیتی مشخص کردند که در بحث رفع حصر آقای منتظری بیاید جمع‌بندی‌های خودش را اطلاع دهد. آقا به صورت غیر رسمی از دستگاه رهبری چه از درون آن سیستم و چه خارج از آن شخص یا اشخاصی را مأمور می‌کنند که بروند و بررسی کنند و بعد بیابند نظر دهند. اما نکته دیگر درباره منابع اطلاعاتی ایشان این است که رفتارشناسی ایشان در حوزه‌های مختلف نشان‌دهنده این است که در حوزه فرهنگی اصلاً به محدودیت و بیکارچسبازی مراکز فرهنگی اعتقاد ندارند و معتقدند باید سلاقی فرهنگی متعدد در قالب‌های گوناگون در کشور حضور داشته باشند. ایشان همان‌طور که برای حوزه دستگاه‌های فرهنگی اعتقاد

به تکثر دارند، در حوزه مسائل اطلاعاتی هم همین‌طور است. از این رو ما با جامعه اطلاعاتی متشکل از سیستم‌های امنیتی متکثر، چندگانه و موازی روبه‌رو هستیم. نمونه بارزش وزارت اطلاعات است که در کنار آن به صورت موازی سازمان اطلاعات سپاه قرار دارد. شما اطلاعات ناجا و حفاظت اطلاعات ناجا، اطلاعات ارتش و حفاظت اطلاعات ارتش، اطلاعات سپاه و حفاظت اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات و... را دارید که ممکن است همه روی یک پروژه کار کنند؛ اما هر کدام هم گزارش جداگانه به آقا بدهند و بعد حضرت آقا تصمیم بگیرند. این خاصیت منابع اطلاعاتی متکثر است. البته در کل دنیا این تکثر پذیرفته شده است و عمده کشورهای موفق اطلاعاتی، این تکثر را دارند. آمریکا، انگلیس و حتی رژیم صهیونیستی هم همین‌طور است.

*** سناریوهای پیش‌دستانه یکی از کارهایی است که دستگاه‌های اطلاعاتی به جهت جریان دادن به مسائل از آن استفاده می‌کنند، بر این اساس آیا این اقدامات با نظر مستقیم رهبر معظم انقلاب است یا خیر؟**

سناریوهای پیش‌دستانه مهم است. درباره اینکه آیا حضرت آقا از این سناریوها مطلع هستند یا نه، باید گفت که نه لازم است و نه مصلحت. آقا حکم کلی برای امنیت کشور می‌دهند و با توجه به اینکه امنیت کشور اولویت درجه اول ایشان است، نسبت به آن هم حساس هستند. پس هر سناریوی پیش‌دستانه مراکز اطلاعاتی لازم نیست که به آقا عرضه شود. آقا هم این را نمی‌خواهند. مگر در یک شرایط ویژه و با اولویت بالا. ایشان دست مراکز اطلاعاتی را باز گذاشته‌اند؛ بر این اساس هم مسئولان اطلاعاتی عمدتاً در حد اجتهاد هستند که شرعیات را هم تشخیص می‌دهند. مراکز اطلاعاتی اقدامات خوبی انجام داده‌اند؛ به خصوص در فضای مجازی و مقابله با اقدامات روانی دشمن در فضای مجازی و ماهواره که ابعاد آن در بلندمدت مشخص خواهد شد.

□ **محمد رضا قضایی** / شیعیان

کوفه از امام حسین(ع) دعوت کردند تا به کوفه بیایند و امامت مردم کوفه را به عهده بگیرند. امام(ع) مسلم بن عقیل را به عنوان امین و معتمد خود به سوی کوفه فرستاد تا درباره نیت حقیقی مردم تحقیق کرده و حضرت را از اوضاع کوفه با خبر کند. جناب مسلم در فقاقت و شجاعت و عمل به دستورات دین در بالاترین درجات قرار داشت. جنگ آوری که صدها نفر مانند مختار در رکابش سرباز کار آموزی بیش نبودند. تبعیت ایشان از امام بود و تقوایش. او را انیس و مونس حضرت امام حسین(ع) قرار داده بود تا جایی که امام(ع) در نامه به مردم کوفه می فرماید: «برادرم را به سوی شما می فرستم...»

ایشان روز پنجم شوال سال ۶۰ هجری وارد کوفه شدند. در تاریخ تعداد بیعت کنندگان از ۱۲ هزار تا ۳۰ هزار نفر آمده است. مردم به زبان خواهان حضور امام(ره) بودند، اما در دل پسی این بیعت نماندند. برخی از بزرگان و فقهای کوفه که از مکنونات قلبی مردم کوفه خبر داشتند، غیر مستقیم به تفاوت بیان و عمل مردم کوفه اشاره کردند. در یکی از تجمعات، عابس برخاست و گفت: «اما بعد، من از طرف مردم، سخن نمی گویم و نمی دانم در درون آنها چه می گذرد و تو را درباره آنان نمی فریبم. به خدا سوگند، از آنچه خودم را بر آن آماده کرده‌ام، سخن می گویم، هرگاه مرا فسخا بخوانید، شما را اجابت می کنم و به همراه شما با دشمنان تان می جنگم و با شمشیرم از شما دفاع می کنم تا خدا مرا ملاقات کند و از این کار، چیزی جز رضای خدا نمی خواهم.» سپس حبیب بن مظاهر همین سخنان را بیان کرد.

تفاوت میان گفتار و عمل نقطه ضعفی بزرگ در تاریخ مسلمانان صدر اسلام بود. پابند نبودن بر اصول شریعت و عدم اعتماد و دلدادگی به فرستاده امام حسین(ع)، موجب وادادگی در برابر دشمن شد و غربت و شهادت حضرت مسلم(ع) را رقم زد.

تاریخ حماسه

بر فراز از تقاعا میمک

□ **حسین معینی** / یکی از عملیات‌های مهم دفاع مقدس پس از خیبر، در ۲۵ مهر ۱۳۶۳ انجام شد که به عملیات «عاشورا» شهرت یافت و در پی آن بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی در استان ایلام بازپس گرفته شد. در قرارداد «۱۹۷۵ الجزایر»، خط‌الرأس ارتفاعات «میمک» به عنوان مرز ایران و عراق تعیین شد. سپس کمیته‌های مشترک دو کشور برای تهیه اسناد لازم و میله‌گذاری مرز گفت‌وگو کردند. این گفت‌وگوها که به کندی انجام می‌شد، تا آستانه وقوع انقلاب اسلامی به نتیجه تعیین کننده‌ای نرسید و در این میان، رژیم عراق که به تعیین قطعی مرزها تمایلی نشان نمی‌داد، با پیروزی انقلاب اسلامی زمینه را برای ملغی شدن قرارداد مذکور فراهم کرد و در روز ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ با حمله به میمک، پس از دو روز آن را به تصرف خود درآورد.

چهار ماه بعد، یعنی روز ۱۹ دی ۱۳۵۹، طی عملیات «ضرب الثقلان»، اگر چه دشمن از ارتفاعات میمک عقب رانده شد، اما شمال و غرب این منطقه همچنان تحت اشغال او بود. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه عملیات «عاشورا» به منظور آزادسازی ارتفاعات شمال میمک و نیز دامنه غربی آن طراحی شد و به اجرا درآمد.

از غروب روز ۲۵ مهر ماه سال ۱۳۶۳، نیروها به طرف اهداف خود حرکت کردند. درگیری با دشمن با رمز «یا ابا عبد الله الحسین(ع)» حدود ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه بامداد در محور میانی (فصل) آغاز شد و در نهایت پس از چند روز درگیری بین دو طرف، مواضع متصرفه تأمین شد و عملیات عاشورا با موفقیت به اهداف خود رسید.

برداشت نادرست از قرآن



ما «هشتم شوال» را سالروز تخریب قیور ائمه بقیع(ع) می‌نامیم. جریانات امروز تکفیری‌ها ادامه همین حرکت حوادث در عالم اسلام است. ریشه‌اش به کجا برمی‌گردد؟ آیا برمی‌گردد به سال تخریب قیور ائمه بقیع(ع) یا برمی‌گردد به قرن دوازدهم افکار محمدبن عبدالوهاب که وهابیان از او گرفته‌اند یا نه بالاتر برمی‌گردد به قرن هشتم افکار ابن تیمیه یا نه برمی‌گردد به زمان خوارج دوران امیرمؤمنان علی(ع) و حرکت‌هایی که خوارج داشتند در برابر امیرمؤمنان علی(ع) و یا حتی بالاتر، رگه‌های این حرکت را ما در زمان خود پیامبر(ص) می‌دیدیم. ابتدا

مطلب اول اینکه حساب تکفیری‌های امروز و در طول تاریخ از حساب عموم مسلمان‌ها جداست. بدون مبالغه بیش از صد کتاب در رد افکار ابن تیمیه یا محمدبن عبدالوهاب وهابی‌ها از سوی اهل سنت نوشته شده. علمای معاصر ابن تیمیه گفته‌اند این افکار خطرناک است. تمام قاضیان عصر ابن تیمیه، او را محکوم به زندان کردند. ابن طور خشونت، ابن طور قتل و غارت، ابن طور بدنام کردن اسلام و مسلمان‌ها الا آن نظیر چیزهایی است که امروز به اسم داعش داریم می‌بینیم. همه از آنها ابراز نفرت دارند و ابراز برات می‌کنند؛ بنابراین ابن تیمیه را در زندان انداختند و در زندان مرد. خود محمدبن عبدالوهاب وقتی افکار خودش را در قرن دوازدهم مطرح کرد، اول کسی که با او مخالفت کرد، پدر و برادرش بودند. اول کتابی که در رد وهابیت یعنی در رد محمدبن عبدالوهاب نوشته شده توسط برادرش سلیمان بن عبدالوهاب است. این کتاب الصواب الالهیه فی رد علی الوهابیه نام دارد؛ بنابراین حساب اینها جداست. اگر تاریخ را بررسی کنیم، در عراق، در سوریه، در مصر و اینها می‌دانید وهابی‌ها و تکفیری‌ها قائل به گنبد و بارگاه و زیارت و توسل و مرقد نیستند. اینها مخالفند و می‌گویند شرک است، کفر

در آینه تاریخ

آیتالله العظمی مکارم‌شیرازی می‌گوید: «وهابیت» معنی کلمه «مع» در آیه «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» را نمی‌فهمد. وهابیان در حالی که مسئله توسل، شفاعت و زیارت قیور مردگان را درک نمی‌کنند آن را انکار می‌کنند. «محمدبن عبدالوهاب» پیشوای این فرقه، مسلمانانی را که قائل به سه امر مذکورند با توجه به آیه هجدهم سوره یونس از بت‌پرستان زمان جاهلیت بدتر می‌داند؛ در صورتی که شیعیان، امامان خود را عبادت نمی‌کنند، بلکه به ائمه اطهار(ع) توسل می‌جویند.

جنایت وجه مشترک جریان تکفیری و وهابیت

گفتاری از حجت‌الاسلام سیدحسین حسینی‌قمی



است. خیلی‌ها به مدینه مشرف شدند. وقتی ما وارد قبرستان بقیع می‌شویم انصافاً عدد ما شیعیان در آنجا نسبت به عدد بقیه مسلمان‌هایی که با علاقه برای زیارت در همین فضایی که تخریب کرده‌اند، می‌آیند ناچیز است و عدد ایرانی‌هایی که می‌روند برای زیارت گم می‌شود. من یک عبارت جالبی عرض کنم. کتاب تاریخ بغداد بیست جلد است که نویسنده آن یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. مجال است در کتابخانه‌های از کتابخانه‌های اهل سنت بروید و این کتاب نباشد. حدود هفتصد سال پیش شرح حال مرزاها و علمایی که در بغداد زندگی می‌کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند، بیان شده که من یک نمونه‌اش را می‌خوانم؛ این جلد اول، صفحه ۱۲۰ است. می‌نویسد کسی بود به نام ابی علی خلیل شیخ الحنابل، بزرگ حنبلی‌ها. این بزرگ حنبلیه می‌گوید «ما هفتی أمر فقصمت قبر موسی بن جعفر فتوشلت به إلا سهل الله تعالی لی ما أحب». هر وقت مشکلی برای من پیش می‌آمد، من متوسل به قبر حضرت موسی بن جعفر می‌شدم و حاجتم برآورده می‌شد، شما فکری می‌کنید زیارت قیور رفتن و توسل فقط برای ماست؟ نکته دوم اینکه ما امروز می‌گوییم تخریب قیور ائمه بقیع، این عبارت عبارت کوتاهی است. امروز باید گفت سالگرد تخریب بسیاری از آثار اسلامی یا تمام آثار اسلامی باقی‌مانده از گذشته در مکه و مدینه، نه فقط قبرستان بقیع و برای زیارت در همین فضایی که تخریب کرده‌اند، می‌آیند ناچیز است و عدد ایرانی‌هایی که می‌روند برای زیارت گم می‌شود. من یک عبارت جالبی عرض کنم. کتاب تاریخ بغداد بیست جلد است که نویسنده آن یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. مجال است در کتابخانه‌های از کتابخانه‌های اهل سنت بروید و این کتاب نباشد. حدود هفتصد سال پیش شرح حال مرزاها و علمایی که در بغداد زندگی می‌کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند، بیان شده که من یک نمونه‌اش را می‌خوانم؛ این جلد اول، صفحه ۱۲۰ است. می‌نویسد کسی بود به نام ابی علی خلیل شیخ الحنابل، بزرگ حنبلی‌ها. این بزرگ حنبلیه می‌گوید «ما هفتی أمر فقصمت قبر موسی بن جعفر فتوشلت به إلا سهل الله تعالی لی ما أحب». هر وقت مشکلی برای من پیش می‌آمد، من متوسل به قبر حضرت موسی بن جعفر می‌شدم و حاجتم برآورده می‌شد، شما فکری می‌کنید زیارت قیور رفتن و توسل فقط برای ماست؟ نکته دوم اینکه ما امروز می‌گوییم تخریب قیور ائمه بقیع، این عبارت

عبارت کوتاهی است. امروز باید گفت سالگرد تخریب بسیاری از آثار اسلامی یا تمام آثار اسلامی باقی‌مانده از گذشته در مکه و مدینه، نه فقط قبرستان بقیع و برای زیارت در همین فضایی که تخریب کرده‌اند، می‌آیند ناچیز است و عدد ایرانی‌هایی که می‌روند برای زیارت گم می‌شود. من یک عبارت جالبی عرض کنم. کتاب تاریخ بغداد بیست جلد است که نویسنده آن یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. مجال است در کتابخانه‌های از کتابخانه‌های اهل سنت بروید و این کتاب نباشد. حدود هفتصد سال پیش شرح حال مرزاها و علمایی که در بغداد زندگی می‌کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند، بیان شده که من یک نمونه‌اش را می‌خوانم؛ این جلد اول، صفحه ۱۲۰ است. می‌نویسد کسی بود به نام ابی علی خلیل شیخ الحنابل، بزرگ حنبلی‌ها. این بزرگ حنبلیه می‌گوید «ما هفتی أمر فقصمت قبر موسی بن جعفر فتوشلت به إلا سهل الله تعالی لی ما أحب». هر وقت مشکلی برای من پیش می‌آمد، من متوسل به قبر حضرت موسی بن جعفر می‌شدم و حاجتم برآورده می‌شد، شما فکری می‌کنید زیارت قیور رفتن و توسل فقط برای ماست؟ نکته دوم اینکه ما امروز می‌گوییم تخریب قیور ائمه بقیع، این عبارت

منهاج‌السنه که در پنجاه صفحه مقدمه، شیعه را با یهود و نصاری و مشابیه‌های‌شان مقایسه کرده است. اول اینکه می‌گوید «مسیحیت قائل به تلیثند؛ آب و این و روح القدس. عیسی را روح خدا می‌دانند. شیعه هم همین عالم شیعی‌ای را سراغ دارید که قائل به الوهیت ائمه باشد. دوم می‌گوید مشابیهت یهود با شیعه این است که «یهود قرآن را تحریف کردند، شیعه هم قرآن را تحریف کرده است.» این قرآنی که ما داریم با قرآن همه مسلمان‌ها فرقی دارد؟ فرق سوم می‌گوید «یهود با جبرائیل دشمن‌اند، شیعه هم دشمن است، چرا؟ چون شیعه‌ها معتقدند که جبرائیل باید وحی را و رسالت را به امیرمؤمنان(ع) می‌داد. امیرمؤمنان(ع) باید به پیامبری می‌رسید. رفت داد به خاتم‌الانبیاء. گاهی آدم این را می‌شنود، فکر می‌کند آدمی در گوشه و کناری و عوامی یک حرفی زده. متأسفانه منهاج‌السنه ابن تیمیه را این تکفیری‌ها و داعشی‌ها و وهابی‌ها می‌پرستند؛ اگر بگوییم از قرآن برای‌شان بالاتر است مبالغه نکرده‌ام. آن وقت این هزار تا بیست هزار نفر گفته‌اند. گفتند خزانن حرم سیدالشهداء را به غارت بردند. نوشته‌اند بعد از جنگ حسین پیامبر(ص) مشغول تقسیم غنایم بودند. داستان را در تفاسیر اهل سنت و شیعه و همه تاریخ‌بینند ذیل آیه ۵۸ سوره توبه «مَنْ يَمُؤْكَ مِنْ يَلْمُوكَ فِي الصَّدَقَاتِ» حرف پنجم می‌گوید باز یک کسی به حضرت خرده گرفت: اعدل یا محمدا! حضرت را هم با اسم صدا زد. گفت: با عدالت تقسیم کنید. پیامبر نگاهی کردند و فرمودند: با عدالت تقسیم می‌کنم. بار دوم گفت: اعدل. حضرت فرمودند: من دارم با عدالت تقسیم می‌کنم. اگر من با عدالت تقسیم نکنم و رفتار نکنم؛ پس چه کسی با عدالت رفتار می‌کند؟ شما پیامبر را به عنوان نبی قبول دارید. پیامبر را به عنوان یک رسول قبول دارید، آن وقت به عدالتش شک می‌کنید؟ کسی آنجا بود، گفت: یا رسول‌الله اجازه می‌دهید من مجازاتش کنم؟ حضرت فرمود: نه رها کن. ابن تیمیه کتابی دارد به نام

بوطالب، ملارد بزرگوارش فاطمه بنت اسد، همسر بزرگوارش ابالبین(س) را هم از بین بردند؛ فقط می‌گویند آثار اسلامی در مکه و مدینه، نه فقط قبرستان بقیع و برای زیارت در همین فضایی که تخریب کرده‌اند، می‌آیند ناچیز است و عدد ایرانی‌هایی که می‌روند برای زیارت گم می‌شود. من یک عبارت جالبی عرض کنم. کتاب تاریخ بغداد بیست جلد است که نویسنده آن یکی از علمای بزرگ اهل سنت است. مجال است در کتابخانه‌های از کتابخانه‌های اهل سنت بروید و این کتاب نباشد. حدود هفتصد سال پیش شرح حال مرزاها و علمایی که در بغداد زندگی می‌کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند، بیان شده که من یک نمونه‌اش را می‌خوانم؛ این جلد اول، صفحه ۱۲۰ است. می‌نویسد کسی بود به نام ابی علی خلیل شیخ الحنابل، بزرگ حنبلی‌ها. این بزرگ حنبلیه می‌گوید «ما هفتی أمر فقصمت قبر موسی بن جعفر فتوشلت به إلا سهل الله تعالی لی ما أحب». هر وقت مشکلی برای من پیش می‌آمد، من متوسل به قبر حضرت موسی بن جعفر می‌شدم و حاجتم برآورده می‌شد، شما فکری می‌کنید زیارت قیور رفتن و توسل فقط برای ماست؟ نکته دوم اینکه ما امروز می‌گوییم تخریب قیور ائمه بقیع، این عبارت

منبع: samtekhoda.tv.ir

معرف و تاریخ صادق

ثبات قدم در راه حق -۱۲

□ **سیدحسین خامنی‌خوانساری** / در بحث‌ها به اینجا رسیدیم که اگر برای مؤمن ثبات وجود داشته باشد، نشاط و سرزندگی در دینداری و احقاق حق هم به وجود می‌آید. در دعای منسوب به امام سجّاد(ع) معروف به مناجات «تجلیه» آمده است: «ای پروردگار جهان! و ای فرمانروایان! و ای بخشنده‌ترین بخشندگان، از تو می‌خواهم که من در شهادت‌ها، با عدالت‌ترین شهادت‌ها و در عبادت‌ها، با نشاط‌ترین عبادت‌ها را داشته باشم.» اهمیت نشاط در عبادت و بندگی به دلیل آن است که انسان دلش به حمایت و هدایت خداوند گرم است و از هیچ سختی و خستگی در این جهان نگرانی ندارد. خداوند خود شاهد این نشاط در راه بندگی است و به این نشاط مؤمنان جزای خیر می‌دهد. کسی که در راه دین به ثبات رسیده و تزلزلی ندارد، در اجرای احکام الهی برای خودش نیز سختگیر است و حدود الهی را رعایت می‌کند. اگر در جایگاه کارگزار اسلامی ظاهر شود، بر اجرای حدود الهی جدی و کوشا است و با این دقتش مؤمنان را نیز از مشکلات و سختی‌ها دور می‌کند. یک کارگزار و یک مدیر در کشور دینی بر اجرای احکام دین در کشور حساس است و با آگاهی و توجه به اجرای درست احکام مردمش را از بی‌بندوباری و بی‌قیدی و بی‌دینی دور می‌کند. حضور دین در جامعه، یعنی ایجاد علاقه به خدا، به صورتی که اگر عده‌ای به معارف دینی آشنا نبودند هم با رفتار درست یک مسئول به دین علاقه‌مند شوند. پیامبر اسلام(ص) و امیرمؤمنان علی(ع) برای نشر معارف و اشاعه دین چنان مستحکم بودند که هیچ حکمی از احکام الهی را رها نکرده و برای خوش‌آمد دشمنان آن را تعطیل نکردند. از سویی رفتار پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) مردم را جذب به اسلام و علاقه‌مند به دین می‌کرد. مردم دوست داشتند همانند رسول خدا(ص) زندگی کنند و رفتار او را الگو قرار می‌دادند. هرچند دشمنان دین هم از نمی‌نشستند و کارشکنی‌های خودشان را داشتند. غیرت دینی به این معناست که آدمی با مشاهده خلاف شرع، بی‌تفاوت نباشد و وقتی می‌بیند برخلاف قانون اسلام عمل می‌شود و ضد ارزش‌ها ارزش و ارزش‌ها ضد ارزش می‌شود، بی‌خیال و بی‌قید نباشد. غیرت دینی از نشانه‌های استحکام در دین و حق است. امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «ای مؤمنان! هر که تجاوز را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار نماید، خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند، پادشاه داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار منکر و باطل برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، همانا او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است» غیرت‌مندان و ثابت‌قدمان با دیدن اجرای احکام در جامعه خشند و با دیدن اجرا نشدن احکام متأثر می‌شوند و این خشندی و تأثر هم به خاطر خدا است. پیامبر(ص) می‌فرمایند: «لا یحق العبد حقیقه الا یمان حتی یغضب لله و یرضی الله» انسان در صورتی به حقیقت ایمان نائل می‌شود که خشم و رضایش برای خدا باشد. کسی که غیرتمند به دین است، برای وجود دین در جامعه تلاش و جهاد می‌کند و از همه دارایی خود می‌گذرد تا مردم در لوی دین آسایش داشته باشند. امام حسین(ع) درباره فلسفه قیام‌شان می‌فرمایند: «من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرامی‌خوانم. سنت مرده و بدعت زنده شده است.»

جام جهان نما

□ **محمد گنجی** / کشور کهن مصر، از حدود هشت هزار سال پیش، مسکونی و از ۶۵۰۰ سال پیش، دارای حکومت مرکزی بوده است. بیست سال پس از ظهور اسلام، مسلمانان این کشور فتح کردند. در سال ۹۶۹م، فاطمیان، مصر را به تصرف درآوردند و این کشور را به تدریج مرکز خلفای فاطمی شد. در سال ۱۱۷۲ م، ایوبیان سلسله فاطمیان را سرنگون کردند و در اوایل قرن شانزدهم، عثمانی‌ها بر مصر مسلط شدند.

نخستین رویارویی سرزمین‌های اسلامی با استعمار حمله ناپلئون به مصر است. اشغال سه ساله این سرزمین (۱۷۹۸-۱۸۰۱ م) که تحت حاکمیت عثمانی قرار داشت، نقطه عطفی در تاریخ معاصر مسلمانان به شمار می‌رود. این حرکت تقریباً نقطه آغاز هجوم استعماری غرب در همه ابعاد و جوانب به جهان اسلام بود. ناپلئون نیز بعد از وقوع انقلاب فرانسه، با دو چهره و رویه استعماری و کارشناسی، نماینده تمام عیار تمدن جدید غربی شد و به شخصه در سال ۱۷۹۶ م، به بعد علاقه و دل‌بستگی خاصی به شرق پیدا کرد.

در سال ۱۸۰۵ م، پس از آنکه قوای مشترک عثمانی و انگلیس مصر را از اشغال چند ماهه ناپلئون خارج کردند، حکمرانی این کشور به محمدعلی پاشا سپرده شد که وی و جانشینانش تحت عنوان خدیو، حکومت مستقل مصر را در اختیار داشتند. بی‌کفایتی خدیوهای مصر در اواخر قرن نوزدهم، سبب نفوذ روزافزون انگلیس در مصر شد تا اینکه دولت انگلیس در پی شورش مردم، در بندر اسکندریه مصر، نیرو پیاده کرد. در اوایل جنگ جهانی اول، انگلیس، مصر را تحت‌الحمایه خود اعلام کرد. ادامه مبارزه مردم مصر، به ویژه پس از جنگ، منجر شد تا انگلیس در ۲۸ فوریه سال ۱۹۲۲، استقلال مصر را به رسمیت بشناسد.

بریتانیا به رغم دادن استقلال ظاهری به مصر، تحت حکومت سلطان فؤاد اول در ۱۹۲۲، کنترل سیاست خارجی و دفاع نظامی مصر را همچنان در اختیار داشت. همچنین سواحل کانال سوئز را به اشغال خود درآورد و تسلط بریتانیا بر مصر، تحت پیمان ۱۹۳۶ انگلستان-مصر از نو تثبیت شد.

در این دوران سسیاه، انگلیسی‌ها در مصر به جنایات گوناگونی پرداختند که معمولاً تنها بخش محدودی از آن ثبت شده است. یکی از این جنایات که به ماجرای دینشای در تاریخ مصر مشهور است در سال ۱۹۰۶ رخ داد که مایه تحقیر و خفت شدیدی برای مصریان شد. ماجرا از این قرار بود که میان گروهی از سربازان انگلیسی، که در حوالی دلتای نیل به شکار کبوتر مشغول بودند و روستاییان دینشای نزاعی در می‌گیرد. چند افسر زخمی می‌شوند و یکی از آنها بر اثر «شوک» و آفتاب‌زدگی می‌میرد. سربازان انگلیسی به تلافی، یک روستایی را می‌کشند، سپس ۵۲ روستایی را دستگیر می‌کنند. در محاکمات که به ریاست وزیر عدلیه مسیحی، پطرس پاشا غالی ترتیب می‌دهند، چهار نفر از روستاییان به مرگ و بقیه به حبس با اعمال شاقه محکوم می‌شوند و روز بعد با نمایشی از بی‌رحمی و قساوت، حکم اجرا می‌شود. انگلیسی‌ها در دوران حضورشان بخشی از آثار تمدنی مصر را تخریب کردند و بخشی از آن را به غارت بردند. گوستاولویون در کتاب تمدن اسلام و عرب می‌نویسد: «انهام اینبه تاریخی با مهارت خاصی انجام می‌شود؛ به طوری که در بخشنامه‌ها نامی از عامل اصلی یعنی انگلیسی‌ها دیده نمی‌شود. برای تسریع در کار احداث یادگان‌ها دستور خراب کردن پنج ساختمان تاریخی قاهره را صادر کردند.»

نمونه دیگر، سرقت «سوزن کلتوپاترا» از سوی «جیمز دیکسون» است. ماجرا به «ابلیسک» یکی از سمبل‌های فراماسونری اشاره دارد که از قرن ۱۶ که بعد در میدان‌های مهم شهرهای بزرگ جهان نصب شده است. ابلیسک که نشانه‌ای از بافومت، خدای بزرگ فراماسون‌ها دارد، نمادی است که در گذشته در مصر باستان حضور داشته و یکی از نمادهای شیطانی محسوب می‌شود. ابلیسک، درون استوانه مخصوص فلزی قرار گرفت و به وسیله قایق به انگلستان پدک‌کشی شد. در نهایت این اثر زیبا و تاریخی، در سال ۱۸۷۸، روی دیوار خاکی «ودخانه تیمز» افراشته شد؛ تنها یک سال بعد از قراردادی که «دیکسون» برای آوردن آن از مصر بسته بود.

بررسی نظرات موافقان و مخالفان نظام ریاستی و پارلمانی در شورای بازنگری قانون اساسی-۲

نگرانی‌ها از تمرکز قدرت

اقتدارات به رئیس‌جمهور سپرده شده و رئیس‌جمهور در انتخابش باید آرای قاطع مردم را در اختیار داشته باشد تا بتواند مجری این نوع حاکمیت با این نوع وسعت باشد و اما در عین حال برای مهار کردن قدرت اجرایی رئیس‌جمهور شیوه‌هایی انتخاب می‌شود که رئیس‌جمهور کنترل بشود و رئیس‌جمهور مسئول باشد. کیفیت مسئول بودن رئیس‌جمهور هم به شیوه‌های مختلف عمل می‌شود که من برای اختصار فقط اشاره می‌کنم و بعضی از نظام‌های سیاسی امروز در دنیا با دست‌کاری این مدل، با کم‌رنگ کردن، بر رنگ کردن مسئولیت‌ها امروز در دنیا متداول است. لزومی هم ندارد اسم برده بشود.

مدل دوم نظام کابینه‌ای یا نظام پارلمانی هست که در این نظام عمدتاً مسئولیت‌ها متمرکز در قوه مقننه است و این قوه مقننه است که بر حسب اکثریت کرسی‌های نخست‌وزیر را معین می‌کند و نخست‌وزیر کلیه مسئولیت‌های اجرایی را بر عهده می‌گیرد و به وسیله مجلس وزرا انتخاب می‌شوند و کاملاً وزرا را نخست‌وزیر با انتخاب مستقیم مردم به عنوان نماینده و انتخاب مستقیم مجلس به عنوان نمایندگان مردم به این سمت‌ها برگزیده می‌شوند و هیئت‌وزیران در برابر مجلس کاملاً مسئول هست. اما برای اینکه توازن و تعادل قوا برقرار بشود و دو قدرت یعنی قوه مقننه و مجریه تصادم‌های احتمالی آینده‌شان برطرف بشود، در برابر اختیار تامی که به قوه مقننه داده شده است که در انتخاب اعضا و مسئولان قوه مجریه مستقیماً وارد عمل بشود، به رئیس قوه مجریه یعنی نخست‌وزیر اختیار فوق‌العاده‌ای داده می‌شود که حتی در بعضی از نظام‌ها تا انحلال و منحل کردن مجلس هم پیش می‌رود صرفاً برای تعادل قوا و توازن بین دو قوه مجریه و قضائیه.

الآن تفاوت‌های بسیاری بین رژیم‌ها و نظام‌هایی که از این دو نوع و از این دو مدل انتخاب شده و یا از اینها پیروی کرده‌اند وجود دارد ولی عمدتاً در این دو محور است که با قوه مجریه

□ **نمی‌شود روی شخصیت‌ها و افراد حساب کرد که افراد، افراد برجسته، افرادی هستند که با روی نفس و نفسانیات‌شان و ابستگی‌های شیطانی و درونی ندارند، روی افراد نمی‌شود حساب کرد و قانون را روی افراد تنظیم کرد**

امروز در جهان یک شیوه در نظام قوه مجریه به نام نظام ریاستی معروف و متداول است که کلیه اختیارات، اقتدارات و حاکمیت در قوه مجریه به رئیس‌جمهور تفویض می‌شود و رئیس‌جمهور مسئول کلیه مسائل اجرایی در سراسر کشور است یا نخست‌وزیر وجود ندارد یا اینکه اگر وجود هم داشته باشد یک مسئولیت‌های تشریفاتی محدودی دارد و حتی در بعضی از این نظام‌ها وزیر رئیس‌جمهور عمل می‌کنند و اگر هم عنوان وزیر دارند، این عنوان به صورت خاصی است که کارگزار مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری است.

البته در این نظام بیشترین مسئولیت‌ها



زندگی

سفر بر هر درد بی‌درمان داوست

□ **محبوبه ابراهیمی** / سبک زندگی مدرن، با دوندگی‌ها و روزمرگی‌های تکرار‌اش برای همه‌مان آشناست. کار و فعالیت دائمی، فشارهای روحی و جسمی و استرس‌هایی که حالا بخشی از زندگی‌مان شده‌اند، همه حاصل همین نوع زندگی است که کم و بیش با آن درگیریم. این دوندگی‌ها و ناآرامی‌ها، به تدریج روح و جسم‌مان را خسته و افسرده می‌کند و اثری از نشاط و سلامتی در وجودمان باقی نمی‌گذارد. به دقت که به اطرافمان نگاه کنیم، همین حالا هم این روند وارد زندگی‌مان شده و خیلی‌ها در آرزوی فرار از آن هستند؛ مادرها از تکراری شدن روزها و بی‌حوصلگی‌های‌شان گلایه دارند؛ پدرها در ترافک کسب‌وکارهای متعدد اسیر شده‌اند و به اجبار، ساعت‌های طولانی دور از خانه و خانواده هستند. پنجاه‌ها هم بعد از نه ماه تحصیل و دوندگی، وارد فصل تعطیلات شدند و در انتظار یک تنوع و تحول اساسی هستند. انگار خستگی‌ها و دوندگی‌ها وقتی به این حد نفس‌گیر می‌شوند، دیگر کار از پارک و شهربازی و بوستان و سایر سرگرمی‌ها می‌گذرد. فقط روزمرگی‌ها نیستند که باید از آنها گریخت؛ بلکه باید شهر را با همه هیاهو و شلوغی‌هایش رها کرد و با کوله‌باری ساده راهی جاده شد. فرقی ندارد مقصد کجا باشد و سفر چند روز… مهم جابه‌جا شدن از مکان همیشگی و دور شدن از تکرارهاست که می‌توان امید داشت حس نشاط و شادابی را به انسان برگرداند. در سفر، افراد خانواده فارغ از دغدغه‌ها، فرصت یک دورهمی متنوع را می‌یابند و می‌توانند به حس خوب مشترک برسند. همین حس مشترک، مقدمه صمیمیت و دلبستگی آنها می‌شود و بیبوند و بنیان خانواده را محکم‌تر می‌کند؛ یعنی می‌توان نقش خانواده را که در عصر تکنولوژی و در میان شلوغی‌های کار و تنش‌های فکری گم شده، با مسافرت احیا کرد. کافی است خانواده گردشی جمعی را انتخاب کنند تا با تجربه‌های جدید و خاطرات به یاد ماندنی، به این مقصد بزرگ برسند و لذت با خانواده بودن و دلبستگی به آن را درک کنند؛ اما علاوه بر این، سفر تأثیر بی‌نظیری هم بر سلامتی جسم و روان افراد دارد. روح آدم‌ها هم همپای جسم‌شان از زندگی صنعتی و مدرن و از این همه مشغله‌های فکری و جسمی خسته می‌شود؛ سفر علاوه بر جسم، روح را هم از فشارهای زندگی دور کرده و سبب می‌شود مدتی استراحت کند و آرامش خود را بازیابد و برای شروع زندگی دوباره، با انرژی و نشاط مضاعف آماده شوند. شاید به همین دلیل است که در تعالیم دینی تأکید زیادی بر سیر و سفر شده و آیات و روایات متعددی بر این مهم تأکید دارند و به صراحت امر می‌کنند سفر کنید تا تندرست باشید. جالب اینجاست که محققان هم پس از سال‌ها تلاش برای رهایی انسان‌ها از هیجان‌ات و ناپسامانی‌های زندگی، به همین راهکار رسیدند؛ و مسافرت را توصیه می‌کنند. تحقیقات آنها نشان داده است افرادی که سفری در پیش دارند، روزهای‌شان را شادتر از دیگران سپری می‌کنند یا از میزان افسردگی، استرس، اضطراب و خستگی‌های‌شان به شدت کاهش می‌شود. ریسک سنگین مغزی در میان این افراد کمتر است و سلامتی روحی و جسمی بالاتری را تجربه می‌کنند. همین مسئله سبب شده است روانشناسان، برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مانند افسردگی‌های دوران بارداری و پس از زایمان یا سایر بیماری‌های روحی و روانی، مسافرت را به فرد پیشنهاد دهند تا جایی که معتقدند بیماران‌شان به جای قرار گرفتن در دوره درمانی روانشناسی و روی آوردن به قرص‌های آرام‌بخش، بهتر است به دامان طبیعت پناه برده و از آرامش طبیعت لذت ببرند یا با مسافرتی ولو کوتاه، به دنبال درمان روحی باشند. در حقیقت، سفر افزون بر اینکه نقش پیشگیری و کنترل بیماری‌های روانی دارد، در درمان آنها هم مؤثر است و به همین دلیل باید جدی گرفته شود. روانشناسان معتقدند، حتی بسیاری از بیماری‌های جسمی هم ریشه روانی دارند و بر اساس این، سفر می‌تواند با دور کردن ذهن از دغدغه‌ها و مشکلات، جسم را هم از بیماری‌های گوناگون نجات دهد. با این اوصاف، مسافرت و گردش، عامل سلامتی روح و جسم است و نباید از آن غافل ماند. پس اگر از استرس‌ها و فشارهای روانی کلافه‌اید، خودتان این داروی اعجاب‌انگیز را برای خودتان تجویز کنید و مقصدی را برای سفر در نظر بگیرید؛ دیدن اقوامی که در شهرستان ساکنند، گردش در بیابان‌ها و طبیعت‌های متنوع کشور، بازدید از مناطق توریستی و تفریحی و تاریخی شهرهای مختلف، دریای جنوب و جنگل‌های شمال یا زیارت گنبدی به درخشندگی آفتاب، همه و همه مقصدهای خوبی برای دل به جاده زدن هستند؛ به ویژه در این روزهای بلند و دلنشین تابستان که لذت گردش و سیاحت را صد چندان می‌کند؛ طرح یک سفر کوتاه را بریزید و با همه احساسات منفی و ناآرامی‌های روانی وداع کنید.

راه نرفته

□ **ارتباط پیامکی با جنس مخالف اشکال دارد؟**
لیلا وطنخواه
دکترای مطالعات زنان و خانواده
باید بگوییم هر گونه ارتباط عاطفی و دوستانه دختر و پسر نامحرم چه از طریق پیامکی، تلفنی، حضوری، چت و… با هر توجیهی، به قصد شناخت بیشتر از نظر شرعی اشکال دارد و جایز نیست. گفتنی است، رابطه علمی و کاری زن و مرد هنگام ضرورت، با رعایت کامل مسائل شرعی اشکالی ندارد؛ ولی آنجا هم باید بسیار مراقب بود که این رابطه شکل دوستانه و عاطفی به خود نگیرد. درباره ارتباط‌های پیامکی و تلفنی می‌توان گفت، با توجه به گرایش طبیعی دو جنس مخالف نسبت به هم، به روابط حضوری نیز منتج می‌شود و ابعاد خطرناک‌تری پیدا می‌کند که ترک آن رفتارها و نجات از آسیب‌هایش بسیار مشکل می‌شود.

اگر کسی بگوید من می‌خواهم با جنس مخالف رابطه عاطفی و دوستانه پیامکی و تلفنی داشته باشم بدون شهوت؛ از محالات است؛ چرا که اولاً به دلیل وجود غریزه جنسی که خداوند آن را در وجود هر انسان سالمی قرار داده، دو جنس مخالف به طور طبیعی به هم تمایل دارند و در رابطه‌های عاطفی، دوستانه و خارج از چارچوب به دلیل این ویژگی انسان‌ها، مسلماً شهوت وجود دارد و کسی که آن را نفی کند، تنها خود را فریب داده است؛ ثانیاً شهوت در معنای اصلی خود به معنای میل و رغبت به چیزی است و وقتی شما با اراده و اختیار خود، با جنس مخالف‌تان رابطه عاطفی و دوستانه برقرار کنید، به معنای این است که میل به این کار دارید و این میل هم به دلیل وجود همان غریزه جنسی است. پس فرض رابطه عاطفی و دوستانه دختر و پسر بدون وجود شهوت، فرض باطلی است.

بعضی‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم با جنس مخالف ارتباط داشته باشیم و حرف‌های معمولی و نرمیز و نیت بدی نداریم! به این افراد باید گفت، چرا این حرف‌های معمولی را با دوستان هم‌جنس خود نمی‌زنید؟ وقتی به درون خود رجوع کنید، می‌بینند رابطه با جنس مخالف برای‌شان لذتی دیگر دارد و این همان شهوتی است که معطوف به نامحرم است و گناه محسوب می‌شود. هر انسان عاقل و بالعی می‌داند که حتی فکر رابطه دوستانه و عاطفی با جنس مخالف(نامحرم) تحریک‌کننده است، حال چه برسد به ارتباط؛ نباید خود را فریب دهیم. البته گرایش زن و مرد نسبت به هم طبیعی است، ولی باید از راه شرعی به آن پاسخ داد که آن راه ازدواج است.

طرح پرسش: ۳۳-۰۳۰۰۹۹۰۰۳

بامحصولات‌مان به جنگ غرب برویم

□ **نسیم اسدیپور** / دعوا، کینه، داد و بیداد، عصبی بودن، بی‌توجهی به قانون و هزار معضل دیگر و هر آنچه از خصوصیات بد جامعه ایرانی هست و نیست، همه را در سه سریال ماه رمضان می‌بینید؛ ماه رضایی که قرار است پس از ۱۱ ماه دوباره هممان دل‌های تک تک‌مان شود و آرامش را به زندگی بازگرداند، اما انگار سریال‌های ماه رمضان چندان توجهی به این تناسبات ندارد.

صدا و سیما نمره خوبی در سریال‌های مناسبتی نوروزی از مخاطبان و حتی منتقدان دریافت کرد؛ اما انگار خود را برای ماه رمضان آماده نکرده بود. سریال‌های «برادر جان»، «دل‌دار» و «ز یادرفته» با سه ویژگی کاملاً مشترک، مقدمه صمیمیت و دعوا، کشمکش و کینه‌و دردلدار دعوا، عصبانیت و قتل و در «ز یاد رفته» هم تکرار همه اینها. در هر سه شلوغی و درهم ریختگی موج می‌زند. «برادر جان» سریال شبکه سوم سیما با دیالوگی خاص، به سراغ قشر میوه‌فروش رفته و حق‌خواهی یک دوست از فرزندان دوست مرحوم را داستان اصلی ماجرا کرده است. یک ماه رمضان گذشت و در این یک ماه آنچه دائم در این سریال شاهدش بودیم، جنگ، نزاع، دعوا، چاقوکنی، آتش زدن و قلندری کردن و خط و نشان کشیدن یکی برای دیگری است.

رسانه بیش از هر چیز باید مقتضیات جامعه را بشناسد
آیا این تصویر واقعی جامعه ما است؟ جامعه‌ای عصبانی که می‌خواهند با زور حق دیگری را پایمال کرده یا حق خود را بستانند؟ شاید در پاسخ ده‌های بگویند بسیاری از خانواده‌های ایرانی درگیر این نزاع‌ها هستند، چه میوه‌فروش و چه اقسنار دیگر. بله، هر داستان روایتی از زندگی برخی از افراد آن جامعه است، اما یک رسانه، یک مدیر و یک نویسنده و همچنین یک فیلم‌ساز نه موظف است و نه لازم است هر داستانی را روایت کند؛ بلکه یک رسانه

کنکاش

□ **شهناز سلطانی** / نظام آموزشی در هر کشوری نهادی با اهمیت تلقی می‌شود. آن هم به این دلیل که نقطه آغاز حرکت‌های رو به جلو محسوب می‌شود. به همین دلیل است که سرمایه‌گذاری روی آن به تضمین توسعه هر جامعه کمک فراوانی می‌کند و بالعکس جامعه‌ای که از سواد و آموزش بی‌بهره است، نقطه شروعی برای بازگشت به عقب است.

سواد آغازگر راه توسعه

نظام آموزشی در هر کشوری مسئولیت خطیبری به عهده دارد؛ زیرا مهم‌ترین وظیفه را باید انجام دهد که آن هم سوادآموزی است. سواد آموختن هم به معنای هموار کردن راه توسعه و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود؛ زیرا از این راه است که آگاهی‌نشست می‌گیرد و می‌توان گام‌های رو به جلو برداشت. «پائولو فریری» که یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران در زمینه سوادآموزی است، معتقد است: «سواد به معنای توانایی خواندن یک کلمه نیست، بلکه به معنای توانایی درک دنیاست.» بنابراین آموختن سواد گوشودن دریچه‌های جدید به زندگی است و بالعکس بی‌سوادی بسته ماندن دریچه‌هایی است که می‌تواند آغازگر راه‌های روشن باشد، ولی محقق نمی‌شود.

دکتر «کاترینا پاپویچ» دبیرکل IUCAE کنوانسیون بین‌المللی آموزش بزرگسالان و عضو کلیدی اتحادیه جهانی سواد برای همه و استاد کامل در دانشگاه بلگراد صربستان-است. او معتقد است: «در کشوری که سهم زیادی از افراد بی‌سواد هستند، هم اقتصاد فرصت رشد ندارد و هم ساختار سیاسی قدرت‌طلب و بی‌توجه به خواست‌های مردم است و این یعنی عقب ماندن سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مردم و کشور از روند رشد.» به گفته این محقق به جرت می‌توان گفت، افزایش سطح سواد سبب می‌شود مردم قدرت تفکر هدفمند خود را افزایش دهند و خود را در معرض انتخاب‌های بزرگ‌تر قرار دهند. در جامعه‌ای که سطح سواد مردم بالاتر است، احتمال تأثیر‌گذاری نیروهای افراطی از قبیل داعش کمتر است؛ زیرا مردم به درستی می‌توانند خوب و بد را

مرضیه برومند گفت: ما در زمینه عروسک فعالیت گسترده و مفیدی نداشتم و می‌گویم که چرا باری، دنیای کودکان ما را گرفته. دلپش نبود جایگزین است؛ همانند دیگر فعالیت‌های‌مان. اگر احساس می‌کنیم فرهنگ غربی‌ها در کشور ما رخنه کرده، باید با محصولات‌مان با آنها بجنگیم، اما می‌بینیم که هیچ کاری صورت نگرفته است.

بازنگاهی به مجموعه‌های تلویزیونی رسانه ملی در ماه مبارک رمضان

سریال‌ها معرف خوبی برای جامعه ایرانی نبودند!



بیش از هر چیز باید زمانه و شرایط و مقتضیات آن را بشناسد و بنا بر آن راوی زندگی اشخاص و افراد جامعه‌اش باشد. محوریت داستان بحث حلال و حرام است و این نیاز کنونی جامعه ما است؛ اما با چه داستان و روایتی و با چه نوع بیانی؟

در سریال «برادر جان» مخاطب نمی‌داند با چه اشخاصی روبه‌رو است. نمی‌توان گفت بیشتر شخصیت‌ها نه کاملاً سیاه هستند و نه سفید.

نویسنده تلاش می‌کند در شخصیتی مانند «چاووش» نکات مثبتی را هم بگنجاند؛ اما واقعیت این است که این نکات مثبت آنقدر کم‌رنگ است که بلافاصله و بدون لحظه‌ای تأمل دوباره مخاطب را به این نقطه می‌رساند که من اشتباه کرده‌ام. چاووش همان کاراکتر سیاه این سریال است و به او امیدوی نیست و از اینکه حس کرده شاید این کاراکتر هم خاکستری باشد، پشیمان می‌شود.

البته طبق نظرسنجی‌ها «برادر جان» توانسته است رضایت بیشتر مخاطبان را از آن خود کند. این را ابتدا می‌توان به دلیل بازی توانمند بازگرانی، چون علی نصیریان و حسام منظور دانست و بعد از آن، چیزی که سبب پیگیری مخاطبان شده، «داستان» است؛ داستانی پر

مرضیه برومند گفت: ما در زمینه عروسک فعالیت گسترده و مفیدی نداشتم و می‌گویم که چرا باری، دنیای کودکان ما را گرفته. دلپش نبود جایگزین است؛ همانند دیگر فعالیت‌های‌مان. اگر احساس می‌کنیم فرهنگ غربی‌ها در کشور ما رخنه کرده، باید با محصولات‌مان با آنها بجنگیم، اما می‌بینیم که هیچ کاری صورت نگرفته است.



از کشمکش، کشمکش‌هایی که به تنش‌ولو به چاقوکنشی و آتش کشیدن دیگر داد و بیداد و خشونت موج می‌زند؛ صحنه‌هایی که حتی به خاطر نویسنده از وجود قانون و پلیس در کشور بی‌خبر است یا دوست دارد تنها در زمانی که داستان نیاز دارد به مخاطب بگوید قانونی هم وجود دارد؟ سریال «دل‌دار» سریال شبکه

□ **دعوا، کینه‌سه، داد و بیداد، عصبی بودن، بی‌توجهی به قانون و هزار معضل دیگر را در سه سریال ماه رمضان می‌بینید، آیا این تصویر واقعی جامعه ما است؟ جامعه‌ای عصبانی که می‌خواهند با زور حق دیگری را پایمال کرده یا حق خود را بستانند؟**

دوم سیما است، شخصیت‌های اصلی این داستان چند جوان هستند، تعدادی باچ‌گیر، تعدادی انتقام‌بگیر و بقیه هم ساده‌لوح!

سریالی که بدش نمی‌آمد پا جای پای شب دهم بگذارد
«ز یاد رفته» نیز سریال شبکه یک سیما است؛ سریالی که بدش نمی‌آمد بتواند ماندگاری مانند سریال شب دهم یا هیابویی مانند سریال

کجاست سریالی که از این جنگ و با زبان مورد نیاز برای رویارویی با آن، با مخاطب سخن بگوید؟
آیا این سریال‌ها بازتاب جامعه کنونی ما و برگرفته از آن است و برای وضعیت کنونی ساخته شده است؟ مسلماً که برای وضعیت کنونی ساخته نشده است؛ زیرا برای این روزهای‌مان، به سریال‌هایی پر از نشاط نیاز داریم، اگر هم بازتاب جامعه کنونی ما است که وای به حال ما و جامعه‌مان! تولید و سختی‌ها و شیرینی‌های آن، طنز، شادای و خنده و امید به آینده داشتن، می‌تواند مهم‌ترین موضوعات سریالی در چنین روزهایی باشد.

تا به حال دقت کرده‌اید؟ وقتی در یک خانواده اتفاقی ناگوار رخ می‌دهد یا کمی شرایط زندگی برای خانواده سخت می‌شود، بزرگ‌تر خانواده که مسئولیتی بر عهده دارد چه می‌کند؟ قطعاً تلاش می‌کند یا شساد کردن اعضای خانواده، مسافرت، رستوران و تفریح حال و هوای فرزندان را عوض کند؛ اما انگار مدیران ما یا باور ندارند یا نمی‌خواهند باور کنند که سریال‌ها به ویژه سریال‌های مناسبتی تأثیرگذار است و می‌تواند حال ما را خوب‌تر و یا بدتر کند.

مردم دوست دارند سریال ببینند و به آینده امیدوار شوند، مردم دوست دارند طنز ببینند و استراحت کنند، اصلاً مردم دوست دارند حداقل رنگ و بویی از ماه رمضان را در سریال‌های مناسبتی این ماه حس کنند، اما این اتفاق امسال نیفتاد، حتی در یکی از این سه سریال.

در گذشته حداقل با انداختن یک سفره سحری و افطاری و پخش فرازی از دعای سحر به مخاطب می‌فهماندند ما فراموش نکرده‌ایم که سریال‌مان ماه رضایی است، امسال دریغ از این سفره‌ها، دریغ از این دعاها. برای نمونه، در «دلدار» سفره پهن می‌شود؛ اما برای ناهار و ششام، در «برادر جان» بر سر یک سفره می‌نشستند؛ اما برای خوردن دیزی نه افطاری.

کنند، خیلی زیاد است. حال تصور کنید مادری را که بی‌سواد است تا چه اندازه فرزندان او از این کاستی تأثیر می‌پذیرند و ناخواسته تا چه حد به مسدود کردن راه آگاهی و توسعه کمک می‌شود.
۹ میلیون بی‌سواد
طبق آخرین سرشماری که در کشور انجام گرفته تا دو سال قبل ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار بی‌سواد در کشور وجود دارد که البته درصد بالایی از این جمعیت را میانسالان و سالمندان تشکیل می‌دهند.

«رضوان حکیم‌زاده» معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش چندی قبل گفته بود: «پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی به ۷۰ درصد رسیده است.» این به معنای این است که اگر فکری به حال ۳۰ درصد باقی مانده نشود،

هر سال به این جمعیت بی‌سواد کشور افزوده می‌شود. کودکان بازمانده از تحصیل مسئله‌ای است نه فقط برای مجموعه نظام آموزشی، بلکه برای جامعه که به دنبال خود مسائل بیشتری هم می‌سازد. بخشی از اینها کودکان کار هستند که بنا به دلایل مختلف خواسته و ناخواسته از تحصیل و حضور در مدرسه محروم هستند. این کودکان برای امروز و آینده هر جامعه‌ای که در آن باشند، آسیب محسوب می‌شوند و هرچه زودتر باید به حال آنها فکری کرد. بخشی از این کودکان بازمانده از تحصیل به دلیل فقر فرهنگی است. در برخی از روستاها و شهرهای محروم و دورافتاده مانند برخی از مناطق سیستان و بلوچستان هنوز هم با فرستادن دختران به مدرسه مخالفت می‌شود. بخشی دیگر از بازماندگان از تحصیل کودکان معلول و ناتوان ذهنی هستند که باید به همه این گروه‌های آسیب‌پذیر توجه جدی شود. بنابراین نظام آموزشی کشور به یک بازنگری جدی در برنامه‌های پوششی خود نیاز دارد. هنر این است که ما این گروه‌های سنی را که ناتوان از رفتن به مدرسه هستند، راهی کلاس درس کنیم و سواد و مهارت شغلی بیاموزیم تا برای خودشان و جامعه مفید واقع شوند؛ وگرنه در شرایط عادی برای ورود کودکان به مدرسه محدودیتی وجود ندارد.

یادداشت

کتابخوانی مجازی!

□ **نصدا کرمانشاهی** /

صاحب‌نظران حوزه کتاب و نشر معتقدند که یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش بیش از پیش سرانه مطالعه، گسترش و همه‌گیر شدن فضای مجازی است. واقعیت هم غیر این نیست و این را به راحتی می‌توانیم در خود و اطرافیان ببینیم. همیشه گوشی‌هایمان در دستمان است و آنقدر در آنها می‌چرخیم که اگر کسی تذکری به ما ندهد، متوجه گذر زمان هم نمی‌شویم.

قطعاً این‌گونه زمان گذراندن، نه تنها از خواندن کتاب غافل‌مان می‌کند، بلکه اشتیاقی ما را هم از بین می‌برد؛ در حالی که دل‌مان را به مطالب زرد و بدون پشتوانه علمی فضای مجازی خوش کرده‌ایم. شاید در این میان کسی بپرسد مطالعه، مطالعه است؛ چه در فضای مجازی و شبکه‌های مختلف آن و چه با ورق زدن یک کتاب؛ اما واقعیت این است که این تنها توجیهی برای قصورمان در کتابخوانی است؛ زیرا مطالب موجود در فضای مجازی کاملاً سطحی و کم‌عمق؛ بنابراین خواننده آن را هم همین‌گونه تربیت خواهد کرد. افرادی که در موضوعات مختلف عمیق فکر نمی‌کنند بصیرت ندارند و بسیار گذرا از موضوعات گوناگون می‌گذرند.

یکی از ناشران در این باره معتقد است که مرور مطالب شبکه‌های اجتماعی جایگه مطالعه ندارد؛ چرا که شما نمی‌دانید آنچه در این شبکه‌ها می‌خوانید حقیقت دارد یا خیر.

آیت‌الله سیداحمد میرعمادی، نماینده ولی‌فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد در این رابطه تعبیر زیبایی دارد و می‌گوید: «هیچ مطالعه‌ای به اندازه یک کتاب مؤثر و ماندگار نیست؛ کما اینکه تأثیر آن مانند نقش بستن بر روی سنگ است، اما تأثیر مطالعه اینترنتی و فضای مجازی مانند نقاشی بر روی آب است و باقی نمی‌ماند.»

اکنون این پرسش مطرح است که برای بازگشت مردم به مطالعه چه باید کرد؟ قطعاً وظیفه تک‌تک ما در برابر خود و خانواده‌مان انکارناپذیر است؛ اما واقعیت این است که ناشران نیز باید خود را به روز کنند و این فضای مجازی را که می‌تواند تهدیدی برای تربیت سرمایه‌های انسانی کشور باشد یک فرصت بدانند.

ناشران می‌توانند با استفاده از فضای مجازی و آیتم‌های جذاب مردم را به خواندن کتاب‌های‌شان تشویق کنند؛ مانند منتشر کردن بخش جذاب کتاب، ساختن تیزر و راه‌اندازی پویش‌های مختلف کتابخوانی، چند سال پیش تیزری برای کتاب «دختر شینا» منتشر شد و بسیاری را مشتاق تهیه و مطالعه این کتاب کرد.

شاید برخی بگویند راه‌اندازی پویش راه‌حل مناسبی نیست؛ زیرا عادت‌مان می‌دهد که برای خواندن کتاب همیشه منتظر چنین تشویق‌هایی باشیم؛ اما واقعیت این است و باید بپذیریم که ضروری است از همین فضاهای مجازی استفاده کنیم و مردم را مانند بیشتر با کتابخوانی فراهم کند.

این رویداد درباره چندین کتاب رخ داد و نتیجه بسیار مطلوبی داشت؛ برای نمونه سال گذشته کتاب «جسام جهانی در جواده» برای نوجوانان در قالب یک پویش ارائه شد و اتفاقاً نوجوانان زیادی را مشتاق به تهیه و مطالعه این کتاب کرد. از طرفی فضاهای مجازی هم دائماً این

حالت که فضای مجازی این چنین زندگی‌های واقعی‌مان را تحت تأثیر قرار داده است، باید از آن برای هرچه بهتر کردن سبک زندگی‌مان استفاده کنیم تا این تهدید به فرصتی طلایی تبدیل شود.



بررسی اندیشه سیاسی سیدمحمد کاظم یزدی-۱۳ منش سیاسی و عملکرد مبارزاتی

فتح‌الله پریشان / در شماره گذشته از منظر سیدمحمد کاظم یزدی گستره اختیارات فقیه جامع‌الشرایط را بازشناسی کردیم و سیر عملی و سیاسی او که از شاگردان برجسته میرزای شیرازی بود، درس سیاست همراه با درس فقه و اصول دانستیم که سبب ورود سید به مسائل سیاسی و اجتماعی خود شد. در این راه، اهم مؤلفه‌های منش و عملکرد سیاسی سید را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱- ادعای فاعل کیان اسلامی: یکی از اصولی که سید در اعلامیه‌های خود به شدت مراقبت می‌کرد، فرق نگذاشتن میان کشورهای اسلامی بود؛ چرا که وقتی اشغالگران روسی شمال ایران و متجاوزان انگلیسی جنوب آن را تصرف می‌کنند و سید به عنوان مرجع تقلید می‌خواهد حکم جهاد بدهد و با اینکه کشور ایران زادگاه اوست و طبعاً هر کسی به زادگاه خود تعلق خاطر ویژه دارد، با این حال می‌بینیم سید در فتاوی جهاد، ابتدا اسم کشور لیبی را می‌برد و حمله ایتالیا به آن کشور اسلامی را جلوتر از اشغال ایران ذکر کرده و از مقلدان خود می‌خواهد سرزمین‌های اسلامی را از دست کفار نجات دهند. (این امر نشان از توجه زیاد سید به اصل رعایت امت اسلامی دارد. شاید سید در این فتاوی می‌خواهد به پیروانش گوشزد کند که در توجه به مشکلات مسلمانان نباید آنها را هم جدا کرد.

۲- بیگانه‌ستیزی: در مکتب سید بیگانه‌ستیزی اهمیت ویژه دارد و روی همین منش و عملکرد سیاسی اوست که در اعلامیه‌هایش از حمله کشورهای استعمارگر با نام «تهاجم صلیبی‌ها» یاد می‌کند. در حقیقت با این جمله می‌خواهد به همگان بفهماند روی آوردن جهان غرب به سوی کشورهای اسلامی، ادامه همان جنگ‌های صلیبی است که چهره عوض کرده است و این بار، از در حمله و تزویر وارد شده‌اند! بیگانه‌ستیزی سید، تنها به بُعد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه بعد اقتصادی را نیز شامل می‌شود و این نشان از عمق تفکر آن بزرگوار دارد. بر همین اساس، می‌بینیم که در راستای حکم جهاد نظامی، حکم جهاد اقتصادی و تحریم کالاهای اقتصادی را نیز صادر می‌کند.^(۱)

۳- ترویج ندادن مصلحت ظاهری به احکام دینی: به تعبیر دیگر، در مکتب سید، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند؛ بلکه برای هدف عالی باید وسایل عالی نیز یافت و از هر وسیله‌ای نمی‌توان استفاده کرد. او در هیچ یک از جنبش‌های مشروطه مشروعه و جنبش علمای شیعه بر ضد سلطه انگلستان در عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی، هیچ گاه تقید خود به این سنت را از دست نداد و تحت تأثیر جوسازی‌ها و تهدیدهای دشمن قرار نگرفت.

از همین رو ایشان حاضر نشد ولو در لوای مشروطه، به حکومت پادشاهی (یا هر حکومتی که غیر شرعی باشد؛ مانند دموکراسی غربی) مشروعیت ببخشد و آنها را تأیید کند؛ به همین دلیل بارها مورد تهدید جانی قرار گرفت و جواش همواره یکنواخت بود و آن اینکه: «جان فدا کردن نزد من آسان‌تر از امضا کردن این مشروطه است!»^(۲)

۴- تلاش در رسیدگی به ضعیفان: سید اصل رسیدگی به مستضعفان را از جدّ خود مولای متقیان، علی (ع) آموخته بود. به همین دلیل در همه مناقشات که در حیات اجتماعی مردم مربوط می‌شد، حضوری جدی داشت. این سیاست و منش، در بیشتر اعلامیه‌های او، که در دفاع از جنبش تحریم یا جنبش مشروطه یا در رهبری مبارزات شیعیان عراق و حتی زمانی که طوایف عرب (مانند دو طایفه «شمتر» و «زکرت»)^(۳) به جان هم می‌افتادند صادر می‌کرد، دیده می‌شد و او همواره تلاش می‌کرد حافظ منافع مسلمانان باشد.

دغدغه اصلی سید معیشت مردم بود و هر گاه بزرگان مملکتی به حضورش می‌آمدند، نخستین و مهم‌ترین چیزی که از آنان طلب می‌کرد، مدارا با مردم بود. نویسنده «لمعات اجتماعی» من تاریخ العراق الحديث» به خوبی این اوضاع و اهتمام علما در حل آنها، به ویژه نقش سید را شرح داده است. مرحوم یزدی در تاریخ ۲۴ محرم سال ۱۳۳۶ هـ.ق در نامه‌ای به یکی از تجار نجف می‌نویسد: «در اوضاع نابسامان، فقرای مشاهد مقدسه و خانواده آنها در وضعی هستند که توانایی تأمین غذا و قوت روزانه خود را به جهت نداشتن پول و امکانات ندارند و در صبح صدای ضجه درمندگان و ایتم، دل انسان را به درد می‌آورد؛ بر تو واجب است که تجار نجف و اشراف و اعیان را جمع کنی و با تهیه پول، غذا و اطعام برای فقرا و مساکین تهیه نمای.»^(۴)

۵- حضور فعال در صحنه سیاست: در نهضت مشروطه و در مبارزه با استعمار انگلیس، سید فعال و مستمر در صحنه سیاسی حضور داشت و حتی وقتی مشروطه‌چاپان سکولار تهدید به قتلش کردند، ایشان فرمود: «هنر سال‌هاست آماده شهادتم.»^(۵) یعنی در راه مبارزه با مشروطه غربی، نه تنها گوشه‌گیری نکرد؛ بلکه حاضر بود همه چیز خود را فدا کند یا آنگاه که اشغالگران روسی با همکاری محمدعلی شاه وارد ایران شدند، سید همراه با مرحوم آخوند و سایر فعالان مشروطه، «حکم به جهاد داد.»^(۶) با وقتی عراق در خطر اشغال در آمد، نه تنها اعلام جهاد کرد؛ بلکه فرزندان خود را به جبهه فرستاد.

- ۱- عبدالهادی حائری، تبیع و شروطیت، ص ۱۶۰.
- ۲- توفیق السیف، استبدادستیزی، ص ۸۳.
- ۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۴- موسی نجفی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۳۱۲.
- ۵- مرتضی بذرافشان، سیدمحمدکاظم یزدی فقیه دورانیش، ص ۱۰۶.

تجددشناسی و غرب‌شناسی

کتاب «تجددشناسی و غرب‌شناسی؛ حقیقت‌های متضاد» نوشته دکتر حسین کجویان در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این کتاب جزء مجموعه «متن‌ون نقدی غرب مدرن» و جلد دوم آن به شمار می‌آید. این کتاب بر مبنای مطالعه‌ای انتقادی از غرب مدرن نگاشته شده و محور اصلی بحث در آن تفکیک «غرب‌شناسی» از «تجددشناسی» است. تجددشناسی ناظر بر بخش عمده‌ای از تلاش‌هایی است که برای شناخت غرب، پس از نزدیک به دو قرن آشنایی با آن در ایران صورت گرفته است. آنچه امروزه در ایران «علوم انسانی» خوانده می‌شود، در واقع شکلی از تجددشناسی است و صاحبان‌ظنر آن گوناگون این علوم، اعم از فلسفه، تاریخ، سیاست، جامعه‌شناسی، اقتصاد، انسان‌شناسی و نظایر آن دائماً در حال ارائه شناختی از غرب بوده‌اند.

محتوای این علوم، نظریاتی است که محققان و دانشمندان غربی درباره جوامع خودشان مطرح کرده‌اند و به سرعت به برنامه‌های آموزشی علوم انسانی آنها راه یافته و ما در نظام علمی خودمان آنها را تکرار می‌کنیم. بر اساس این، هرگونه تلاش برای غرب‌شناسی از دایره شناختی علوم انسانی که در کشور ما صورت می‌شود خارج است. اساساً تاکنون با طرح مسئله‌ای در زمینه غرب‌شناسی دست نگرفته یا اینکه پاسخ درخور و شایسته‌ای به آن داده نشده است. آنچه تحت عنوان غرب‌شناسی مطرح بوده، همان تجددشناسی رایج بوده است. این کتاب دل مشغول طرح مسئله شناخت غرب به منزله یک تمدن متمایز و خاص در کلیت خودش است. چنین تصویری از غرب‌شناسی، تنها در نتیجه وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران، امکان طرح یافته و در واقع، غرب‌شناسی همان شناخت بایسته ما از غرب و شرط تداوم و بقای انقلاب اسلامی است. این کتاب که برگزیده دوره بیست‌ونهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز بوده، تلاش می‌کند در پنج بخش اصلی با عناوین «تجدد و غرب‌شناسی؛ موضوع تاریخی انسان، جامعه و تاریخ اخیر جهان»؛ «تجددشناسی غربی؛ از تجدد به مثابه تاریخ بشری عام تا تجدد به منزله تاریخ خاص غربی»، «تطورات تجددشناسی در شرق؛ فرایندهای از خودشناسی تجدد»، «کلیت‌بخشی و تعمیم‌دهی به هستی و تاریخ تجدد؛ ناممکن‌سازی غرب‌شناسی» و «غرب‌شناسی؛ شرایط امکانی و ویژگی‌ها» درباره شرایط و لوازم طرح این حوزه شناختی بحث می‌کند.

دکتر حسین کجویان می‌گوید: غرب‌شناسی در مفهوم حقیقی آن دارای اهمیتی بنیادین و الزام‌آور و حوزده‌ای مهم و تعیین‌کننده برای تاریخ تفکر کشور و کل جامعه بشری است که البته تاکنون مورد غفلت نام بوده است. این امر نه تنها الزام نظری و شناختی دارد؛ بلکه شرط ضروری دوام و بقای انقلاب اسلامی در معنای حقیقی دینی و مابعد تجددی در مفهوم اصیل آن است.



شناخت غرب شرط بقای انقلاب!

نقد روز

تحلیلی بر «مسئله آشنا»ی کمبود اختیارات

گلایه نخ نما

رسیدن به آن به وسیله عقل و کارگروه شناسایی ضعف‌های ساختاری به آن اندیشید.

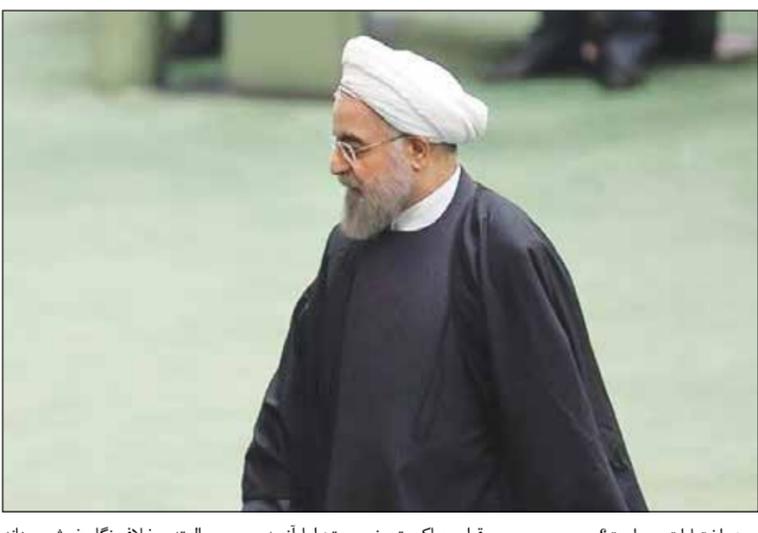
مسئله آشنای اختیارات و موسم پاسخگویی

موضوع اختیارات رئیس‌جمهوری که قطعاً یکی از محورهای مهم و اصلی فکری و گفتگمانی دنبال‌کنندگان تغییر ساخت نظام سیاسی کشور به ویژه از زمان دولت موسوم به اصلاحات در کشورمان است، بیش از آنکه یک مسئله واقعی باشد، یک مسئله «آشنا» است. هر سه رئیس‌جمهور دوره پس از «آقای هاشمی»، در میانه دور دوم ریاست‌جمهوری خود، وارد این سنخ از حاشیه شده‌اند تا برخی عملکردهای نامناسب را با سهولت بیشتری توجیه‌کنند.

هر سه رئیس‌جمهور هم‌قبل از نامزدی انتخابات به خوبی می‌دانستند دایره اختیاراتشان «مشروط» به قوای مقننه و قضائیه و فدراتیو است. با این حال، در میانه راه، از این بهانه برای توجیه ناکارآمدی‌های خود بهره بردند. حالا این دولت، با کارنامه‌ای ضعیف‌تر از دو رئیس‌جمهور پیشین به آستانه سال آخر رسیده و باید برای توجیه هزیمت‌های انبوه خود کاری می‌کرد. پس، این یک دست‌تور کار «آشنا» و یک فوت و فن مدیریت است. این پاسخگویی است.^(۱)

اینکه این فوت و فن «آشنا» تا چه اندازه موفق شود، به میزان هوشمندی ما بستگی دارد. اگر زیادی به آن پسر و بال دهیم و در اطراف آن پسر گویی کنیم، مدیریت افکار عمومی «آشنا» به ثمر نرسد است و اگر با یادآوری برخی اصول برای آموزش جوانان از آن عبور کنیم و به اصل موضوع، یعنی خلق و پیشینه رایجی‌ها برای حل مسائل واقعی کشور همت گماریم، برنده پایانی را می‌توان در تحقق عملی و نهادی آنچه به تازگی رهبر معظم انقلاب از آن به «دولت جوان حزب‌اللهی» نام برد، دانست.

منبع:
۱- حامد حاجی‌حیدری، «فوت و فن آشنا»، ۶ خرداد ۱۳۹۸، قابل دسترسی در <http://www.philosociology.ir>



و قوای حاکمیتی نیست؛ اما آنچه مهم می‌نماید نقش کارگزاران نظام سیاسی است که ضعف‌های زیادی در مدیریت و سامان امور دارند؛ به گونه‌ای که حتی آنها توان و هنر استفاده از شرایط و اختیارات موجود در قانون کلان‌تر را دنبال می‌کنند و آن تقلیل اختیارات رهبری و تبدیل آن به جایگاه شرفیاتی و افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری است. چنانچه در مقطعی لایح دولقو در دوره اصلاحات با همین نگاه افراطی تهیه شده بود. به طور مسلم، در صورت فرض محال تحقق این نگاه، دیگر ساختار سیاسی کشور مبتنی بر نظام ولایی که تأیید بیش از ۹۸ درصد آرای مردم در همه‌پرسی نظام در اوایل پیروزی انقلاب را با خود همراه کرد، نخواهد بود و چه بسا به همین دلیل است که رهبر حکیم انقلاب معتقدند بن‌بستی در ساختار نیست؛ اما در کارگزاران نظام ضعف‌کاری و مدیریت‌بی در برهه‌های مختلف و از جمله در شرایط فعلی دیده می‌شود که باید برای کارآمدسازی دولت و سایر قوا در خدمت به مردم فکر کرد و همه به نهاد و قوای نظام کمک کنند. با تأکید کردند، انعقاد درباره ضعف‌ها و نارسایی‌های احتمالی در ساختار موضوعی است که می‌توان در صورت

حوزه اختیارات وی است؟ آقاسی روحانی در روزهای اخیر به ویژه در دیدارهای نوروزی‌اش با اصحاب رسانه و فرهنگ و فعالان اقتصادی به تصریح و کنایه در مواجهه با سؤال از چرایی ناکارآمدی دولتش به آن گلایه نخ‌نما متوسل شده و به تبع طرح وی، موضوع جایگزینی نظام سیاسی نیز مهم جلوه کرده و سبب شده است موج جدیدی از اظهار نظرات در سطوح مختلف سیاستمداران تا نظریه‌پردازان مطرح شود. البته با ورود رهبر معظم انقلاب به آن فعلاً بسا توقف و کندوی روبه‌رو شده است.

سؤال از تغییر ساختار یا ناکارآمدی کارگزار

حداقل دو دیدگاه کلان در این زمینه می‌توان قائل شد؛ عده‌ای معتقدند در مسیر حکمرانی و اداره کشور گاهی چالش‌ها و مشکلاتی در برخی حوزه‌ها به وقوع می‌پیوندد که ساختار کنونی نتوان قانونی و حقوقی برای رفع آن مشکلات و چالش‌ها را ندارد یا برای نمونه در اختیار قوه مجریه که بیشترین درگیری و مسئولیت را بر عهده دارد، نیست، لذا نیاز به تغییر برای وجود از چنین تنگناهایی در قانون وجود دارد. دیدگاه مقابل این نظر معتقد است، بن‌بستی در ساختار سیاسی

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی-۴۷

طبیعت انسان و ضرورت حکومت

است.^۲ علامه طباطبایی از این ویژگی انسان با عنوان تمایل برای استخدام دیگران یاد کرده و قائل است انسان فطراً تا گرایش به استخدام دارد و این میل در همه اعمال او، از جمله تشکیل اجتماع تأثیرگذار است. انسان موجودی است که کمال جو و بنابر ذات خود، می‌خواهد خیلی زود و سریع به کمال برسد. به همین دلیل، جهان اطراف خود را به دیده ابزار رسیدن به کمال می‌نگرد و همین صفت درونی سبب می‌شود به همنوعان خود نیز به همین غرض نگاه کند و قصد استخدام آنان را نیز داشته باشد.^۳

تأمل در زندگانی گذشتگان نشان می‌دهد، به مقتضای قریحه و غریزه استخدام، افرادی که در جامعه‌های ابتدایی از همه قوی‌تر بودند و خاصه آنان که توانایی جسمی و توانایی ارادی بیشتر داشته‌اند، همان‌گونه که موجودات جمادی و نباتی و حیوان دیگر را مورد استفاده قرار داده‌اند، افراد دیگر جامعه را نیز استخدام کرده و اراده خود را به آنها تحمیل کرده‌اند.^۴ این ویژگی انسان او را ناچار می‌کند به حکومت تن دهد تا از این طریق بتواند نظم را در جامعه برقرار کند و مانع از این شود که انسان‌هایی به دست انسان‌های دیگر استثمار شوند یا در مسیر شوم دیگران بی‌مزد و بی‌موجب به کار گرفته شوند.

قانون و زندگی اجتماعی

متفکران جریان عقلانیت اسلامی نیز معتقدند مطابق با هدف آفرینش، زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت است.^۵ انسان‌ها ناگزیر از زندگی اجتماعی هستند و باید با یکدیگر همکاری کنند. لازمه زیست اجتماعی تداخل و تضاد فعالیت‌ها و منافع است. بنابراین

□ **امیر قلی‌زاده /** در روزها و هفته‌های اخیر موضوع با اهمیتی در فضای سیاسی و تا حدودی ساخت اندیشه‌های جامعه در گرفته که می‌تواند آثار و پیامدهای زیادی در وجه اثباتی و سلبی به جا بگذارد. آن موضوع، بحث تغییر ساختار نظام سیاسی کشور از ریاستی به پارلمانی است که در گذشته بارها به صورت مقطعی مطرح و سپس از صفحه مکتوب‌ها و خبرگزاری‌ها کنار گذاشته می‌شد؛ اما این بار این موضوع به صورت کنش‌دار و مصزانه در دستور کار ترویجی و تبیینی برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای داخلی قرار گرفت و در صفحات نشریات زنجیره‌ای، کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی تداوم یافت تا اینکه در دیدار اول خرداد دانشجویان با رهبر معظم انقلاب، ایشان ضمن تأیید اصل ساختار نظام جمهوری اسلامی، تأکید کردند: «مشکلات نظام پارلمانی- برای ما لااقل- بیشتر از نظام ریاستی است. به هر حال، من مشکلی در ساختار نمی‌بینم. بله، ما کارگزارها اشکال داریم؛ در این شکی نیست. کارگزارها کوتاهی دارند، سلیاق گوناگون دارند، ناتوانی‌هایی دارند، کمبودهایی دارند و نتیجه این می‌شود که گاهی در حرکت اشتباه می‌کنیم. اشتباه ماها هم مثل اشتباه اشخاص عادی نیست؛ ما وقتی اشتباه می‌کنیم، اشتباهمان شکاف‌های بزرگی در متن جامعه به وجود می‌آورد.»

گلایه از اختیارات ریاست‌جمهوری؛ مسیری ناهموار برای فراگفتنی

هم‌زمانی طرح موضوع تغییر نظام و ساختار سیاسی کشور که از سوی دانشجویان کلید خورد و در رسانه‌ها پی گرفته شد، با گلایه رئیس‌جمهور از اختیاراتش پرسش‌هایی را بر سر اذهان متبادر می‌کند که آیا طرح این دو مسئله تصادفی است؟ چرا رئیس‌جمهور در دو سال انتهایی دوره هشت ساله ریاست‌جمهوری زبان به گلایه از کمبود اختیارات می‌زند؟ در دو سال انتهایی دوره هشت ساله ریاست‌جمهوری زبان به گلایه از کمبود اختیارات می‌زند؟ در دو سال انتهایی دوره هشت ساله ریاست‌جمهوری زبان به گلایه از کمبود اختیارات می‌زند؟ در دو سال انتهایی دوره هشت ساله ریاست‌جمهوری زبان به گلایه از کمبود اختیارات می‌زند؟

آفاق

□ **دکتر عباسعلی عظیمی شوشتری /** در شماره گذشته اولین بخش از ضرورت تأسیس حکومت در عصر غیبت در منظر مخاطبان گرمی قرار گرفت. در این مطلب لزوم حکومت با توجه به طبیعت انسان و جامعه را از دیدگاه انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم. ***

ضرورت حکومت

با توجه به طبیعت انسان و جامعه
یکی از مهم‌ترین دلایل عقلی تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت توجه به ویژگی‌های طبیعی انسان و جامعه اوست. ماهیت اجتماعی انسان و نیازمندی او به زندگی در اجتماع حقیقتی پذیرفته شده از سوی همه اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی است. از نظر آنان انسان موجودی است که در ساختمان وجودی آن زندگی جمعی طبیعی است و به اصطلاح مدنی‌الطبع است و باید جامعه تشکیل دهد. از ملزومات تشکیل جامعه نیز وجود یک نظام سیاسی است تا بتواند نظم را برقرار کند. ارسطو معتقد است: «دولت از مقتضیات طبع بشری است؛ زیرا انسان بالطبع موجود اجتماعی است و کسی که قائل به عدم لزوم دولت است، روابط طبیعی را ویران می‌کند و خود یا انسانی وحشی است یا از حقیقت انسانیت خبر ندارد.»^۱ «توماس هابز» نیز در کتاب «لویاتان» بر این باور است که در نهاد انسان‌ها سه علت اصلی «قایت»، «ترس» و «طلب عزت» برای کشمکش و منازعه وجود دارد که انسان‌ها را به تعدی و می‌دارد. مادامی که قدرت در یک فرد یا نهاد تجمع کند، آدمیان از هجوم یکدیگر و بیگانگی در امان نمی‌مانند.^۲

«ابن خلدون» نیز معتقد است، انسان موجودی است که در طبیعت حیوانی او خودخواهی و سرکشی و شرارت نیز مخمر است. بنابراین برای برقراری نظم و جلوگیری از تجاوز افراد به هم در جامعه نیازمند حکومت

ریزش‌ها

فراز و فرود آیت‌الله منتظری-۹ ساده‌لوحی و اعدام‌های ۶۷

□ **شهاب زمانی /** اعدام‌های ۱۳۶۷، آخرین بار در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر بهره‌برداری سیاسی شد و در تخریب چهره یکی از نامزدهای انتخابات که در آن مقطع در هیئتی چند نفره از قاضیان برجسته برای بررسی این موضوع از سوی امام(ره) تعیین شده بود، مؤثر واقع شد؛ اما اساس این ادعا از کجا برخاسته است؟

آیت‌الله منتظری در کتاب خاطرات خود در بخش مربوط به اعدام‌های سال ۱۳۶۷، از بحث‌های میان خود و امام خمینی می‌گوید که آشکار می‌کند این داستان چگونه ساخته شده است. به طور خلاصه ایشان اشاره می‌کند که وقتی بحث اعدام‌ها مطرح شد، من اعتراض کردم که در زندان‌ها نیز زان اعدام می‌شوند. اعدام زن در اسلام بسیار محدود است و دختران را نیز اعدام نمی‌کنند. امام نیز گفت خب به آقایان بگویید دخترها را اعدام نکنند. بعد این طرف و آن طرف این‌طور وانمود کردند که منتظری گفته دخترها را اعدام نکنید، اول آنها را صیغه کنید و بعد اعدام کنید. در خارج از کشور به منافقین این را دست گرفته بودند.^۱ پس می‌توان گفت این شایعه محصول ساده‌لوحی مرحوم منتظری بود و از سوی مخالفان و منافقان درباره وی ساخته شد و بر سر زبان‌ها افتاد. طبیعی بود که پس از تغییر نگرش وی و قرار گرفتن در برابر نظام اسلامی، دیگر پخش‌کنندگان این سخنان نمی‌توانستند در مورد او این‌گونه بگویند و به جای اینکه بگویند منتظری گفته، گفتند روال‌شان در زندان‌ها چنین بوده است!

این در حالی است که اعدام زندانیان سیاسی، ممنوعیت اعدام دوشیزگان و عقد آنها همه شایعات ساخته و پرداخته منافقین برای تظہیر جنایات و خیانت‌های خود به کشور و تخریب وجهه نظام اسلامی است. اساساً این اعدام‌ها نه برای راحت شدن از سر زندانیان، بلکه در پی شورش آنها در زندان هم‌زمان با عملیات مرصاد بوده است؛ البته تنها افرادی محاکمه می‌شدند که پیش از این در عملیات تروریستی شرکت داشتند و بر سر مواضع خویش باقی مانده بودند و حتی هم‌زمان با حمله منافقین در سال ۱۳۶۷ با پشتیبانی ارتش عراق به دلیل اطلاعاتی که داشتند به شرق و ایجاد نامتی در زندان پرداختند. امام نیز حکمی را درباره بررسی مجدد پرونده منافقین زندانی که همچنان بر سر موضع طرف‌داری و دفاع از منافقین بودند و شورش می‌کردند صادر کردند؛ آن هم با اوج احتیاط شرعی که «تشخیص این موضوع را به رأی اکثریت قاضی شرع، دادستان و نماینده وزارت اطلاعات واگذار می‌کند

با تأکید بر اینکه احتیاط در اجماع است.»^۲ البته این عمل پیش از این هم در مورد تروریست‌ها صورت گرفت و بسیاری از آنان به دلیل نداشتن خط منشی پیشین از اعدام نجات یافتند و بعدها آزاد شدند.

در اینجا به نامه امام خمینی به آقای منتظری اشاره می‌کنیم که نشان‌دهنده دل پر درد امام است از ساده‌لوحی وی و امثال وی بوده که با شایعه و دروغ‌پردازی‌های خود کاری کردند که هنوز همانند زخم کهنه در بزنگاه سر باز می‌کند و ظرفیتی از نظام صرف دفاع از چیزی می‌شود که اساساً وجود نداشته است. در بخشی از نامه امام آمده است: «انتظار در همین معنوی شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلف و السوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده‌ای به استخبار کرده‌اید.»^۳ ادعای دیگر ضد انقلاب هم درباره اعدام دختران باکره پس از صیغه کردن آنها از سوی پاسداران، آنقدر مضحک و سست است که به دو دلیل ساده منتفی می‌شود. اولاً، اسلام بهای منعی برای اعدام زنان یا دختران ندارد و در سیره معصومان نیز مشاهده شده که زن محارب اعدام می‌شود. ثانیاً، اگر مبنای اعدام‌کنندگان، اسلام می‌بود (که به‌خاطرش نتوانند دختران باکره را اعدام کنند) بر مبنای همین اسلام نمی‌توانستند یک دختر را به زور صیغه کنند و باکرگی او را برارند و بر این اساس باطل بودن این ادعا ثابت می‌شود. منابع در دفتر نشریه موجود است.

بژواک



محمد صالح نادری

کارشناس فناوری اطلاعات

در شماره پیش بیت‌کوین را به عنوان مهم‌ترین ارز دیجیتال غیر متمرکز معرفی کردیم؛ اما باید بدانیم که پول‌های مجازی تنها به بیت‌کوین ختم نمی‌شوند، بلکه شکل‌های گوناگونی از آنها با اسم‌های متفاوت وجود دارد که هر کدام کارکردهای متوعی دارند. در این شماره، نوع دیگری از ارزهای دیجیتال را معرفی می‌کنیم. این ارز «اتر» نام دارد که نام بستر آن «اتریوم» است. اتریوم چیزی بیش از یک ارز دیجیتال است و جهانی از خودکارسازی فرایندها به شمار می‌آید.

بسیاری از ارزهای دیجیتال برای رقابت با بیت‌کوین ایجاد می‌شوند؛ اما اتریوم و خالق آن «ویتالیک بوترین» کاملاً هدف دیگری داشتند. بوترین بستری به نام اتریوم را ساخت. این بستر مبتنی بر بلاک‌چین به دیگر توسعه‌دهندگان اجازه می‌دهد به صورت آزاد برنامه‌های غیر متمرکز مورد نیاز خود را روی آن اجرا کنند؛ برنامه‌هایی که هیچ مدیر مرکزی ندارند.

در واقع تمرکز بیت‌کوین از ابتدا بر ارزهای دیجیتال بوده؛ اما اتریوم بر روی غیر متمرکزسازی فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. غیر متمرکزسازی فعالیت‌ها در تعریف هدف ایجاد تیم اتریوم بهتر توصیف می‌شود: «اتریوم ایجاد شد تا ما برای انجام کارهایمان به هیچ بانک، شرکت و نهاد دیگری به جز خودمان نیاز نداشته باشیم.» می‌توان گفت اتریوم در حال تلاش برای تبدیل شدن به ابر کامپیوتر است؛ سامانه‌ای که بتواند تمام کارها را بدون دخالت مدیر مرکزی انجام دهد! تا قبل از اتریوم هر شخصی که به بلاک‌چین نیاز داشت، می‌بایست شخصاً بلاک‌چین خود را ایجاد می‌کرد؛ اما با اتریوم دیگر نیاز به این کار نیست؛ زیرا اتریوم به کاربران خود این امکان را می‌دهد که به راحتی ارز دیجیتال شخصی ایجاد کرده و در برنامه خود استفاده کنند.

واحد پول اتریوم «اتر» است. در بیت‌کوین استخراج وجود داشت؛ اما اتر در حال حرکت به سمت استفاده از مفهوم سهام است. در این حالت، کاربران بر اساس میزان دارایی خود در شبکه، توان تأیید تراکنش‌ها را دارند و به ازای آن پاداش و سهم بیشتری دریافت می‌کنند. تعداد واحدهای اتر

تقویم انقلاب

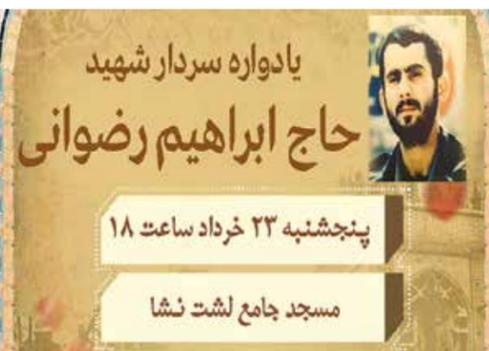
روز غم‌انگیز امام (ره)



سیدمهدی حسینی

کارشناس تاریخ

یکی از روزهای تلخ در تقویم انقلاب اسلامی، ۲۵ خرداد سال ۱۳۶۰ بود؛ زیرا در این روز گروهی موسوم به «جبهه ملی» با همراهی جمعی از گروهک‌های تروریستی موسوم به چریک‌های فدائیان خلق، سازمان منافقین و سایر لیبرال‌ها و حقوق‌دانان متمایل به فرهنگ غرب، با هم‌صدایی علیه لایحه قصاص، اعلام راهپیمایی اعتراض‌آمیز کردند و با صدور اطلاعیه‌ای آن را لایحه «غیر انسانی» نامیدند. این اقدام نخستین گام برای اسلامی کردن قوانین جمهوری اسلامی بود و از مجازات قوانین شرعی در امور قصاص و حدود انتخاب شده بود که ریشه قرآنی داشت؛ البته مبارزان، انقلابیون و قاطبه مسلمانان هم اعتقاد و انتظار داشتند که نخستین بار اسلامی کردن قوانین کشور تحول در قوانین است؛ به عبارت دیگر، تبدیل احکام شرعی به قانون مدنظر بود. در این راستنا، اعضای شورای عالی قضایی وقت این موضوع مهم و حیاتی را در دستور کار خود قرار دادند و آن را با حضور علما و فقها مانند آقایان شهید سیدمحمد حسینی‌بهشتی، مرحوم سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی، آیت‌الله جوادی آملی، مرحوم محمدمهدی ربانی‌املشی و شهید علی قدوسی در ۲۱۸ ماده در ۸ موضوع مهم تنظیم کردند و در اختیار دولت وقت قرار دادند. دولت هم بی‌درنگ در اردیبهشت سال ۱۳۶۰ آن را تصویب کرد و به مجلس شورای اسلامی ارائه داد تا روی آن بحث کنند و در نهایت به قانون تبدیل شود. مصادف با این بحث، گروه‌های سیاسی مسلح که همواره فتنه و آشوب را در شهرهای مرزی ایران به خصوص کردستان دنبال می‌کردند و پیوسته در شهر تهران به آشوب و فتنه‌گری دامن می‌زدند، در ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران گرد بنی‌صدر چرخیدند و به شدت هتواداری او را دنبال کردند تا اینکه در ۲۰ خرداد ماه خبر عزل او از فرماندهی کل قوا داده شد و این جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی و امام راحل با صدور بیانیه‌ای از مواضع بنی‌صدر، رئیس‌جمهور مدظل حمایت کرده و به هواداران خود اعلام کردند که جان رئیس‌جمهور در خطر است. در چنین فضای التهابی و هیجان‌زده‌ای گروه سیاسی موسوم به جبهه ملی سر برآورد و با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن حمایت از بنی‌صدر لایحه قصاص را «غیر انسانی» خواند و راه‌پیمایی و تظاهرات علیه این لایحه را از مردم خواستار شد. این واقعه امام خمینی(ره) را بسیار نگران و متأسف کرد. به قدری این اقدام یعنی «غیر انسانی» خواندن لایحه قصاص و راه‌پیمایی و قیام علیه آن برای امام خمینی(ره) سنگین بود. که شاید در هیچ یک از سخنرانی‌ها ایشان به این اندازه در فشار روحی قرار نگرفته بود. امام(ره) در سخنرانی ۲۵ خرداد سال ۱۳۶۰ نگرانی دیگری هم داشتند؛ اینکه بعضی از لیبرال‌ها مانند گروه نهضت آزادی که خود را مسلمان و مدافع قرآن معرفی می‌کردند، در برابر موضع جبهه ملی ساکت بوده یا با پیام‌هایی آن را تأیید کرده بودند. این مورد بیشتر امام خمینی(ره) را متأسف کرده و ایشان چندبار فرموده بود متأسفم! راه‌پیمایی در مقابل اسلام! در مقابل صریح قرآن! در مقابل حکم ضروری اسلام! را این را چه جور تعبیر کنیم؟ باز من کار ندارم به «جبهه ملی» یا اینکه بعضی افرادش شاید مسلمان باشند. در مجموع من کار دارم به آن‌هایی که پیوند کرده‌اند با این جبهه، پیوند کرده‌اند با منافقان، پیوند کرده‌اند با منحرفان. من با اینها چه کار دارم که شمای که متدین هستی… با این نمازخوان‌ها باید چه کنیم؟ برای امام خمینی(ره) این روز خیلی غم‌انگیز و با نهایت تأسف می‌فرمود: «لا حول و لا قوة الا بالله»



هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تلفن:۰۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی:۱۴۴/۷۴۴۵
سایت اختصاصی: sswweekly.ir
سروش: @ssweekly
ارتباط مستقیم با سردبیر: sardabir@ssweekly.ir
ارسال مطالب: info@ssweekly.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۲
نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

بر خلاف بیت‌کوین که ۲۱ میلیون بود سقفی ندارد؛ اگرچه حتماً در آینده برای آن باید سقفی در نظر گرفته شود تا مانند اسکناس‌های کاغذی امروزی دچار تورم‌های غیر قابل کنترل نشود. تورم در ارزهای دیجیتال به سرعت سبب نابودی آن می‌شود.

در بیت‌کوین برای استخراج هر واحد (حدس پاسخ معادله و رفتن از برگی به برگ دیگر) میانگین حداقل ۱۰ دقیقه زمان لازم است؛ اما در اتریوم این زمان کمتر از ۱۰ ثانیه است. همین امر سبب می‌شود اتر ارزش بسیار کمتری داشته باشد و حتی بسیاری از پذیرش آن به عنوان ارز ارزشمند سرباز زند؛ اما هدف اصلی از ساخت این ارز ایجاد انگیزه برای فعالیت در شبکه بوده است، مانند بنزین که سوخت خودروهاست، اتر هم سوخت شبکه اتریوم است و اگر نباشد هیچ انگیزه‌ای برای فعالیت شبکه وجود نخواهد داشت. این به دلیل هدف متفاوت اتریوم است که بنا ندارد تنها یک ارز دیجیتال باشد و می‌خواهد بستر ارائه دهنده نرم‌افزارهای غیر متمرکز محسوب شود. آینده‌ای که اتریوم برای خود می‌بیند، جهانی است که در آن تمام فرایندها خودکار شده‌اند و هیچ نیازمندی‌ای به تأیید انسان برای انجام کار وجود ندارد. اتریوم در این زمینه قراردادهای هوشمند را تعریف می‌کند. فرض کنید قراردادی با شرکت بیمه برای خودروی خود منعقد کرده‌اید. در حالت متمرکز پس از تصادف باید تمام کارها را آن شرکت تأیید کند تا خسارت به شما داده شود؛ اما در غیر متمرکزسازی، برای تمام حالت‌های ممکن سناریویی محتمل وجود دارد که در صورت رخ دادن، برخورد پیش‌بینی شده در آن سناریو انجام می‌شود. در این صورت دیگر به تأیید هیچ شخص، ارگان و مدیری نیاز نیست و پرداخت خسارت به شما خودکار انجام می‌شود. این حالت در مقایسه با متمرکز مزیت‌هایی هم دارد. فرض کنید که مسئول تأیید خسارت عمدا یا سهواً تشخیص اشتباه دهد؛ اما در غیر متمرکز تمام مراحل براساس ضوابط و قاعده‌های تعیین شده از قبل پیش می‌رود و امکان اشتباه وجود ندارد.

این نمونه‌ای از آینده‌ای است که اتریوم به دنبال آن است. هرچند که چنین مفهومی بسیار جالب و مفید به نظر می‌آید، خطراتی هم دارد. اصلی‌ترین خطر آن که شاید شما هم با خواندن این مطلب به ذهن‌تان رسیده این است که چگونه می‌توان به سامانه‌ای که رهبر و مدیر ندارد اطمینان کرد و چگونه از هرج و مرج در چنین سامانه‌هایی جلوگیری می‌شود؟ آیا اصلاً امکان‌پذیر است؟ پاسخ این پرسش‌ها در شماره‌های آتی بیان خواهد شد.

کتیبه سبز



غلامعلی حدادعادل

رئیس بنیاد سعدی

خورشید فردا سروده‌ای تقدیم به رهبر فرزانه انقلاب

ای دو چشمانت چراغ شام یلدای همه
آفتاب صورت خورشید فردای همه
ای دل دریایی‌ات کشتی نشینان را امید
ای دو چشم روشنت فانوس دریای همه
خنده‌های گاه‌گهت خنده خورشید صبح
شعله لرزان آهت شمع شب‌های همه
ای پیام دلنشینت بارش باران نور
وی کلام آتشینت آتش نای همه
قامت نخل بلند گلشن آزادی
سرو سرسبزی سزاوار تماشای همه
گر کسی از من نشانی از تو جوید گویمش
خانه‌ای در کوچه باغ دل، پذیرای همه
لاهاز عمر یک دم بی‌گل رویت مباد
ای گل رویت بهار عالم‌آرای همه

گام دوم راهیم

نهضت چهل ساله‌ست و گام دوم راهیم
ما روزهایی بهتر از امروز می‌خواهیم
افتاده کار دشمنان ما به فرسایش
کاری بُرد از پیش حتی لشکر داعش
پیش خلاق خصم را بی‌آبرو کردیم
ما یک سلیمانی برای خصم رو کردیم
با هم‌دلی اوضاع بهتر می‌شود بی‌شک
از داخل، آبادی میسر می‌شود بی‌شک
از آن مسیر اشتباه رفتنات برگرد
تکیه به حرف چشم‌آبی‌ها نباید کرد
این ملت از تحریم شیطان‌ها نمی‌ترسد
فرزند عاشورا ز طوفان‌ها نمی‌ترسد
فریادها را بر سر آلیس می‌گویم
گفتند ما در اضطرابیم و در آشوبیم
ای دلک خودخواه صهیون، گوش خود واکن
باد از جهنم می‌رسد آغوش خود واکن
دنبال آشوبی؟ قلم بردار خب بنویس
جمعه نه بلکه شنبه‌ها، تهران نه و پاریس
ظلمت بداند تا طلوع فجر بیداریم
نه جنگ خواهد شد نه قصد گفت‌وگو داریم
ایرانیان هرگز به وعده دل نمی‌بستند
مردم همه چشم انتظار یک فرج هستند
مرده و یا زنده به لطف یار محشوریم
ما با ولایت در پناه حضرت نوریم
می‌آید آخر یک نفر از راه می‌آید
با پرچم سبز ولی‌الله می‌آید

شعر از «حامد خاکی» و «حسین صیامی»

صبحانه

محال نیست!

آسان‌ترین راه‌ها، راه خداست؛ چون مطابق با مذاق و فطرت بشر است. این نفس دجال بشر است که برای اینکه آزاد باشد، دائم منفی‌بافی می‌کند و راه را مشکل و محال می‌داند؛ مثلاً می‌گوید ما کجا و اهل بیت(ع) کجا! ما کجا و رب‌الارباب کجا! بعضی‌ها چون خودشان در گردنه گیر کرده‌اند، می‌گویند راه بسته است و راه را خدا می‌بندد. بیچاره خودش گیر کرده است! اما سلمان‌ها رفتند و رسیدند به مقام اهل بیت!

ریشه‌های طوبی، حاج محمد اسماعیل دولابی

حرف تو حرف

درباره اظهارات یکی از متهمان اقتصادی نیمه پر متهم کلان

معمولاً در اتفاقات روزمره گاهی اوقات حوادثی پیش می‌آید که با توجه به آنها تصورات ما از وضعیت خود و جامعه به قبل و بعد از این جریان تقسیم می‌شود؛ مثلاً تا پیش از این فکر می‌کردیم اگر مجبور باشیم کرایه خانه و پول پوشک بچه بدهیم و نخواهیم غذایی بخوریم و گذرمان به مطب پزشکان دلسوز بیفتد، شهری دانشگاه بچه‌ها نباشد و بانو خواهیم گذرمان را به بازار بیندازد و نخواهیم پراید بخیریم و خیلی نه‌های دیگر حدود ۹۰-۹۵ یا ۱۰۰ سالگی می‌توانیم حدود یک میلیارد تومان آورده داشته باشیم. به همین اباطیلی سرزمان گرم بود تا اینکه دادگاه یکی از مفسدان محترم (!) کشور را دیدیم که در جواب قاضی که به او می‌گوید تو با این زددی ۸۰ میلیاردی متهم کلان هستی، گفت: من متهم کلان نیستم و مفسد محترم اصلاً زیر بار نمی‌رفت.

بعد از این قضیه ما دچار یأس فلسفی خاصی شده بودیم که چگونه چنین کسی با این همه سرمایه خودش را مثل ما متهم ناچیز می‌داند و حال آنکه اگر ما خودمان، خانواده‌مان، همه فامیل‌های وابسته و غیر وابسته و حتی تمام اینهایی که روزانه در مسیر رفت و آمد و توی تلویزیون می‌بینیم، با شرایط فوق که گفتم تلاش کنیم، در آن ایستگاه ۱۰۰ سالگی، زندگی می‌توانیم چیزی حدودی ۱۰-۲۰ میلیارد تومان پس‌انداز داشته باشیم. در همین سرگشتگی بودیم تا اینکه کارشناسی آگاه به مسائل جاری ما را از این بحران و یأس فلسفی نجات داد و فرمود: نه جانم این عزیز نور دیده و متهم نورسیده، نه تنها متهم کلان است که هست، بلکه خود هم قبول دارد؛ اما این خود متهم کلان نبینی وی، ریشه در ذات احترام به بزرگ‌تر نهاد او دارد! و باید نیمه پر لیوان را دید.

ما که هر چه نگاه کردیم نیمه پر لیوان یا البته در این مقیاس نیمه پر دریاچه ارومیه هم به چشم‌مان نیامد، تا اینکه خود کارشناس گفت: «این عزیز چون با بزرگان نشست و برخاست می‌کند، آنگاه که ما مردم را می‌بیند، می‌گوید که متهم کلانم و چون برخی از ابرمتهمان را می‌بیند که ده بیست برابر وی اندوخته دارند، خود را در برابر ایشان خرد و ناچیز می‌بیند؛ پس شک و یأس به دل راه ندهید که از باب احترام به ایشان است و گرنه ایشان هم جزو متهمان کلان است!»

علی بهمنی

تلخند



نکته و نظر

به خانه علی آتش آورده‌ای؟

نکته: ابوعمرور زانان (متوفی ۸۲ع) از تابعین و اصحاب نزدیک حضرت علی(ع) بود که احادیث و داستان‌های بسیاری در فضیلت اهل بیت از او نقل شده است، یکی از داستان‌ها این است که من با قنبر، غلام امام‌علی(ع) محضر امیرالمؤمنین وارد شدیم. قنبر گفت: با امیرالمؤمنین چیزی برای شما ذخیره کرده‌ام. حضرت فرمود: آن چیست؟ عرض کرد: تعدادی ظرف طلا و نقره! چون دیدم تمام اموال غنایم را تقسیم کردی و از آنها برای خود برداشتی، من این ظرف‌ها را برای شما ذخیره کردم. حضرت علی(ع) به قنبر فرمود: وای بر تو! دوست داری که به خانه‌ام آتش بیاوری! خانه‌ام را بسوزانی! سپس آن ظرف‌ها را تقسیم کرد و نمایندگان قبایل را طلبید و ظرف‌ها را به آنان داد تا عادلانه بین مردم تقسیم کنند(بحار، ج ۴۱ ص ۱۳۵؛ داستان‌های بحارالانوار، ج ۱ ص۲۶).
نظر: در ایام نمایشگاه کتاب، بن کتاب‌هایی را به یکی از فرزندان رهبر معظم انقلاب می‌دهند که با آن کتاب تهیه کند؛ اما وقتی معظم‌له با خبر می‌شوند، به فرزندان می‌فرمایند که این بن‌ها را خودت استفاده نکن و به طلبه‌های دیگر بده تا استفاده کنند. رعایت بیت‌المال با چنین ویژگی‌هایی در سی سال گذشته زعامت امام خامنه‌ای، در رفتار وی بسیار مشاهده شده است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی (زید عزه) که یک وعده غذا مهمان بیت رهبری بوده‌اند، در مورد رعایت بیت‌المال ایشان می‌فرمایند: یک روز مهمان مقام معظم رهبری بودم. سفره را که گسترده، فرزند ایشان آقا مصطفی نیز نشستہ بود. آیت‌الله خامنه‌ای به وی نگاهی کردند و فرمودند: پاشو برو! من خدمت ایشان عرض کردم: اجازه بفرمایید آقاآزاده هم باشند. من از او خواستم که با هم باشیم. آقای فرمودند: این غذا مال بیت‌المال است، شما هم مهمان بیت‌المال هستید. برای بچه‌ها جایز نیست که بر سر این سفره بنشینند. آنها به منزل بروند و از غذای خانه بخورند. من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به ایشان داده است.

صادقانه

پاداش رسیدگی به خانواده

امام علی‌بن‌الحسین(ع) فرمودند: اینکه وارد بازار شوم و به همراهم درهمی باشد تا با آن برای خانواده‌ام گوشتی بخرم که به آن اشتیاق دارند، برای من محبوب‌تر است از اینکه فردی را آزاد کنم. کسی که مسئولیت خانواده‌ای را برعهده می‌گیرد، باید در حد توان مالی به آنان وسعت دهد و نیازهای‌شان را برآورده کند، تا احساس کمبود نکنند. رسیدگی به خانواده و تأمین خواسته‌های آنان در حد معقول و متعادل، وظیفه مرد خانه است و خدا هم به چنین کسانی اجر و ثواب عطا می‌کند.
وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱، ج ۶.

داغ‌های مجازی

از رؤیت هلال شوال تا استغفای حاشیه‌ساز!

❑ **حمیدرضا حیدری / هفته‌ای که گذشت پر از سوزه‌های مجازی بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی بدان پرداختند.**

❑ یکی از مسائل بسیار داغ در شبکه‌های مجازی اختلاف بر سر رؤیت هلال ماه شوال و عید فطر بود؛ در حالی که بسیاری از کشورهای عربی سه‌شنبه را عید فطر اعلام کرده بودند، در جمهوری اسلامی چهارشنبه عید فطر بود؛ از این‌رو برخی کاربران تلاش کردند با فضاسازی این‌طور القا کنند که ایرانی‌ها عید فطر را هم روزه گرفته‌اند؛ اما پس از بررسی و بحث‌های علمی مشخص شد این اشتباه متوجه کشورهای عربی بوده که آخرین روز ماه رمضان را عید اعلام کرده‌اند. یکی از کاربران به نقل از شبکه الجزیره نوشت: «عربستان سعودی در رؤیت هلال شوال، اشتباه‌ها به جای ماه، سیاره زحل را رصد کرده و شب سه‌شنبه در کشورهای منطقه اساساً امکان رؤیت ماه وجود نداشته است!»

❑ یکی دیگر از سوزه‌های مجازی، هشتگ «سد لفور» بود که در پی انتشار تصاویر هنجارشکنانه چند خانم بی‌حجاب در حال قایق‌سواری داغ شد؛ موضوعی که نه تنها بر فضای مجازی تأثیر گذاشت، بلکه سبب شد بسیاری از شخصیت‌های محلی درباره این اتفاق اظهار نظر کرده و آن را محکوم کنند؛ تا جایی که پلیس وارد ماجرا شد و گفت با خاطیان برخورد خواهد شد.

❑ داستان استغفای بطحایی برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی هم یکی از موضوعات داغ شبکه‌های اجتماعی بود. برخی کاربران از این نوع استغفا انتقاد کردند و برخی دیگر معتقد بودند بطحایی متوجه شده که دولت نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ از این رو ورود به مجلس را راه بهتری برای حل مشکلات دیده است.

❑ برخی دیگر از سوزه‌های پرتکرار فضای مجازی عبارت‌اند از: سالگرد ارتحال امام(ره)، منطق مقاومت، خامنه‌ای خمینی دیگر است، اگر امام نبود، خداحافظ رمضان، نحوالقدس و نه به معامله قرن. همچنین صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در مراسم سالگرد امام خمینی(ره) و عید فطر هم موضوع مهمی در فضای مجازی بود.

نکته گرام



علی صوفان: عراق با بیانیه نشست شورای اعراب مخالفت کرد، سعد حریری ندرت را خودش را نشان داد، شورا هنوز دچار تفرقه است. یمن در هرج‌ومرج است، سوریه نابود شده، لیبی تقسیم شده، سودان در لبه جنگ داخلی است، به اردن خیانت شده و الجزایر هم دچار آشفتگی است. این وضعیت جهان عرب است.

سیدمحمود رضوی: متأسفانه جنایتی رخ داده. یکی از چهره‌های شاخص اصلاحات ابتدا مظنون به قتل بوده و بعد خود را به آگاهی معرفی کرده و دیگر متهم است. حال یک سری از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب به جای صبر تا رسیدگی در دادگاه، به طراحی سناریو و جنگ روانی برای تطهیر خود و اتهام‌زنی به مقتول و دیگران مشغولند. چرا متوجه نیستید که هر چقدر این اتفاق متعفن را هم بزنید، بیشتر بوی تعفن آن منتشر می‌شود و ابعاد آن اول و آخر فقط و فقط دامن خودتان و اصلاحات را خواهد گرفت!



علی‌علیزاده: نباید بگذاریم برخی صاحبان قدرت ذهن ما را با حاشیه‌سازی، استعمار، استثمار و استثمار کنند. نباید اصل ماجرا را فراموش کنیم. اما اصل ماجرا چیست؟ در ایران امروز که بسیاری از جوانان به خاطر مسائل مالی توان ازدواج ندارند، نجفی برای همسر دومش منزلی پانزده میلیاردی در سعادت‌آباد تهیه کرده. نجفی همسرش را ۱۳۶۲ سکه مهریه کرده بوده؛ یعنی معادل حقوق ۳۹۴۱ ماه یک کارگر ایرانی و معادل ۳۲۸ سال کار. نجفی ادعا کرده هفته پیش برای حق‌السکوت به همسرش ماشین لکسوس داده. این دقیقاً یعنی چه؟



عزت‌الله ضرغامی: ۱- دوگانه فشار و مذاکره آمریکایی‌ها، یادآور مدل فشار از پایین و چانه‌زنی از بالای وطنی است! ۲- جلسه شورای انقلاب فرهنگی، تشکیل شد. به ادامه آن امیدوار شدم. بن‌بستی در اداره کشور وجود ندارد.

حسن ختام

غصه غربت تو را دارم

مسلم‌پوار حتی اگر در میان کوچه‌های شهر، تنها و غریب و دورمانده از وطن باشی یا اگر در دل خیانت‌ها و جنایت‌ها و پشت‌کردن‌های امتی از امام‌شان را نمی‌فهمند گرفتار و اسیر شده باشی یا اگر جماعتی تو را فرا خوانده باشند و چهار هزار نفری پشت سرت نماز خوانده باشند و بعد یک شب، در میان تاریکی‌ها و سیاهی‌های شب بفهمی تمامی این شهر دل‌شان از این سیاهی‌ها، سیاه‌تر و چرکین‌تر است؛ اینجاست که حسینی بودن و بر پای امام و ولایت ماندن معنا می‌دهد، اینجاست که ماندن و دست نکشیدن از ولایت معنا می‌دهد، اینجاست که امامت تو را می‌خرد و می‌گوید: «یا دهر اف لک لا عیش بعد هولاء.»

آقا جان!

فریاد «هل من ناصر ینصرنی» جدان سال‌هاست در دل انسان‌های آزاد و حر زمان فریاد می‌شود، سال‌هاست غریبی و تنهایی‌اش، یاری از جنس مسلم می‌خواهد، یاری که وقتی تمام عالم به او پشت کردند و صدایش را نشنیدند، برخیزد و بایستد و صدایش را به گوش انسان‌های خفته تاریخ برساند، برخیزد و حقیقت ایمان و حقیقت مسودت و دوستی و حقیقت یاری به امام را در دل‌های بیدار دیکته کند.

مولای من!

هنوز همانند حضرت مسلم حال و روزم برای‌تان مضطرب نیست، هنوز در کوچه پس کوچه‌های شهر برای‌تان بغض نکرده‌ام، هنوز غصه غربت‌تان را به جان نخردم‌ام، هنوز زنده‌ام و آمدن‌تان را تنها در زبانم اسیر کرده‌ام و هنوز لطف شما فیض است و استحقاقی نیست.